

# هفته

سال سیزدهم - پنجشنبه / ۱۰ مهر ۱۳۹۹ / ۱ اکتبر ۲۰۲۰

۶۰۳

بها: ۲,۵ دلار / در مونتreal رایگان

[www.hafteh.ca](http://www.hafteh.ca)

۲۲ مهاجرت به کانادا:  
سرعت بی سابقه بررسی  
درخواست کفالت همسر



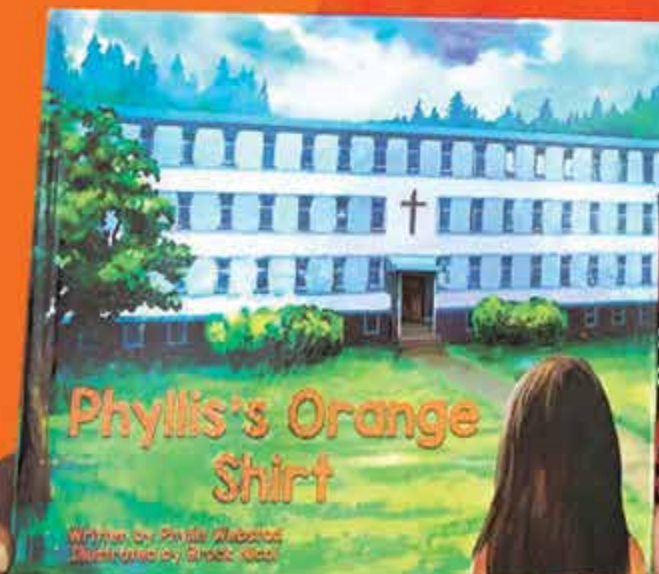
۲۵ محمدمهدی میرزایی در  
گفت و گو با هفته: مرز را دیگران  
کشیده‌اند، ما دوبدینیم بایک روح



داستان ترسناک مدارس  
شبانه روزی بومیان کانادا

فیلیس  
رنج‌های او و  
«پیراهن نارنجی» اش

۳۰



CHILD MATTERS





MARCHÉ ARIYA

فروشگاه آریا

فروشگاه آریا عرضه کننده بهترین مواد غذایی شرقی و غربی بایک دهه تجربه در خدمت شما مشتریان عزیز می باشد.

نانوایی پخت روزانه رستوران و کباب روی زغال خشکبار و تره باره سرویس قصابی گوشت حلال

پایین ترین قیمت بالاترین کیفیت

Tel: (450) 812-7369  
www.marcheariya.com  
3207 Boul. Taschereau  
Greenfield Park, QC  
J4V 2H4

رضایت شما اولویت ماست

از ۹ صبح تا ۹ شب، ۷ روز هفته



**Clinique Dentaire Soleil**

**دکتر شریف**  
**دکتر البزال**  
**دکتر مهرنوش**

Dr. Sharif  
Dr. Albazzal  
Dr. Mehrnoosh

**تخفیف ویژه برای**  
دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪  
بیماران جدید ۱۰٪

**Montreal**  
(514) 731 1443  
5450, Ch. de la Côte-des-Neiges, Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6  
Clinique.Dentaire.Soleil  
www.cliniquedentairesoleil.com  
info@cliniquedentairesoleil.com

**Brossard**  
(450) 926 2622  
7801-2 Taschereau Blvd Brossard QC, J4Y1A3  
info@cliniquedentaire-soleil-brossard.com

**مهاجرین عزیز**

✓ آیامی دانید که خریداران نیازی به پرداخت پورسانت ندارند؟  
هدیه ما به خریداران:  
✓ ۱۳۰۰۰ دلار هزینه محضر  
✓ اخذ وام برای مهاجرین با کمترین پیش پرداخت و بهره

**شرایط عالی برای پیش خرید آپارتمان**  
**در داون تاون صاحب خانه نو بشوید:**  
**فقط با ۱۵ تا ۲۰ درصد پیش پرداخت**

هر چه زودتر با ما تماس بگیرید

✓ هر چهارشنبه مشاوره رایگان حضوری  
✓ تک نفره و چهار نفره در داون تاون ویا وست ایلند

• پیش فروش آپارتمان در بهترین نقطه Downtown  
• خانه های اجاره ای در West Island

**تکین خاکسار - نادر خاکسار**

مشاور املاک

هفت روز هفته مشاوره رایگان تلفنی 514 969 2492





## سماغر تدین

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ

Saghar.tadayon@remax-quebec.com  
5143788620

RE/MAX Alliances  
rue Beaubien Est 3299  
Montréal, Québec, H1X 1G4  
Ofc. : 514-374-4000  
Fax : 514 374-6692

### رویاها تحقق پذیرند...

مشاوره و کسب اطلاعات رایگان املاک مسکونی با قویترین بانک اطلاعاتی  
فروش املاک مسکونی در کمترین زمان مناسب با بهره گیری از بازاریابی صحیح  
ارزیابی، آنالیز مناطق جهت خرید و پیش خرید  
مشاوره و راهنمایی برای سرمایه گذاری املاک در مونترال بزرگ  
ارائه بیمه های انحصاری شرکت ریمکس RE/MAX  
Programme Tranquill.T, Intégri.T  
Sécuri.T




## مهندس مهدی انصاری

### مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران  
از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی
- پرداخت هزینه محضر

**Mahdi Ansari**  
Residential Real Estate Broker  
CANADA AWARDED  
BROKER  
2019 - 2020

514-588-0609  
www.mahdiansari.com  
medi.ans.mtlbroker

Agence immobilière  
GROUPE IMMOBILIER  
**LONDONO**  
REALTY GROUP INC





# آرزو گتمیری

## مشاور املاک



- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید حتی هزینه محضر

Groupe Sutton-Sur L'île  
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8  
Bureau: (514) 769-7010

**Cell: (514) 561-3-561**

Arezou Gatmiri  
Courtier Immobilier Résidentiel  
agatmiri@sutton.com



# مشاور املاک

Courtier immobilier agréé / Certified Real State Broker

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک در آمدزا
- خرید و فروش انواع بیزنس



با ۳۵ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۵ سال تخصص در مشاوره املاک  
مونتreal مسکونی - تجاری

**فیروز همتیان**

ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

Cell: (514) 827-6364 Bur: (514) 364-3315  
9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9  
fhemaatiyan@sutton.com

۷ سخن هفته: روز پیراهن نارنجی و مرثیه‌یی برای کُنفدراسیون / سردبیر

۸ کانادا: واکنش حامد اسماعیلیون به ابرازنظرهای مقامات ایران درباره فاجعه هواپیمای اکرایی / گروه خبر هفته

۱۲ اقتصاد: موج دوم کرونا و کاهش شاخص سهام تورنتو: اخبار اقتصادی تا شنبه ۲۵ سپتامبر / بهراد رنجبری

۱۳ سیاست: اولین مناظره انتخاباتی آمریکا: بایدن یا ترامپ؟ / فرنگیس شکبیا

۱۵ گزارش: جهان دیوانه است اما نه آن قدر که خیال می‌کنید / گروه ترجمه هفته

۲۲ مهاجرت: سرعت بی‌سابقه بررسی درخواست کفالت همسر / معصومه علی‌محمدی

۴۰ پزشکی: تزریق واکسن توسط روان‌شناسان و سایکولوژیست‌ها / گروه ترجمه هفته

۴۵ ادبیات داستان: برش‌هایی از رمان «اسب بومیان» / ریچارد ویگامیز

۴۶ ادبیات شعر: «اعتراف»، به کردی و فارسی / سروده‌ای از خالد بایزیدی

۵۰ کتاب هفته: نگاهی به کتاب «بالا بلندتر از هر بلند بالایی» اثر «جی.دی. سلینجر» / مهسا محبی

۵۲ دنیای دانش: محققان آلمانی: اثبات شعور و ادراک در کلاغ‌های لاشه سیاه / گروه ترجمه هفته

۵۵ آریانا: در صف نان از شرمندگی زمین را سیل می‌کردم / روایت‌های تلخ و شیرین مهاجرت کودکان افغان / محمد عزیزی

۵۶ آریانا: پیشینه‌ی آهنگ «آهسته برو» و رسم عروسی کابلیان / نرگس هاشمی

۵۸ آریانا: روایت یک مهاجر افغان: کودکی‌ام را در ایران باختم / جمیله هاشمی

۶۰ سرگرمی و خانواده / هفته

۶۴ صفحه‌ای برای سرگرمی: سخن ستارگان / خاطره تحویل‌داری یکتا

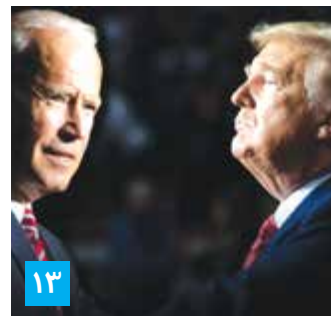
### ۳۸ آریانا: گزارش

نویده احمدی  
مهاجران از تمدید هر ساله کارت آمایش گله دارند



### ۱۳ سیاست

فرنگیس شکبیا  
اولین مناظره انتخاباتی آمریکا: بایدن یا ترامپ؟



### ۲۳ مهاجرت

گروه ترجمه هفته  
مهاجرت به کانادا: زوج‌های ازدواج نکرده را به هم برسائید



### پرونده هفته ۳۰

سارا اندرسون، فرشید سادات‌شریفی، مریم ایرانی  
سجاد صاحبان‌زند، عباس محرابیان

## فیلیس، رنج‌های او و «پیراهن نارنجی» اش

داستان ترسناک مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا

روایت تلخ شرن از سال‌های سخت و رنج مدارس شبانه‌روزی کانادا

مدارس شبانه‌روزی و دغدغه‌های انسانی در کانادا



1650 Maisonneuve  
West Suite #201  
Montreal QC, H3H 2P3  
(514) 787-8848  
www.hafteh.ca  
info@hafteh.ca  
news@hafteh.ca  
ad@hafteh.ca  
ISSN 1918-4379 HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۰ میلادی:  
پنجشنبه ۲ ژانویه  
پنجشنبه ۲۶ مارچ  
پنجشنبه ۹ جولای  
پنجشنبه ۱۵ اکتبر

ساعت کار دفتر هفته:  
سه‌شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه  
از ۱۰ صبح تا ۳ بعد از ظهر

هفته - سال سیزدهم - شماره ۶۰۳  
پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۹ / اکتبر ۲۰۲۰  
بها: ۲٫۵ دلار / در مونتreal رایگان  
ناشر: مجله‌ی هفته

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار  
دانشجویی: ۶۰ دلار

صورت آواز مرغ است آن کلام / غافل است از حال مرغان مردخام



## روز پیراهن نارنجی و مرثیه‌ی برای کِنَدِراسیون

روز پیراهن نارنجی ایده فیلیس وبستد است. او به یکی از آخرین نسل‌هایی تعلق دارد که دوارن دهشتناک مدارس شبانه‌روزی مذهبی دولت کانادا را پشت سر گذاشته‌اند. فیلیس وقتی که دختر بچه‌ای بیش نبود به زور از آغوش مادر ربوده و به آنچه «رزیدنشال اسکول» نامیده می‌شود سپرده شد. او در آنجا گرسنگی و رنج کشید و شاهد محنت دیگر کودکان بود. این مدارس که با هزینه دولت و به مدیریت کلیسا یک قرن در کانادا فعالیت داشتند چنان فاجعه‌ای آفریدند که نام نسل‌کشی برای آن اغراق‌آمیز نیست: ۱۵۰ هزار کودک از آغوش خانواده ربوده شده و سال‌های کودکی خود را در شرایطی غیرانسانی تحت عنوان «رزیدنشال اسکول» طی کردند. به تقریب شش هزار تن از آنها کشته شدند، اما احتمالاً تمامی آنها را با آسیب‌های شدید روحی از این به اصطلاح «مدارس» «فارغ‌التحصیل» شدند.

روز سی سپتامبر را خانم فیلیس برای زنده نگاه داشتن خاطره این کودکان دردکشیده پیشنهاد کرده است. هفته در این شماره خود با همکاری سارا اندرسن، فرسید سادات شریفی، مریم ایرانی، سجاد صاحبان زند و عباس محرابیان پرونده‌ای در این زمینه آماده کرده تا ما را با گوشه‌هایی از این درد آشنا کند. ما قبلاً در این صفحه «مرثیه» دردناک چیف دن جُرج را درج کرده بودیم اما به نظر آمد بهترین سخن برای آغاز این شماره، نمی‌تواند چیزی جز «مرثیه‌ی برای کِنَدِراسیون»، به ترجمه زنده‌یاد پروین انوار باشد.

### سروده‌ی از چیف دن جُرج، ترجمه زنده‌یاد پروین انوار

کانادا! چند سال است که تو را می‌شناسم؟  
صد سال؟ آری. صد سال و ماه‌ها و ماه‌ها  
اما امروز!  
که تو صدسالگی‌ات را جشن می‌گیری  
من برای سرخ‌پوستان سرزمینم آندوهگین‌ام  
تو را  
از روزگاری می‌شناسم که جنگل‌ها از آن من بود  
روزگاری که این جنگل‌ها

منبع خوراک و پوشاک من بود  
کانادا!

تو را از روزگاری می‌شناسم  
که جویبارها و رودخانه‌ها از آن من بود، و  
رقصنده‌ماهیان در پرتو خورشید می‌درخشیدند  
از آن هنگام که جویباران‌ات  
مرا به خود می‌خواندند که بیا و  
از نعمت بی‌کران ما بهره بگیر!  
من تو را در آزادی بادها، از آن زمان که روح من  
چون نسیم بر زمین‌های بکر تو می‌وزید  
می‌شناختم

اما در این صد سال، با آمدن سپیدپوستان  
آزادی‌ام را دیدم که ناگهان ناپدید شد  
مانند ماهیانی که رموز و ناگهان  
در امواج دریاها گم می‌شوند

تن پوش سپیدپوستان برای من بی‌معنا بود  
چنان تم را در فشار می‌گذاشت که نفسم بند می‌آمد  
آنها، مرا که برای سرزمینم و خانه‌ام می‌جنگیدم  
وحشی می‌خواندند  
راه و رسم زندگی‌شان را نمی‌شناختم  
و آنها مرا کاهل و بی‌کاره می‌خواندند  
و آن گاه که خواستم ملت‌ام را رهبری کنم  
مرا از توان انداختند

در تاریخ‌ها، ملت و سرزمین من  
چنان نادیده ماند که ارزش و اعتبار ما  
کمی بیش از گاومیش‌هایی بود

که در دشت‌های این سرزمین می‌چریدند  
ما، در نمایش‌ها و فیلم‌های سینمایی سپیدپوستان  
تمسخر می‌شدیم

اما با نوشیدن آب آتشی‌نی که برای ما آورده بودند  
مست می‌شدیم  
چنان که همه چیز از یادمان می‌رفت

کانادا! من چگونه می‌توانم  
این صدمین سال را با تو جشن بگیرم؟  
آیا برای آن پاره از جنگل‌هایم  
که برای من گذاشته‌ای، باید تو را سپاس بگویم؟

یا برای ماهی‌های کنسرو شده رودخانه‌هایم؟  
یا برای آن غرور و اعتباری که آن را  
دیگر در چشم هم‌نژادان خود هم از دست داده‌ام؟  
یا برای آن که دیگر توان مقابله ندارم  
تو را سپاس بگویم؟ یا نه!  
آیا باید تمامی گذشته را از یاد ببرم؟

ای خدایی که در آسمان‌ها ای!  
شهامت آن پیشوایان قبیله‌ام را به من بازگردان  
بگذار با آنچه در گرد من است به ستیزه برخیزم  
و چون روزگاران گذشته  
بر سرزمین خود چیره شوم  
بگذار این تمدن تازه را، فروتنانه بپذیرم  
به نیروی آن به پا خیزم،  
اما زندگی خود را پی‌گیرم

خدایا! من چون مرغ توفان روزگاران دور  
که از دریا پر می‌کشید، دوباره به پا خواهم خاست  
دانشی را که مایه پیروزی سپیدپوستان بر ما ست  
خواهم آموخت،  
و با این سلاح، نژادم را  
سربلندترین نژاد روی زمین خواهم کرد

ای کانادا!  
امید آن را دارم که چنان رویدادی را ببینم  
پیش از آن که چون رئیس‌ان پیشین قبیله‌ام  
دنیا را ترک کنم  
امید آن را دارم که مردان غیور قبیله‌ام  
و رئیس‌ان قبیله‌های سرخ‌پوست را  
بر مسند قدرت بنگرم  
که با بینش و آگاهی، و با آزادی طبیعی انسان‌ها  
این سرزمین بزرگ را در دست دارند  
و کارگزار قانون‌اند  
بدین سان  
ما حصارهای انزوای خود را فرومی‌ریزیم  
و صد سال دیگری که در پیش داریم  
در تاریخ سربلندی قبیله‌های سرخ‌پوست  
بزرگترین و بهترین خواهد بود!

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.
- لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (بر مبنای واژه‌شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.
- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

خبرهای محلی  
ادبیات: فرسید سادات شریفی  
اندیشه: رضا داودی  
پزشکی: دکتر فائقه ابراهیمی  
اقتصاد: بهراد رنجبری  
پردیس گروه دانشجویی هفته: محمد کرم‌زاده،  
امیر مولایی، عباس محرابیان، شهرزاد طباطبایی  
با سپاس ویژه از همکاران این شماره:  
مهدی توکلی تبریزی، نوید احمدی، یاسمن حسینی، بهروز  
مایلدزاده، مهسا محبی، فیروزه مسیحا، جمیله هاشمی

سردبیر: خسرو شمیرانی  
ویراستار: تیم ویراستاری هفته  
عکاس: مهناز زنجیرزنی  
صفحه‌آرایی: آتلیه هفته  
وب‌سایت: گروه آی.تی. هفته  
افغانستان: نرگس هاشمی، حبیب عثمان  
مهاجرت: معصومه علی‌محمدی  
اخبار کبک و کانادا: گروه خبر هفته  
اخبار جامعه افغان و ایرانی مونترال: گروه



## واکنش حامد اسماعیلیون به ابراز نظرهای مقامات ایران درباره فاجعه هواپیمای اکرایی



مردم شاهد دروغ‌هایشان به‌خصوص در ۳ روز اول بودند و همه می‌دانند اگر فشار جهانی وجود نداشت به هیچ وجه این‌ها ماجرا را به گردن نمی‌گرفتند.

آقای نقدی می‌گوید: ما آماده قصاص هستیم، همه می‌دانند که طبق قانون هیچ‌کدام از مقامات عالی‌رتبه سپاه بدون اذن رهبر جمهوری اسلامی حتی به‌عنوان مطلع نمی‌توانند در دادگاه حاضر شوند. او از چه عدالتی حرف می‌زند وقتی که هیچ‌کدام از فرمانده‌های سپاه، چه به‌عنوان مطلع و چه به‌عنوان متهم، نه به دادگاه احضار شدند و نه حتی حضورشان در پرونده مورد بررسی قرار گرفته است!

حامد اسماعیلیون درباره این سوال که «آخرین پیگیری‌های او به‌عنوان سخنگوی انجمن خانواده‌های جان‌باختگان این هواپیما پس از بازخوانی جعبه سیاه چیست؟» گفت: «سالگرد این ماجرا چندان دور نیست (۸ ژانویه، ۱۸ دی‌ماه) جمهوری اسلامی و سازمان هواپیمایی کشوری موظف است تا آن موقع گزارشی را منتشر کند.

البته ممکن است که دوباره بخواهد وقت بگیرد، مشخص نیست ولی به هر حال آن‌طور که ما متوجه شدیم کشورهای ذی‌ربط منتظرند که گزارش نهایی ایران را ببینند و سؤالات اساسی مطرح است و گزارش نهایی ایران باید پاسخگو این سؤالات باشد. ما می‌دانیم و از روز اول گفتیم که گزارش آنها به این سؤالات جواب نخواهد داد.»

این سخنان دکتر حامد اسماعیلیون، سخنگوی گروهی از خانواده‌های قربانیان را به واکنش واداشت. او با تلویزیون ایران اینترنشنال گفت وگویی داشت که متن آن توسط مجله هفته از فایل صوتی این گفت وگو آماده شده و در زیر ارائه می‌شود.

آقای حامد اسماعیلیون در این مصاحبه گفت: «در به نظر من این مردم هستند بهتر از هرکسی مردم می‌توانند در مورد رفتار و گفتار مقامات ایران از روز اول تا به امروز قضاوت کنند. در هفته اخیر چهار نفر از مقامات جمهوری اسلامی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مورد هواپیما صحبت کردند. در ابتدا سلامی فرمانده سپاه گفت: در آن شب در پایگاه‌های آمریکا هیچ‌کس کشته نشده؛ برخلاف گفته‌های اولیه‌شان که حاجی‌زاده می‌گفت: پنتاگون دارد کشته‌های آمریکایی را می‌شمارد.»

دومین نفر عبدالعلی پورشانس معاون خاتم‌الانبیاء بود که حرف از جنگ الکترونیک می‌زد. سومین نفر علی خامنه‌ای که قربانیان کرونا را با جان‌باختگان هواپیما مقایسه می‌کند و چهارمین نفر محمدرضا نقدی است.

جمهوری اسلامی در قانع کردن افکار عمومی دچار مشکل اساسی شده و نتوانسته این جنایت را آن‌طور که می‌خواست در جامعه عادی کند. به‌طوری‌که رهبر جمهوری اسلامی علی خامنه‌ای جلوی دوربین تلویزیون قربانیان کرونا را با کشته‌شدگان هواپیما مقایسه می‌کند.

در طول هفته گذشته چند تن از عالی‌ترین مقامات ایران سخنانی ابراز کردند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فاجعه سرنگون کردن هواپیمای اکرایی در نزدیکی فرودگاه تهران ربط پیدا می‌کرد.



**DAVID BERGER**  
Avocat - Attorney  
Immigration-Refugees-Citizenship

### دیوید برگر

پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفیر سابق کانادا  
عضو کانون وکلای کبک، مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- ✦ تقاضای اقامت موقت و دائم، شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- ✦ تقاضای مهاجرت از طریق برنامه‌های تجاری و انسان‌دوستانه
- ✦ تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست‌های پناهندگی
- ✦ بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- ✦ توجه خاص به نیازهای حقوقی مراجعه‌کننده

Tel: 514-284-1157      [www.cilaw.ca](http://www.cilaw.ca)      [david.berger@cilaw.ca](mailto:david.berger@cilaw.ca)  
1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8



## «سرزمین آواره‌ها» برنده‌ی جشنواره فیلم تورنتو؛ حضور پررنگ زنان ایرانی



چهل و پنجمین جشنواره فیلم تورنتو در سایه محدودیت‌های کرونا، با انتخاب فیلم «سرزمین آواره‌ها» بعنوان فیلم برتر از نگاه مردم، به کار خود پایان داد.

جایزه منتخب مردم که جایزه اصلی جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو است به «سرزمین آواره‌ها» ساخته کلویی ژائو کارگردان اهل کشور چین رسید و این فیلم شانس خود را برای دریافت جایزه اسکار بالا برد.

به گزارش هفته به نقل از بی بی سی، این نخستین بار است که برنده شیر طلایی ونیز، موفق به کسب جایزه منتخب مردمی جشنواره تورنتو شده است. در این فیلم «فرانسیس مک دورماند» در نقش زنی ظاهر شد که در رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ مجبور می‌شود تا در یک ون و در جاده زندگی کند.

«بندر بند» روایت یک گروه موسیقی است که برای شرکت در یک جشنواره از جنوب کشور به تهران سفر می‌کنند که مشکلی جدی برای به موقع رسیدن به مقصد برای آنها پیش می‌آید. منیژه حکمت در این فیلم از نسلی گفته که زندگی کردن را خوب آموخته اما امید و آرزوهایش با راه‌های بسته و پل‌های شکسته روبه‌رو است.

«خط فرضی» داستان معلم جوانی به نام سارا است که قصد دارد با همسر سخت‌گیر و دخترش برای شرکت در مراسم ازدواج خواهرش به شمال ایران سفر کند. اما مخالفت ناگهانی همسرش به بهانه ماموریت کاری، ماجراهای تلخی را رقم می‌زند. اگرچه فرنوش صمدی توانایی‌های خود را با ساخت این فیلم به اثبات رساند اما برای خلق اثری چشمگیر هنوز راه زیادی در پیش رو دارد.

فستیوال فیلم تورنتو در روز ۱۹ سپتامبر با نمایش فیلم «پسر مناسب» محصول کشور هند و بریتانیا به کار خود پایان داد. در حالی که جشنواره فیلم تورنتو هیات داوران ندارد و به رای مردم برندگان را انتخاب می‌کند، فیلم «یک شب در میامی» به کارگردانی رچینا کینگ برنده دوم این رقابت و فیلم «بینز» ساخته تریسی دیر، برنده سوم آن شد.

جشنواره تورنتو یکی از بزرگترین جشنواره‌های فیلم دنیاست که شهرت آن بیشتر براساس بازار فیلم و خرید و فروش تولیدات جدید در سینمای جهان است. جشنواره فیلم تورنتو سالانه در حدود دویست میلیون دلار برای استان انتاریو و شهر تورنتو درآمد داشته است اما امسال با تبعات منفی ناشی از ویروس کرونا، با رکود بسیار زیادی مواجه بود.

جشنواره امسال برای اولین بار به خاطر شیوع کرونا تلفیقی از حضور فیزیکی و مجازی علاقه‌مندان سینما بود.

جشنواره تورنتو در ۹ سپتامبر ۲۰۲۰ با فیلم «آرمان شهر آمریکایی دیوید بایرن» ساخته اسپایک لی کارگردان آمریکایی افتتاح و با ۵۰ فیلم منتخب در بخش‌های مختلف مانند کشف، گالا، جنون نیمه شب، نمایش ویژه و مستند به همراه منتخبی از فیلم‌های کوتاه برگزار شد. سهم سینمای ایران با پررنگ شدن حضور زنان در این جشنواره، دو فیلم از دو کارگردان زن بود؛ فیلم «بندر بند» ساخته منیژه حکمت که سابقه‌ای طولانی در کارگردانی و تهیه‌کنندگی دارد، و دیگری «خط فرضی» ساخته فرنوش صمدی که تجربه ساخت اولین فیلم بلند خود را داشت.

## مونترال و کبک در چند قدمی هشدار قرمز کووید ۱۹

شیوع کروناویروس جدید در بهار گذشته بسیار نزدیک است. هشتم مه گذشته بود که فرانسوا لوگو وزیر اول استان کبک به منظور مقابله با شیوع ویروس کرونا حالت فوق العاده بهداشتی اعلام کرد.

وزیر بهداشت کبک یکشنبه شب تاکید کرد: «آن چه مردم در حال حاضر از ما انتظار دارند، شفافیت هر چه بیشتر در اطلاع‌رسانی مربوط به پاندمی کرونا است.»

دوبه بدون این که مشخص کند چه تدابیری قرار است تشدید شوند، افزود تلاش می‌کنیم به توازن خوبی دست پیدا کنیم تا خانواده‌ها بتوانند فرزندان‌شان را به مدرسه بفرستد و کسب‌وکارها تعطیل نشوند تا اقتصاد بار دیگر مثل موج اول بیماری فلج نشود.

قرمز خواهند شد. کریستیان دوبه تصریح کرد مونترال و کبک که در حال حاضر بیشتر از همه مناطق استان تحت تاثیر شیوع کووید ۱۹ قرار گرفته‌اند، تا قرمز شدن در سامانه هشدار منطقه‌ای کووید ۱۹ که بالاترین مرحله هشدار است، تنها چند قدم فاصله دارند و وزارت بهداشت اکنون در حال نهایی کردن جزئیات تدابیر بهداشتی است که قرار است طی روزهای آینده در این مناطق به اجرا گذاشته شود.

به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، کبک که در هفته گذشته با افزایش سریع و نگران‌کننده موارد جدید ابتلا به کووید ۱۹ همراه شد، روز یکشنبه ۸۹۶ مورد جدید این بیماری را ثبت کرد. آمار روزانه کووید ۱۹ در کبک به اوج



کریستیان دوبه وزیر بهداشت و خدمات اجتماعی اعلام کرد بر روی جزئیات تدابیر بهداشتی پیشگیرانه‌ای که قرار است در آینده نزدیک به اجرا گذاشته شود، کار می‌کند

مونترال و کبک به زودی وارد مرحله قرمز هشدار خواهند شد.

وزیر بهداشت کبک یکشنبه شب ۲۷ سپتامبر اعلام کرد مناطق مونترال و کبک در روزهای آینده از مرحله هشدار نارنجی وارد مرحله هشدار

## قربانیان کرونا در جهان از مرز یک میلیون نفر عبور کرد

بسیاری از کشورهای جهان در شرایطی تشدید شده است که تدابیر پیشگیرانه مثل قرنطینه، تعطیلی بارها و رستوران‌ها و ممنوعیت تجمعات در بسیاری از کشورها موجب نارضایتی و اعتراض شهروندان شده است.

از ابتدای پاندمی تا کنون بیش از ۳۲.۹ میلیون مورد ابتلا به کووید ۱۹ در جهان ثبت شده است که از این تعداد ۲۲.۵ میلیون مورد درمان شده است. آمریکا با ثبت ۲۰۵ هزار مورد مرگ‌ومیر ناشی از کرونا بیشترین تلفات را از این بیماری متحمل شده است.

پس از آمریکا برزیل (۱۴۲ هزار)، هند (نزدیک به ۱۰۰ هزار) و مکزیک (بیش از ۷۶ هزار) قرار می‌گیرند. بیش از نیمی از قربانیان تلفات کرونا در جهان این چند کشور اتفاق افتاده است.

پاندمی کووید ۱۹ در جهان که اواخر سال ۲۰۱۹ از چین آغاز شد و به سرعت به دیگر کشورهای جهان سرایت کرد، طبق آمار رسمی که کشورهای مختلف منتشر کرده‌اند بیش از یک میلیون قربانی گرفته است. به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، مایکل ریان مدیر اوضاع اضطراری سازمان جهانی بهداشت روز جمعه در حالی که تلفات کروناویروس به یک میلیون نرسیده بود، اعلام کرد که یک میلیون کشته بر اثر ویروس کرونا بسیار وحشتناک است اما دو برابر شدن این آمار نیز بسیار محتمل است.

چشم‌انداز همه‌گیری کرونا در جهان در حال حاضر بسیار تاریک است و منحنی شیوع این ویروس در اروپا، خاورمیانه و آسیا روندی صعودی را دنبال می‌کند. نگرانی‌ها از موج دوم بیماری در هفته‌های اخیر در



۱۱ مارس زمانی که سازمان جهانی بهداشت کروناویروس جدید را یک پاندمی دانست، ۳۰ کشور و سرزمین در جهان از ۴۵۰۰ مورد مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری خبر دادند که دو سوم آن‌ها مربوط به چین، ایتالیا و ایران بود

شمار تلفات ناشی از کووید ۱۹ در جهان از مرز یک میلیون نفر هم گذشت

## ترودو بان.دی.پی به توافق رسید؛ احتمالاً پائیز امسال انتخابات

### نخواهیم داشت

کرده است، بگنجاند.

به این توافق تصریح کرد در حالی وارد موج دوم بیماری می‌شویم که میلیون‌ها کانادایی به علت مشکلات ناشی از پاندمی به لحاظ مالی در تنگنا قرار دارند. بدون شک با همکاری و همدلی است که می‌توانیم این بحران بهداشتی را پشت سر بگذاریم.

با این حال ترودو و حزبش برای سر دادن فریاد پیروزی باید دست کم دو یا سه روز دیگر صبر کنند. جاگمیت سینگ دوشنبه آینده لایحه پیشنهادی C-2 را که شامل تدابیر و برنامه‌های اقتصادی دولت برای ماه‌های آینده است، مطالعه خواهد کرد و آنگاه احتمالاً اعلام خواهد کرد که حزبش به سخنرانی سلطنتی رای مثبت خواهد داد.

به گزارش هفته، به‌نقل از پایگاه اینترنتی لودووار، به این ترتیب با توافقی که ترودو با حزب نیودموکرات حاصل کرده است، دولت اقلیتی وی می‌تواند در خصوص رای اعتماد این حزب به سخنرانی سلطنتی که می‌تواند ضامن تداوم قدرت لیبرال‌ها باشد، اطمینان داشته باشد. این توافق در واقع مانع از آن خواهد شد که کانادا در اوج بحران کووید ۱۹ وارد فضای انتخاباتی شود.

پابلو رودریگز رهبر پارلمانی دولت کانادا نیز روز شنبه ۲۶ سپتامبر در توئیتر خود با اشاره ضمنی



دولت ترودو با حزب نیودموکرات در خصوص مرخصی‌های استعلاجی با حقوق توافق کرد تا چشم‌انداز برگزاری انتخابات احتمالی در پائیز امسال از سپهر سیاسی کانادا دور شود. جاگمیت سینگ رهبر حزب نیودموکرات جمعه شب اعلام کرد لیبرال‌ها با طرح مرخصی‌های استعلاجی با حقوق موافقت کرده‌اند و آن را در لایحه احیای اقتصادی که دولت ترودو ارائه

## تظاهرات در حمایت از آبوهوا در مرکز مونترال

کلانشهر مونترال آمدند.

می‌گیرد، حساب باز کرده‌اند. تلاش بیشتر به منظور تحقق هدف «کربن خنثی» تا سال ۲۰۳۰، قانونی شدن وضعیت مهاجران و پناهجویان توسط دولت کانادا و کبک، به رسمیت شناختن کامل حقوق اقوام اولیه برای تعیین سرنوشتشان و ایجاد اصلاحات ساختاری در نیروی پلیس و عملکرد آن از مهم‌ترین خواسته‌های ائتلافی بود که تظاهرات امروز در مونترال را سازماندهی کرد.

اکثر شرکت‌کنندگان در این تظاهرات مطابق با توصیه‌های بهداشت عمومی ماسک به صورت داشتند و سازمان‌دهندگان این حرکت نیز بر رعایت تدابیر بهداشتی تاکید داشتند.

به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، صدها تظاهرکننده که در محل تقاطع خیابان پیل و بلوار رنه-لوسک گرد هم آمده بودند به سمت خیابان شبروک حرکت کردند و ساعتی بعد تعدادشان به چند هزار نفر افزایش یافت.

در حالی که به نظر می‌رسد پاندمی و محدودیت‌های آن مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی را تحت‌الشعاع قرار داده است، سازمان‌های حامی آبوهوا در این شرایط برای این که جان تازه‌ای به تلاش‌های جهانی در حمایت از آبوهوا ببخشند، بیشتر روی هماهنگی و همگرایی مبارزاتی که در این عرصه صورت



حدود ساعت ۱۳ روز شنبه صدها نفر در میدان کانادا در مرکز مونترال در حمایت از تلاش‌های جهانی برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی تظاهرات کردند

یک سال پس از تظاهرات ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۱۹ که صدها هزار نفر را در مرکز مونترال گرد هم آورد، صدها نفر به دعوت ائتلافی از گروه‌های حامی آبوهوا روز شنبه ۲۶ سپتامبر به مناسبت روز جهانی حمایت از آبوهوا به خیابان‌های



**BOULANGERIE AZER**  
PAINS ET PATISSERIES LEVAINES

# نانوایی سنگی آذر

نان داغ از تنور سنگی  
چهارشنبه تا یکشنبه  
۲ تا ۸ بعد از ظهر

STONE BAKED WHOLE WHEAT  
TRADITIONAL BREAD (SANGAK)

**514-634-6363**  
1153 Rue Notre Dame Lachino, H8S 2C5, QC

**RE/MAX**  
**RE/MAX 3000** Hayk Hartounian MBA  
Residential Real Estate Broker  
Tranquillité: تخصص به فرد

# هایک هارتونیان

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ

● ارزیابی و مشاوره رایگان  
● تهیه وام مسکن با بهترین امکانات  
● پرداخت هزینه محض

با ۳۶ سال سابقه درخشان  
در مونترال

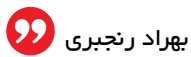
## فروش خرید اجاره

**(514) 574 6162**  
Haykhartounian@yahoo.com  
9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

# مهاجرت...؟ کنپارس

**CanPars**  
Professional Services  
www.canpars.ca  
(514) 700 26 12

Ali Mokhtari, LL.M., RCIC



بهراد رنجبری

## اخبار و روندهای اقتصادی کانادا و آمریکا تا شنبه ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰

### موج دوم کرونا و کاهش شاخص سهام تورنتو



▲ دلار کانادا: این هفته پرنوسان و ۱.۵ درصد کاهش داشت



▲ شاخص سهام داو جونز آمریکا: این هفته پرنوسان و ۱.۸ درصد کاهش داشت



▲ شاخص سهام بورس تورنتو: این هفته پرنوسان بود و ۰.۹ درصد کاهش داشت

#### مهم‌ترین اخبار اقتصادی کانادا در هفته گذشته

آمار ابتدای هفته اخیر نشان می‌دهد که موج دوم کرونا رسماً در کانادا شروع شده است.

• با وجود موج جدید شیوع ویروس کرونا برخی پروازهای ایرکانادا بطور کامل پر از مسافر است و اثری از معیارهای ایمنی و فاصله‌گذاری در پروازها دیده نمی‌شود.

• شرکت وام و مسکن کانادا، CMHC معتقد است قیمت مسکن حتی اگر سناریوی بدبینانه محقق نشود هم باز کاهش خواهد داشت.

• یکی از عوامل تاثیرگذار بر رشد قیمت خانه‌های جدید رشد شدید قیمت الوار بوده که رکورد رشد ۳ سال اخیر را تجربه کرده است.

#### روند تغییرات اقتصاد کانادا

• با رشد مجدد نگرانی‌های ویروس کرونا، شاخص سهام تورنتو و دلار کانادا این هفته کاهش داشتند.

• با اعلام آمار ضعیف اشتغال، احتمال حمایت‌های بیشتر برای نیروی کار تقویت شده است خصوصاً در بخش‌هایی که به این راحتی‌ها امکان بهبود آنها فراهم نیست.

#### مهم‌ترین اخبار و روندهای تغییرات اقتصاد آمریکا و سایر کشورها

• این هفته عموم شاخص‌های بازار آمریکا کاهش داشتند و کاهش قیمت‌ها به هفته چهارم کشیده شد.

• فروش خانه‌های جدید در ماه آگوست در آمریکا در مقیاس سالانه ۲.۴ درصد رشد داشت و به ۶ میلیون واحد رسید که رکورد قابل توجهی محسوب می‌شود. فروش خانه‌های جدید حتی بهتر از خانه‌های موجود رشد داشت و رشد آن به ۴.۸ درصد رسید.

تماس با نویسنده، بهراد رنجبری  
تحلیلگر و مشاور اقتصادی مستقل:  
ای‌میل: Behrad.ranjbari@gmail.com  
کانال تلگرامی: @BBMarketWatch

• بازار کار آمریکا بطور عمومی به سمت بهبود در حرکت است ولی رشد آن کند شده است. حتی آمار مدعیان بیکاری این هفته کمی رشد هم داشته است و به ۸۷۰ هزار نفر رسیده است که البته کمتر از ۹۰۰ هزار واحد باقی مانده است





# اولین مناظره انتخاباتی آمریکا: بایدن یا ترامپ؟

معاون رئیس‌جمهوری کنونی «مایک پنس» و سناتور «کاملا هریس» نیز در ۱۷ اکتبر در «سالت لیک سیتی» ایالت یوتا مناظره می‌کنند. لازم به ذکر است تمامی مناظره‌ها به وقت محلی در ساعت ۲۱ تا ۲۲:۳۰ (۲ تا ۳:۳۰ به وقت گرینویچ) بدون آگهی تجاری، پخش می‌شود.

## محورهای اولین مناظره

اولین مناظره روز چهارشنبه ۲۹ سپتامبر برگزار می‌شود. ترامپ و بایدن هر کدام دو دقیقه فرصت دارند تا در ابتدا و قبل از پرداختن به محورهای صحبت کنند. سپس شش سؤال در بخش‌های زیر مطرح خواهد شد که هر کدام از نامزدها ۱۵ دقیقه زمان برای پاسخ‌گویی دارند. اولین مجری برنامه «کریس والاس» مجری «فاکس نیوز یکشنبه» است که قبل از این درگیری لفظی با ترامپ داشته است.

- ۱- سوابق ترامپ و بایدن
- ۲- دادگاه عالی
- ۳- پاندمی کرونا
- ۴- اعتراضات نژادی و خشونت در شهرها
- ۵- صداقت انتخاباتی
- ۶- اقتصاد

## نقاط ضعف و قوت نامزدها

«دونالد ترامپ» طی چهار سال گذشته رئیس‌جمهور

در حالی که فقط سی و چند روز به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مانده است، اولین مناظره دو رقیب انتخاباتی روز چهارشنبه ۲۹ سپتامبر برگزار شد. «جو بایدن» با تکیه بر نظرسنجی‌ها، پیش‌تاز در اکثر ایالت‌های کلیدی است و در نظر دارد تا با سرمایه‌گذاری در ایالت‌هایی که دونالد ترامپ چهار سال پیش به‌راحتی در آن‌ها پیروز شد، بخت خود را برای غلبه بر چهل و پنجمین رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده در کالج الکترال افزایش دهد. ترامپ نیز در تلاش است تا با وعده‌های جدید انتخاباتی، این عقب‌ماندگی را جبران کند.

## تاریخچه مناظره

اولین مناظره تلویزیونی ریاست‌جمهوری، شصت سال قبل در سال ۱۹۶۰ بین سناتور جوان دموکرات «جان اف. کندی» در برابر معاون رئیس‌جمهوری وقت، «ریچارد نیکسون» جمهوری‌خواه برگزار شد. تیم آقای کندی اطمینان حاصل کردند که وی از نزدیک برای نمای نزدیک تلویزیونی خوب به نظر می‌رسد؛ در حالی که آقای نیکسون که در دوران ناهت بیماری بود، کت و شلوار نامناسبی را بر تن کرده بود و مشاهده شد که عرق پیشانی خود را پاک می‌کند.

در آن زمان، اکثر ۷۰ میلیون بیننده تلویزیونی احساس می‌کردند آقای کندی جوان برنده شده است اما کسانی که از رادیو مناظره را می‌شنیدند، تصور می‌کردند آقای نیکسون باتجربه‌تر است. در نهایت آقای کندی پس از مناظره‌ها شاهد جهشی در نظرسنجی‌ها بود و سی و پنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا شد. البته نمی‌توان با قطعیت گفت که مناظره‌ها بر آرای او یا سایر کاندیداها تأثیر زیادی داشته‌اند اما می‌توان گفت برای کسانی که هنوز در تردید هستند، اثرگذار بود.

## زمان مناظره‌ها

بر اساس قانون، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در اولین دوشنبه ماه نوامبر برگزار می‌شود که امسال در سوم نوامبر خواهد بود. بر این اساس، مناظره‌ها از ۲۹ سپتامبر تا هفتم اکتبر بین رقبای انتخاباتی و معاونان آنان به شرح زیر برگزار می‌شود:

روز ۲۹ سپتامبر در «کلیولند» ایالت اوهایو  
روز ۱۵ اکتبر در «میامی» ایالت فلوریدا  
روز ۲۲ اکتبر در «نشویل» ایالت تنسی



بوده و به اندازه کافی شناخته شده است. او در کانون توجهات عمومی قرار دارد و نقاط قوت و ضعف او برای اکثر آمریکایی‌ها آشناست. به همین دلیل بحث‌های ریاست‌جمهوری بسیار بیشتر به عملکرد جو بایدن در کانون توجهات متمرکز خواهد شد. کار بایدن دشوار است و باید به ارائه یک عملکرد مطمئن و ثابت بپردازد. او باید نگرانی‌های مربوط به بالا بودن سن و چالاکي خود را برطرف کند. بایدن ۷۸ ساله اگرچه تنها ۴ سال با ترامپ اختلاف سن دارد اما شایعاتی از ضعف‌های شناختی و افول سلامت روانی او طی چند ماه گذشته منتشر شده است. دموکرات‌ها نگران این موضوع

هستند که ضعف جسمانی بایدن که در چند ماه گذشته خبرساز شده است در مناظره نیز به ضرر آن‌ها عمل کنند و مردم تصور کنند او برای ریاست‌جمهوری پیر است یا ثبات لازم را ندارد. باید منتظر ماند و دید که پس از مناظره‌ها، آرای مردم به کدام جهت خواهد بود.

البته کار ترامپ هم آسان نیست و با توجه به خشونت‌های پلیس آمریکا و اعتراضات ضد نژادپرستی در شهرهای مختلف، مشکلات اقتصادی ناشی از وضع تعرفه‌ها و آثار پاندمی کرونا، به نظر می‌رسد کار او در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی دشوار خواهد بود.

انتخاب مجدد به ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده سخن می‌گفت در چرخشی ناگهانی، روز جمعه ۲۵ سپتامبر مدعی شد که توافق با تهران در دوره دوم ریاست او بر کاخ سفید بسیار دشوارتر خواهد بود. رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده که جمعه شب در جریان یک نطق انتخاباتی در ایالت فلوریدا برای هواداران خود سخن می‌گفت بار دیگر اعلام کرد که ایران و ونزوئلا تمایل دارند مذاکره کنند و برای حل مشکلات به توافقی دست یابند اما پس از انتخابات، شرایط برای توافق با دو کشور یادشده سخت‌تر خواهد بود.

انتخابات مجدد به ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده سخن می‌گفت در چرخشی ناگهانی، روز جمعه ۲۵ سپتامبر مدعی شد که توافق با تهران در دوره دوم ریاست او بر کاخ سفید بسیار دشوارتر خواهد بود. رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده که جمعه شب در جریان یک نطق انتخاباتی در ایالت فلوریدا برای هواداران خود سخن می‌گفت بار دیگر اعلام کرد که ایران و ونزوئلا تمایل دارند مذاکره کنند و برای حل مشکلات به توافقی دست یابند اما پس از انتخابات، شرایط برای توافق با دو کشور یادشده سخت‌تر خواهد بود.

### آثار انتخابات بر کانادا

آمریکا و کانادا همواره شرکای تجاری و متحد استراتژیک برای یکدیگر بوده‌اند. این دو کشور با ۵۵۲۵ مایل، طولانی‌ترین مرز بین‌المللی جهان را دارند و در زمینه‌های مختلف همکاری‌های استانی و فدرالی بسیاری دارند. با روی کار آمدن ترامپ و اتخاذ سیاست‌هایی نظیر وضع تعرفه بر آلومینیوم وارداتی از کانادا، این روابط دستخوش تغییراتی شد.

در سال ۲۰۱۶، بیش از ۶۲۰ هزار آمریکایی در کانادا زندگی می‌کردند که بر اساس داده‌های فدرال آمریکا، از این تعداد تنها ۵.۳ درصد در انتخابات قبلی آمریکا رأی داده‌اند که شاید در انتخابات پیش رو این رقم با توجه به سیاست‌های نه‌چندان مناسب ترامپ بالاتر برود. طبق نظرسنجی اخیر Pew Research، عدم علاقه کانادایی‌ها به ترامپ به اوج جدیدی رسیده است.

در میان کانادایی‌ها، تنها ۲۰ درصد به ترامپ برای انجام «کار درست در امور جهانی» ابراز اطمینان کردند.

این رکورد جدیدی برای یک رئیس‌جمهوری طی ۱۳ سال گذشته است. «جورج دبلیو بوش» در زمان جنگ عراق در سال ۲۰۰۷ به پایین‌ترین میزان اطمینان با ۲۸ درصد رسید؛ در حالی که «باراک اوباما» با ۸۳ درصد، هنگام ترک کار در سال ۲۰۱۷ مورد اعتماد کانادایی‌ها بود.

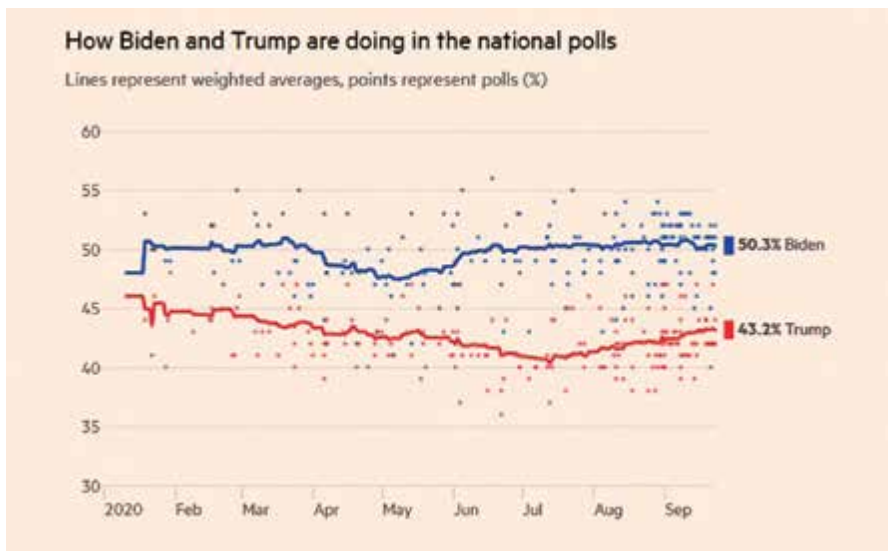
البته در این میان گروه‌هایی هم وجود دارند که به رأی آوردن ترامپ علاقه‌مند هستند. به‌عنوان نمونه، «پیتر داوونینگ» بنیان‌گذار «جنش Wexit» برای یک آلبرتا مستقل، از طرفداران جدی ترامپ است و فکر می‌کند که آلبرتا باید به فکر جدا شدن از کانادا و پیوستن به قلمروی ایالات‌متحده باشد.

منابع: BBC / Washington Post/ Euro News

### آثار انتخابات بر ایران

انتخابات آمریکا برای ایران بسیار مهم است. در حالی که اقتصاد ایران زیر فشار تحریم‌ها بدترین شرایط را سپری می‌کند و نرخ هر دلار آمریکا به مرز ۳۰ هزار تومان رسیده است، بخش زیادی از مردم منتظر انتخاب نامزد دموکرات‌ها هستند؛ به این امید که آمریکا را مجدداً به برجام بازگرداند و از فشار تحریم‌ها بکاهد. این انتظار چندان هم غیرعقلانی نیست. علاوه بر مواضع بایدن در قبال بازگشت به برجام، «کاملا هریس» معاون اول انتخابی وی تمایلات جدی به حفظ توافق هسته‌ای دارد و از مخالفان سرسخت جنگ با ایران است.

از دیگر سو، «دونالد ترامپ» که تاکنون مدام از احتمال توافق زودرس با ایران پس از





## نگین پرونده

ایو ژنگرا Yves Gingras مورخ علوم و استاد دانشگاه  
کبک مونترال UQAM



# جهان دیوانه است اما نه آن قدر که خیال می‌کنید

تردیدی نیست که دولت همواره بخشی از اطلاعات مربوط به این بحران بهداشتی را کتمان یا تلطیف می‌کند، یا دست کم از انتشار آن‌ها خودداری می‌نماید.

به‌طور خلاصه باید بگوییم که حتی اگر بدانیم که دولت اطلاعات مربوط به کروناویروس جدید و پیامدهای آن‌ها را کتمان می‌کند، این موضوع نمی‌تواند موید این نظریه باشد که کروناویروس با فناوری نسل پنجم در ارتباط است یا اینکه داروسازان عامل پشت پرده همه‌گیری کرونا هستند (یکی دیگر از سؤالاتی که در نظرسنجی دانشگاه شربوک مطرح شد، همین بود).

وانگهی بسیار بعید و حتی تقریباً غیرممکن است که کروناویروس جدید که طی فقط چند ماه این همه تلفات و خسارات برای بشر به بار آورده و این همه کشورهای جهان را به‌زحمت انداخته است، به‌طور اتفاقی در یک آزمایشگاه در ووهان چین ساخته شده باشد؛ اما این نظریه‌ای است که فردی در جایگاه سیاسی مهم مثل مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا مطرح کرد و مدعی شد «شواهدی» در اختیار دارد که این موضوع را ثابت می‌کند اما طولی نکشید که در این‌باره تغییر عقیده داد.

با مطرح کردن سؤالاتی مشابه از این قبیل محققان دانشگاه شربوک در نظرسنجی خود به این نتیجه رسیدند که هفده درصد از شهروندان کانادایی نظریه‌های توطئه آمیز بودن کروناویروس را قبول دارند در حالی که این میزان در جامعه آمریکا سی و چهار درصد است. شما هم حتماً مثل من قبول دارید که چنین چیزی ترسناک است. اما پیش از هر چیز این موضوع نشان می‌دهد که مسئله کروناویروس در آمریکا بیشتر از کانادا رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است.

اگر حتی شش درصد آمریکایی‌ها باور نداشته باشند که کسی قدم به روی کره ماه گذاشته است، شمار این افراد از بیست میلیون نفر تجاوز نمی‌کند. اگر همه گروه‌هایی را که سفر بشر به ماه را انکار می‌کنند و همه آن‌هایی را که در این‌باره ادعاهای عجیب و غریب، توطئه آمیز و وهم‌گرایانه مطرح می‌کنند جمع کنیم، شمارشان در مقایسه با اردوگاه مقابل بسیار ناچیز است.

اما مسئله این است که انکارگرایان به‌محض اینکه با هم آشنا و از افکار یکدیگر آگاه می‌شوند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، دور هم جمع می‌شوند و به یک موضوع

این نظرسنجی‌ها به دست آمده، آشکارا موید همین مسئله است. در این نظرسنجی‌ها جامعه علمی همواره در صدر جدول پشت سر نیروهای نظامی قرار گرفته است و این ترتیب همواره در نظرسنجی‌ها ثابت مانده است.

این در حالی است که یک تحقیق بین‌المللی که پژوهشگران دانشگاه شربوک انجام داده‌اند، نشان داد که در آمریکا شمار آن‌هایی که به نظریه‌های توطئه باور دارند، دو برابر بیشتر از کانادا است؛ اما آیا واقعاً همین‌طور است؟ محققان دانشگاه شربوک ادعا کردند که در این تحقیق میزان الحاق جوامع کشورهای مختلف را به نظریه‌های توطئه گرایانه مقایسه کرده‌اند. برای این کار مجموعه‌ای از ایده‌ها، اظهارات و سؤالات برای شرکت‌کنندگان در نظرسنجی مطرح و از آن‌ها خواسته شد مشخص کنند که آیا این موضوعات را قبول دارند یا خیر. یکی از مواردی که در این تحقیق مطرح شد این بود که «دولت اطلاعات مربوط به کروناویروس جدید را پنهان می‌کند».

من واقعاً عذر می‌خواهم اما باید بگویم که این یک نظریه توطئه نیست بلکه یک واقعیت است. در آمریکا رئیس‌جمهور این کشور فوریه گذشته در گفت‌وگوی خود با باب وودوارد روزنامه‌نگار معروف آمریکایی به‌صراحت اذعان می‌کند که کروناویروس جدید ویروسی مرگبارتر از آنفولانزا است که قابلیت شیوع بالایی دارد و برای کودکان نیز بسیار خطرناک است؛ اما همین آقا در سخنرانی عمومی خود خطاب به مردم آمریکا و جهان خلاف آن را می‌گوید. من اگر یک شهروند آمریکایی باشم قطعاً در پاسخ به اینکه آیا دولت اطلاعات مربوط به کروناویروس را پنهان می‌کند، پاسخ مثبت می‌دهم.

اینجا در کشور ما هم دولت به علل و دلایلی که برای ما خیلی هم پنهان و ناشناخته نیست، از منتشر کردن همه اخبار و اطلاعات مربوط به پاندمی کرونا خودداری می‌کند. روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها همواره از این موضوع شکایت دارند؛ اما برای رویکردی که دولت در این زمینه دنبال می‌کند، علل و دلایل متعددی وجود دارد که شاید نگرانی از شکل‌گیری رفتارهای ضداجتماعی، ایجاد موج نگرانی و وحشت در جامعه، هجوم مردم برای خرید برخی کالاها و کاهش یا نایاب شدن آن‌ها در بازار مهم‌ترین آن‌ها باشد؛ اما فارغ از اینکه دلایل و انگیزه‌های دولتمردان برای پنهان‌کاری درباره پاندمی کرونا درست یا نادرست است،

این روزها چنین به نظر می‌آید که جهان از عقل و شعور عاری و موجودی دیوانه است. دیگر خیلی‌ها به علم و دانش باور ندارند و در همه‌جا و همه‌چیز رد پای یک توطئه می‌بینند. شمار باورمندان به نظریه توطئه در جهان آن‌قدر زیاد است که خیلی از آن‌ها در محافل و گروه‌های اجتماعی یا حتی خانوادگی ما هم وجود دارند؛ اما به‌رغم ترویج بدبینی‌ها، سیاه‌بینی‌ها و نظریه‌های توطئه، اطلاعات و داده‌های پزشکی نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به علم، نهادهای علمی و پزشکی در چهار دهه اخیر متزلزل نشده است. هیچ دلیلی وجود ندارد که قبول کنیم طرفداران نظریه‌های هذیان‌آمیز یا آن‌هایی که بر پایه اندیشه‌های بدبینانه خود در همه‌چیز و همه‌جا به دنبال آثار و نشانه‌های توطئه هستند، شمارشان بیشتر است و می‌توانند تهدیدی برای آینده علم و دانش باشند. بشر در گذشته‌های دور برای رسیدن به این مرحله با چنین اندیشه‌هایی مبارزه کرده و برای شکست دادن آن‌ها بهای سنگینی هم پرداخته است. در گذشته‌های دور و پیش از باز شدن پای اینترنت به حیات بشر، تاریک‌اندیشی‌ها، بدبینی‌ها و افکار توهم‌آمیز مبتنی بر توطئه زمینه‌ساز بسیاری از جنگ‌ها، خونریزی‌ها، ویرانی‌ها و نسل‌کشی‌ها شده است.

در سال ۲۰۱۸ شهر ادمونتون میزبان کنگره‌ای تحت عنوان Flat Earthers بود. صدها نفر باورمندان به «زمین مسطح» در این کنگره گرد هم آمدند تا درباره تصورات خود درباره سیاره زمین به بحث و تبادل نظر بپردازند.

یک روزنامه‌نگار در این‌باره با ایو ژنگرا مورخ علوم و استاد دانشگاه کبک مونترال مصاحبه کرد. ژنگرا می‌گوید: «روزنامه‌نگار از من پرسید نظرم درباره افزایش شمار آن‌هایی که درباره گرد بودن زمین ابراز تردید می‌کنند چیست؟ من با تعجب پاسخ دادم اول شما به من بگویید چه چیزی باعث شده است تصور کنید که این پدیده در حال افزایش است؟»

بنیاد ملی علوم آمریکا در یکی از تحقیقات خود که از سال ۱۹۷۹ شروع شد، با مطرح کردن سؤالات مشابه سعی کرده است میزان اعتماد شهروندان آمریکایی را در خصوص مشاغل مختلف ارزیابی کند. پاسخ‌هایی که بنیاد ملی علوم آمریکا در این نظرسنجی‌ها از آمریکایی‌ها دریافت کرده همواره یکسان بوده و آمار و ارقامی که در



سه‌شنبه هفته پیش تظاهراتی در اعتراض به ماسک اجباری در کبک برگزار شد

### آقای دکتر، آیا توطئه انگاری شیوع کرونا و ابراز تردید در ظرفیت‌های علم در این زمینه امری وخیم و خطرناک است؟

نه الزاماً. به عنوان مثال درباره مخالفان واکسن هر چه هم

گفته شود، واقعیت این است که آن‌ها عده‌ای معدود اما پرسروصدا هستند. طبق مطالعاتی که مرکز آمریکایی پیو Pew Center انجام داده است، بیش از هشتاد درصد از جامعه آمریکا با واکسیناسیون اجباری کودکانی که به مدرسه می‌روند، موافق هستند.

ایو ژنگرا تصریح کرد: «بررسی‌ها در فرانسه حاکی از آن است که ۳۳ درصد مردم این کشور به واکسن‌ها اعتماد ندارند با این حال ۹۱ درصد فرانسوی‌ها فرزندان خود را واکسینه می‌کنند؛ به عبارت دیگر همه افراد جامعه حق غرولند و اعتراض را دارند اما آنچه اهمیت دارد کاری است که آن‌ها در نهایت انجام می‌دهند.»

من معتقدم بهبود روش‌های آموزشی می‌تواند به درک بهتر و پذیرش هر چه بیشتر دانش و مهارت‌های علمی در جامعه منجر شود. دکتر ژنگرا نیز در گفتگوی تلفنی خود این موضوع را قبول می‌کند.

ژنگرا تصریح کرد: آن‌هایی که بیشتر از همه علوم، مهارت‌های علمی و نظرات پزشکان را زیر سؤال می‌برند، عمدتاً کسانی هستند که بیشتر از همه به شبه‌علم (نظرات، ادعاها، باورها و یا کارهایی که به‌غلط با عنوان علم ارائه می‌شوند، ولی فاقد مبنای علمی هستند) باور دارند و از سطح آگاهی و علمی نسبتاً خوبی هم برخوردار هستند. این افراد که غالباً زیر ۳۵ سال هستند، خود را در قبال کارشناسان و محققان مستقل می‌دانند، پزشکان و دیدگاه‌های آن‌ها را قبول ندارند چرا که خودشان با جستجو در اینترنت به دنبال پاسخ سؤال‌های خود و راه‌حلی برای مشکلاتشان هستند. اشتباه است اگر تصور کنیم که سطح سواد این افراد پائین است. آن‌ها حتی معمولاً خود را باهوش‌تر و باسوادتر از بقیه می‌دانند و معتقدند که در تصمیم‌گیری‌ها بهتر از دیگران عمل می‌کنند.

نکته عجیب و غریب این است که گاهی باید در این زمینه مراقب محققان و کارشناسان هم باشیم. دانش و تخصص هم محدودیت‌های خودش را دارد. لوک مونتانیه Luc Montagnier برنده جایزه نوبل پزشکی است اما وقتی از حافظه آب و هومئوپاتی (حافظه آب قابلیت ادعایی برای آب است. طبق این ادعا، آب می‌تواند خواص موادی را که در آن حل شده‌اند حتی بعد از دفعات زیاد رقیق شدن، به خاطر بسپارد. در هومئوپاتی ادعا می‌شود که با اتکا به حافظه آب می‌توان از داروهایی استفاده کرد که آن‌قدر رقیق باشند که حتی یک مولکول از ماده اولیه

جذاب برای رسانه‌هایی تبدیل می‌شوند که دغدغه اصلی‌شان جلب توجه هر چه بیشتر، جذب هر چه بیشتر مخاطبان و تولید هر چه بیشتر ثروت است. روزنامه‌نگاران نیز می‌هوت و متحیر با برخی از نمایندگان این گروه‌ها مصاحبه می‌کنند و گزارشی متفاوت، عجیب و جنجالی به خورد جامعه می‌دهند. شک نکنید، من هم اگر یک روزنامه‌نگار باشم همین کار را می‌کنم.

با دیدن و شنیدن این گزارش‌ها، مردم می‌گویند: «نه مگر می‌شود، مگر چنین چیزی ممکن است؟ جهان دارد به کجا می‌رود؟»

دو سؤال جالب در اینجا مطرح شده است. برای سؤال اول به‌ناچار باید بگوییم که بله چنین چیزی ممکن است؛ اما پاسخ دادن به سؤال دوم سخت‌تر است. شاید پاسخ‌های متفاوتی که به این سؤال داده می‌شود، آمیخته به تهدید، ترس و ارباب باشد.

یک عده هم هستند که نماینده هیچ کس و هیچ چیز نیستند اما حق خود می‌دانند که خیلی از مسائل را باور نکنند و علاوه بر این باور خود را هم فریاد بکشند.

حرف من این نیست که رسانه‌ها باید این عده را به کلی نادیده بگیرند اما مسئله این است که گاهی رسانه‌ها به این پدیده‌های فرعی و جانبی بیش از حد می‌پردازند، بیش از اندازه به آن‌ها اهمیت می‌دهند و خواسته یا ناخواسته آن‌ها را بیش از اندازه بزرگ می‌کنند. درست مثل تظاهرات چندصد نفره‌ای که هفته گذشته در مونترال برگزار شد اما برخی رسانه‌ها آن را به‌عنوان تظاهرات چند هزار نفری منعکس کردند.

گاهی حتی به من هم این احساس دست می‌دهد که مخالفان ماسک اجباری و در کل همه آن‌هایی که پاندمی کرونا را نتیجه یک توطئه می‌دانند، در زمین رسانه‌ها بازی می‌کنند نه فقط به خاطر اینکه آن‌ها با حرکات و رفتارهای خود سوزه‌هایی عجیب و غریب و صالبته کم‌هزینه در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند بلکه به خاطر اینکه یک جهان آخرالزمانی را ترسیم می‌کنند که در آن دیگر کسی به رسانه‌های سنتی باور ندارد مردمانش از منابع خبری و اطلاع‌رسانی میهم، مغرض و مخرب تغذیه می‌کنند.

پارادوکس عجیب و غریبی است: ماهیت حرفه روزنامه‌نگاری به‌گونه‌ای است که آدم را به سمت بی‌اعتماد شدن به گزارش‌های رسمی دولت‌ها و زیر سؤال بردن اخبار و اطلاعاتی که دستگاه‌های حاکم ارائه می‌کنند، سوق می‌دهد. این مسئله به‌ویژه در جامعه آمریکا محرز است و نمونه بارز آن را در جنگ ویتنام و ماجرای واترگیت شاهد بودیم.

درست به همین علت است که ما در برابر این گروه‌ها که نه به دولت‌ها، نه به علوم و نه به رسانه‌ها باور ندارند، خود را سردرگم و بلاتکلیف می‌بینیم.

در عین حال در هیچ دوره‌ای رسانه‌ها تا این اندازه مورد توجه جوامع نبوده و تا این حد بر افکار عمومی تأثیرگذار نبوده‌اند. رسانه‌های سنتی بالینکه الگوهای اقتصادی مشابهی را دنبال می‌کنند، غالباً از دیرباز در تضاد ریشه‌ای با یکدیگر بوده‌اند و این البته نشأت گرفته از ماهیت یک گفتگوی دموکراتیک است.

در آن باقی نماند) که مطالعات ناکارآمدی آن را اثبات کرده‌اند صحبت به میان می‌آید، این پزشک متخصص به شبه‌علم متوسل می‌شود در حالی که سررشته چندانی از شیمی یا فیزیک ندارد. کم نیستند مواردی از این قبیل که فردی که در یک زمینه مشخص تخصص دارد، به‌یک‌باره جایگاه خود را تا حد رئیس یک فرقه مذهبی پایین می‌آورد.

درست است که در طول تاریخ مواردی هم وجود دارد که علم رسمی در برابر مخالفان روشن‌فکر مرتکب اشتباهاتی شده است اما این دلیل نمی‌شود که نتیجه‌گیری کنیم علم و دانش امروز مبنای صحیحی ندارد. وقتی یک دانشمند نظریه ۹۹۹۹ دانشمند دیگر را رد می‌کند، معنایش این نیست که آن ۹۹۹۹ دانشمند راه را غلط می‌روند.

برای اینکه بتوانیم ادعا کنیم که چیزی می‌دانیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه به اطلاعات یک منبع یا دانش یک نفر اعتماد کنیم. البته در این میان باید حق قوه تمیز، قضاوت یا عقل سلیم را نیز محفوظ بداریم و این‌ها البته الزاماً ربطی به سطح سواد انسان ندارند.

«یادتان هست که درباره خطرات احتمالی کنتورهای هوشمند شرکت هیدرو-کبک چه بحث‌ها و گفتگو‌هایی پیش آمد؟ آن‌هایی که این بحث‌ها را مطرح می‌کردند، نسبت به دیگران سواد و آگاهی کمتری نداشتند؛ اما سؤال من این است که الان چه کسی درباره آن موضوع صحبت می‌کند؟»

درواقع همه آن بحث‌ها و مشاجره‌ها، جنجالی بود که در رسانه‌ها به راه افتاد و در فضای وب به سرعت به موضوعی فراگیر تبدیل شد و در مدت‌زمانی کوتاه شبکه‌های اجتماعی را ترکاند. درست مثل شایعاتی که در جایی مثل یک اتوبوس مطرح می‌شود و خیلی زود در جامعه دهان به دهان نقل می‌شود و گسترش می‌یابد.

به گفته ایو ژنگرا شبکه‌های اجتماعی فضایی است که به ما امکان دسترسی به گفتگوها و بحث‌های سطحی را می‌دهد که تا پیش از این به چهاردیواری خانه‌ها محدود می‌شد.

بنابراین لازم است که گهگاه با دیدن صحنه‌هایی مثل تظاهرات ضد ماسک این مسئله را به خودمان یادآوری کنیم که جهان و جهانیان آن قدرها که تصور می‌شود، دیوانه نیستند.

منبع: وب سایت شبکه خبری لاپرس



# صرافی موندیال الیت

## با هم نیرومندتریم



### ارائه خدمات ارزی

- با سه دهه سابقه خالصانه، بی دریغ در خدمت شما هستیم.
- انتقال فوری ارز به ایران و برعکس با تضمین بهترین نرخ روز

قبل از هر تصمیمی با ما مشورت کنید.

**یحیی هاشمی**

(514) 989 2229

**بیژن احمدی**

(514) 937-5192

### قابل توجه همشهریان عزیزمان

موندیال و الیت، دو صرافی قدیمی و خوش نام مونترال با مدیرانی شناخته شده با دهها سال تجربه به هم پیوستیم تا با نیرویی دوجندان، تحت عنوان صرافی موندیال الیت در خدمت شما باشیم.

ما باور داریم که با هم می توانیم خدمات خود را با کیفیتی بهتر از گذشته به شما عزیزان تقدیم کنیم.

در نتیجه آغاز این همراهی و همکاری موسسه الیت به محل صرافی موندیال در خیابان سن کاترین نقل مکان کرده است.

**MondialElite Exchange 1855 Saint-Catherine St W, Montreal, H3H 1M4**

## خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



### کازم پرتو تهرانی

### مشاور رسمی املاک در کبک

Kazem Partow Tehrani Real Estate Broker



514 - 971-7407

پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

تهیه وام مسکن با بهترین نرخ بانکی

مشاوره برای املاک در آمدزا

ارزیابی رایگان منزل شما

پرداخت هزینه محضر به عنوان کادو به خریداران ملک

با ۲۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

به همراه یک تیم حرفه ای

**514 - 971-7407**

**Sutton**

## پروفسور مریم تبریزیان در میان ده استاد برگزیده آکادمی علوم بهداشتی کانادا



هفدهم سپتامبر آکادمی علوم بهداشتی کانادا ACSS که یک مرکز علمی بسیار معتبر است هفتاد و هفت عضو جدید دوره تکمیلی تخصصی خود را معرفی کرد که ده نفرشان از دانشگاه مک‌گیل هستند.

عملکرد عالی مستمر شما در زمینه تخصصی شماست و بدون شک، دانش و تخصص شما به غنای هر چه بیشتر آکادمی علوم بهداشتی کانادا کمک خواهد کرد.

مریم تبریزیان در مفاهیم متعددی در زمینه نانو بیومتریال (زیست ماده) و نانو بیواینترفیس که تعاملات و همسنوی میان سیستم‌های زنده و مصنوعی را تسهیل می‌کند، یک متخصص پیشگام محسوب می‌شود. نوآوری‌های وی به تغییر الگوهای موجود در رویکردهای مرسوم و متعارف پزشکی ترمیمی و نانوپزشکی و همچنین انتشارات تحسین شده متعددی منجر شده است.

روش‌های ابداعی وی در زمینه خودمونتاژی لایه به لایه پلیمرهای طبیعی برای ساخت فیلم‌های نازک نانو در مدل‌های مختلف از جمله سلول‌های زنده و بافت‌ها و همچنین توسعه پلتفرم‌های ریزسیال‌شناسی ابداعی به منظور ردیابی بیولوژیکی بافت‌های زنده و ردیابی عوامل بیماری‌زا از اهمیت به سزایی برخوردارند.

مریم تبریزیان استاد تمام دانشکده مهندسی زیست پزشکی، یکی از ده استاد برگزیده دانشگاه مک‌گیل در آکادمی علوم درمانی کانادا است.

پل آلیسون رئیس آکادمی علوم بهداشتی کانادا و رئیس پیشین دانشکده دندانپزشکی دانشگاه مک‌گیل، خطاب به استادان انتخاب شده برای دوره تکمیلی تخصصی این مرکز اعلام کرد: «امروز بیش از هر زمانی تعهد شما به علوم بهداشتی و سلامت ارزشمند است. برگزیدگان آکادمی علوم بهداشتی کانادا به خوبی می‌دانند که صرف‌نظر از این که در چه رشته و زمینه خاصی فعالیت می‌کنند، انتخاب آن‌ها برایشان تعهد به خدمت به آکادمی و آینده سلامت علوم بهداشتی را به همراه می‌آورد.»

دکتر پروتون رحمان رئیس کمیته امور بورسیه آکادمی علوم بهداشتی کانادا خطاب به برگزیدگان جدید اعلام کرد: «انتخاب شما را به عنوان عضو آکادمی علوم بهداشتی کانادا تبریک می‌گوییم. انتخاب شما بازتابی از بینش، نوآوری و

## «نیم‌نگاهی به ایران» اثر نویسنده مونترالی منتشر شد

داخلی و مخالفت خارجی برخوردار بود. مشروطه‌خواهان خواستار انتخابات آزاد و تشکیل مجلس ملی به مثابه اراده مردم و عدالت اجتماعی و برابری حقوق شهروندی بودند. در مقابل مشروطه‌طلبان حکومتی بر اساس موازین شرعی و فقهی می‌خواستند و بر نظارت کامل فقها بر تدوین و تصویب قوانین تاکید می‌ورزیدند. نماد مشروطه طلبان «مجتهد اصولی» حاج شیخ فضل الله نوری بود که باوز داشت آزادی در اسلام کمر است به خصوص این آزادی (آزادی انتخابات) که مردم تصور کرده‌اند کفر در کفر است.»

کتاب «نیم‌نگاهی به ایران» نوشته نویسنده و مترجم مونترالی «ن. نوری‌زاده» منتشر شد. آقای «ن نوری‌زاده» طی ای میلی اعلام کرد کتاب جدید او درباره رخدادهای سیاسی ایران منتشر شده است. این کتاب مجموعه ای از پنجاه و یک مقاله است که خود نویسنده نقطه پیوند آنها با یکدیگر است. این پنجاه و یک مقاله موضوعات گسترده‌ای، از جنبش مشروطه تا جنبش سبز و «زن و انقلاب روسیه» را پوشش می‌دهند. در بخشی از کتاب آمده است: «مشروطه‌خواهی در مقابل مشروطه‌طلبی از دو صفت برجسته یعنی مبارزه با استبداد



## بررسی «آیین‌های زار در ایران»

تا روزگار حاضر. در نخستین نشست درباره زار، میزبان دوست ارجمند آقای نیما جنگوک از دانشگاه اتاوا هستیم که سال‌های متعددی درباره‌ی مراسم زار و آیین‌های شفا در ایران تحقیق نموده‌اند. سخنران این نشست «نیما جنگوک» مدرس و کاندیدی دکترا‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه اتاوا است. برنامه مشترک میسا و روناک جمعه ۲ اکتبر ساعت ۱۸ تا ۲۰ به وقت شرق کانادا ارائه می‌شود. شما می‌توانید با استفاده از پلتفرم زوم در این برنامه شرکت کنید. برای دریافت لینک ورود به برنامه به کانال تلگرامی هفته haftehmontreal@ مراجعه کنید.

انجمن روناک اتاوا با همکاری میسا روز جمعه ۲ اکتبر ۲۰۲۰ برنامه‌ای تحت عنوان «انسان‌شناسی آیین‌های زار در ایران» برگزار می‌کند. در اطلاعیه این نشست درباره آیین‌های زار نوشته شده است: «در نگاهی ابتدایی، زار مراسم جادویی ارتباط با ارواح است که همراه سیاهان، از آفریقا به ایران کوچ کرده و در میان محرومیت و ناکامی اهالی جنوب ایران پا گرفته است. با کاوشی ژرف‌تر اما، به اهمیت و کارکردهای چندگانه‌ی آیین زار می‌توان پی برد. کارکردهایی که ریشه‌هایی عمیق دارند در تعلق انسان به جهان، و شیوه‌ی ادراک زیست - جهان توسط مردمان، از دوران کهن





## بررسی انواع حساب‌های بانکی و پس انداز در کانادا

مالی در زمان بازنشستگی است» مورد توجه قرار گرفت. سخنران این برنامه آقای مرتضی جمالی بود که در استان کبک مشاور سرمایه‌گذاری و بیمه است. این نشست آموزش مالی بصورت آنلاین در تاریخ جمعه ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰ ارائه شد.

انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مونترال (کاسپین) برنامه‌ای در زمینه امور بانکی و مالی برگزار کرد. در این برنامه موضوعاتی از قبیل «بررسی انواع حساب‌های بانکی در کانادا، تفاوت بین حساب‌های بانکی و حساب‌های پس انداز، مسائل مربوط به حساب بازنشستگی و منابع



## نشست «پنجره»: مسئولیت مادر برابر سالمندان چیست؟

می‌شود و نیازهایی پدید می‌آید. فراهم کردن محیطی امن و رضایت‌بخش برای سالمندان اهمیت زیادی دارد. مسئولیت ما در برابر این افراد چیست و چه چیز این ضرورت را پدید می‌آورد؟ برنامه پنجره با موضوع مسئولیت در برابر سالمندان بصورت آنلاین در تاریخ سه‌شنبه ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰ ساعت ۱۹ به وقت مونترال برگزار شد.

کانون فرهنگی خانه ما برنامه‌ای با موضوع «مسئولیت ما در قبال سالمندان چیست؟» ترتیب داد. «خانه ما» در سی و دومین برنامه پنجره به گفت‌وگو درباره سالمندان، کاهش توانمندی‌ها، نیازها و امنیت آنها پرداخت. در اطلاعیه این کانون فرهنگی ذکر شده بود: «سالمندی دوره‌ای حساس از زندگی‌ست که توانایی فرد کمتر



## سمینار معرفی «هزینه‌های قابل کسر از درآمدهای خوداشتغالی»

تاکسی» صحبت خواهد شد. سخنران سمینار امور مالی خوداشتغالی، آیت تجلی است. نشست آموزشی رایگان و در روز دوشنبه ۱۲ اکتبر در ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰:۳۰ از طریق برنامه زوم ارائه می‌شود. طبق اطلاعیه سازمان پند لینک ورود به برنامه برای افرادی که ثبت‌نام کرده باشند ارسال می‌شود. شما می‌توانید برای دریافت لینک ثبت‌نام به کانال تلگرامی هفته haftehmontreal@ مراجعه کنید. هدف سازمان «پند»، «بشتیبانی و توانمندسازی تازه واردان و مهاجران ایرانی و فارسی زبان اتاوا» هست.

سازمان حمایتی پند یک سمینار آموزشی برای معرفی مهم‌ترین هزینه‌هایی که می‌توان از درآمدهای خوداشتغالی کم کرد، ترتیب داده است. در اطلاعیه مربوطه ذکر شده است: در این سمینار در رابطه با موضوعاتی پیرامون «مهم‌ترین هزینه‌های قابل کسر، هزینه‌های دفتر کار در منزل، هزینه‌های خودرو، هزینه‌های جاری در مقایسه با سرمایه‌ای، چگونه هزینه‌های جاری و سرمایه کسر می‌شوند، نگهداری مستندات لازم برای امور مالیاتی، نحوه درخواست وجه rebate و فایل کردن HST، مهلت‌های مهم برای مالیات بر درآمد و HST و نکاتی برای رانندگان اوبر، لیفت و



**Sahar Samadaei**  
Courtier immobilier résidentiel  
sahar.samadaei@gmail.com  
Tel: 514.625.2525

**سحر صمدایی**  
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه‌گذاری املاک درآمدزا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC.  
Real Estate Agency  
550 - 1 pl. du Commerce  
Île-des-Sœurs, Québec H3E 1A1

de L'Agence



خسرو شمیرانی

# مجمع عمومی سالانه مرکز زنان افغان مونترال



▲ خانم مکی عارف، رئیس هیئت مدیره و بنیانگذار مرکز زنان افغان از طریق آن‌لاین به حاضران در مجمع عمومی سالانه این مرکز خوش آمد گفت.



▲ معاون فرهنگی و امور زنان سفارت افغانستان، خانم شبانه کارگر، از مرکز زنان افغان مونترال تقدیر کرد.

خانم لیلی خاقانی از فعالان باهمستان در مونترال است و سالهاست که همراه با فرزندانش در مونترال زندگی می‌کند. او از بنیانگذاران گروه فرهنگی ساوالان، از بنیانگذاران مجله هفته و همچنین از همکاران رادیو چکاوک بود که در مونترال در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ فعال بود و به تازگی در قالب پادکست کار خود را از سر گرفته است.

حمیرا هریوا دو سال پیش به همراه خانواده وارد مونترال شد. او درباره انگیزه خود برای پیوستن به هیئت مدیره مرکز زنان افغان به «هفته» گفت: «کمک و همیاری به دوستانی که تازه از کشورهای دیگر به کانادا می‌آیند انگیزه من است و همچنین می‌خواهم از تجربه‌هایی که در بخش‌های مختلف به دست آوردم به زنان افغان مدد برسانم.»

خانم حمیرا هریوا همچنین به «هفته» گفت: «قبل از اینکه به اینجا بیاییم؛ یعنی زمانی که در افغانستان بودیم ای میل خانم عارف را از اینترنت و از روی وبسایتشان دریافت کردیم. وقتی هم که به اینجا آمدیم با آن‌ها یک ملاقات داشتیم. اولین جایی که به ما معرفی کردند موسسه‌ای بود که خیلی کمک‌ها را به ما ارائه کرد. ما به آنجا رفتیم و آنها در آماده کردن فرم‌های مالیاتی سالانه به ما مساعدت‌هایی کردند. در آن زمان چون خودم باردار بودم کمک‌هایی در زمینه رشد و پرورش مادر در دوران بارداری داشتند و آموزش‌هایی دادند. از طرف آن موسسه به مراکز دیگر معرفی شدم. مرکز زنان افغان نیز در تمام مدت در کنار ما بود و بسیار کمک می‌کرد. مثلاً چون ما تازه آمده بودیم و کمی مشکل مالی داشتیم از مرکز درخواست وام کوچکی کرده بودیم که آن‌ها گفته ما را پذیرفتند و ما هم در مدت مشخص قرضمان را پس دادیم.»

خانم هریوا در ادامه صحبت‌های خود افزود: «شاید برای برخی به نظر بیاید که این کمک‌ها بزرگ نیست اما واقعیت این است که در ماه‌های ابتدای ورود به کشوری غریب این کمک‌ها خیلی تأثیر دارد. اطلاعاتی که به از طریق مرکز زنان افغان داده شد خیلی به ما کمک کرد.»

حمیرا هریوا در پایان گفت: «امیدوارم با فعالیت خودم در هیئت مدیره مرکز زنان افغان بتوانم به سهم خودم به دیگر افراد که به کمک نیاز دارند یاری بدهم.»

خانم هدی کرکادی مدیریت بخش حضوری و خانم ویکتوریا جهش مدیریت بخش آن‌لاین برنامه مجمع عمومی سالانه مرکز زنان افغان را به عهده داشتند. برنامه با پذیرایی از حاضران پایان یافت.



▲ خانم هدی کرکادی مدیریت بخش حضوری برنامه را به عهده داشت.



▲ خانم حمیرا هریوا به عنوان عضو جدید هیئت مدیره انتخاب شد.

مرکز زنان افغان مونترال طبق روال مجمع عمومی سالانه خود را در ماه سپتامبر برگزار کرد. این برنامه نیز تحت تأثیر شیوع کرونا قرار داشت و علاوه بر بخش حضوری که با رعایت اصول بهداشتی اجرا شد گروهی از شرکت کنندگان و سخنرانان از طریق ارتباط آن‌لاین به این برنامه پیوستند. بخش حضوری این برنامه در سالن اجتماعات ساختمانی که دفتر مرکز زنان افغان در آن واقع شده، شماره ۱۸۵۷ خیابان مزونوف غربی، برپا شد. تاریخ مجمع عمومی امسال جمعه ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۰ بود.

به گزارش هفته، مجمع عمومی سالانه مرکز زنان افغان مونترال با خوش آمدگویی رئیس هیئت مدیره این مرکز، خانم مکی عارف شروع شد. خانم مکی عارف ضمن سپاسگزاری از حاضران که بویژه در شرایط سخت شیوع کرونا در این برنامه شرکت کرده بودند و با ابراز تسلیت به مناسبت درگذشت یکی از اعضای پرسابقه مرکز گفت: «از اینکه شما را در اینجا در صحت و سلامت می‌بینیم شکرگزار هستم. همانطور که می‌دانید پاندمی کرونا روی برنامه‌های مرکز زنان افغان نیز تأثیر شدید گذاشته و برای چندین هفته بسیاری از امور را متوقف کرد. ما ناچار شدیم به دلیل شرایط موجود از مراجعه کنندگان بخواهیم به مرکز نیایند.» خانم عارف افزود: «ما در همان روزهای اوج کرونا از طریق تلفن با خیلی از افراد که به حمایت نیاز داشتند در تماس بودیم و از جمله برای گروهی از افراد با سن و سال بالا غذا تهیه کرده و به خانه‌های آنها رساندیم.» رئیس مرکز زنان افغان در ادامه گفت: «با تلاش همکاران و نیروهای رضاکار در هفته‌های اخیر ارائه خدمات مرکز را به شکل آن‌لاین از سر گرفته‌ایم. مثلاً با کمک آقای کلینتون، داوطلب آمریکایی تبار، آموزش زبان انگلیسی به شکل آن‌لاین شروع کرده ایم.»

بعد از سخنرانی رئیس مرکز زنان خانم ویکتوریا جهش ارائه گزارش فعالیت‌های مرکز طی سال گذشته را شروع کرد و در ادامه گزارش مالی ارائه شد.

معاون فرهنگی و امور زنان سفارت افغانستان، خانم شبانه کارگر، سخنران بعدی برنامه بود که از طریق آن‌لاین در برنامه شرکت و سخنان خود را ارائه کرد. خانم شبانه کارگر ضمن تبریک به مرکز زنان افغان برای برپایی نشست سالانه‌اش از زحمات این مرکز مهم کامیونی ابراز تشکر کرد.

انتخابات هیئت مدیره جدید بخش دیگر این برنامه بود. خانم حمیرا هریوا و لیلی خاقانی از جمله اعضای جدید بودند که به عضویت در هیئت مدیره مرکز زنان افغان مونترال انتخاب شدند.



## مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



**514 967 5743**  
Minoo Eslami Real estate broker  
meslami@sutton.com



## مشاور وام مسکن شیرین تیموری

با سالها تجربه در زمینه بانکی و وام مسکن در کانادا

- خرید مسکن
- تمدید وام مسکن
- افزایش وام مسکن (Refinance)
- تازه واردین به کانادا
- شغل آزاد (Self-employed)



ملاقات در نزدیکترین محل و مناسبترین زمان برای شما

tel **514 979-9809**  
shirin.teimoori@bmo.com  
@shirinteimoorymbmo



Telegram: Mont\_Crypto\_Support  
+1 438 808 1977  
Telegram Channel: @Mont\_Crypto  
Instagram: Mont\_Crypto

### خرید و فروش ارزهای دیجیتال

انجام حواله بین ایران و کانادا

بیت کوین، اتریوم، ریپل، استلار، ترون، کاردانو، مونرو، آیوتا و هزاران ارز موجود در بازار کریپتو کارنسی

+1 438 808 1977  
1650 Maisonneuve Blvd W, 2nd Fl  
Montreal, QC H3H 1J7




## دارالترجمه رسمی فرهنگ

BUREAU DE TRADUCTION FARHANG  
FARHANG TRANSLATION OFFICE



☎ 001 514 691 4383 ✉ R.DAVOUDI@FARHANG.CA	2000, MCGILL COLLEGE 6 TH FLOOR, MONTREAL QUEBEC, CANADA, H3A 3H3	کانادا
☎ +98 21 6642 1511 6694 8154 ✉ H.DAVOUDI@FARHANG.CA	تهران، کاکر شمالی، ناطع بلوار کشاورز نبش کوچه گیتی پلاک ۷۳، طبقه ۴ واحد ۷	ایران



معصومه علی محمدی



## سرعت بی سابقه بررسی درخواست کفالت همسر

ماه اکتبر ماه تعیین مسیر برنامه‌های مهاجرتی نامیده می‌شود

به نظر می‌رسد ماه اکتبر در ساختار گزینش مهاجرین نقش بسیار کلیدی داشته باشد و تعیین کننده مسیر گزینش تا پایان امسال و سال آینده خواهد بود. این بدین دلیل است که در این ماه دو اتفاق مهم در سیستم مهاجرتی کانادا خواهد افتاد. اولین آن دستورالعمل مستقیم جاستن ترو دو به وزیر مهاجرت که طی یک نامه رسمی ابلاغ خواهد شد و دوم برنامه گزینش ۲۰۲۱-۲۰۲۳ که تا پایان اکتبر امسال به اطلاع عموم خواهد رسید.

در کانادا نخست‌وزیر با تقسیم‌بندی مسئولیت‌هایی که علاقه‌مند است و وزرای کابینه‌اش بر عهده گرفته و به اجرا در بیاورند حزب اکثریت را برای مدیریت دولت یاری می‌کند. وزیر مهاجرت نیز خط مشی عملکرد خود را از نخست‌وزیر دریافت می‌کند تا بر آن اساس سیاست‌های مهاجرتی پایه‌ریزی گردند. این بسیار عجیب خواهد بود که نخست‌وزیر ابلاغیه سیاست‌گذاری را در سال دو بار به وزرای کابینه‌اش ارسال کند. معمولاً نامه‌های ابلاغیه سیاست‌گذاری به وزرای کابینه هر دو یا چهار سال یکبار صادر می‌گردند. معمولاً دولت جدید پس از پیروزی در انتخابات با تعیین وزرا این ابلاغیه را برای هر وزیر صادر می‌کند.

شده است تا برنامه کفالت همسر بیش از گذشته مورد توجه شهروندان و یا دارندگان اقامت دائم برای درخواست اقامت افراد خانواده قرار گیرد و افزایش قابل توجهی در دریافت درخواست کفالت در دوران پندمیک پدیدار شده است. از طرفی طولانی بودن دوره بررسی درخواست‌های دریافت شده نیز اعتراضات زیادی را به بار آورده است. وزیر مهاجرت کانادا به دنبال دریافت اعتراضات متعدد تصمیم بر کوتاه‌تر شدن دوره بررسی درخواست‌ها نمود تا افراد خانواده بتوانند هر چه سریعتر در کنار هم در کانادا زندگی کنند.

او اعلام نمود که چند ماه گذشته ماه‌های سختی برای آنان که از خانواده خود دور مانده‌اند بوده است. بدین دلیل تصمیم بر سرعت بخشیدن به پروسه بررسی درخواست‌های کفالت همسران گرفته شد. دولت کانادا به دنبال یافتن روش‌های هر چه سریعتر برای تحقق یافتن اصل استنجام افراد خانواده است.

لازم به ذکر است بر اساس برنامه سه ساله گزینش مهاجرین بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ کانادا سهمیه پذیرش تعداد ۷۰۰۰۰ نفر را از طریق برنامه کفالت همسر و فرزندان مهاجران و شهروندان در نظر گرفته است. سهمیه تعیین شده گزینش مهاجرین جدید از طریق تمامی برنامه‌های مهاجرتی کانادا تنها در سال ۲۰۲۰ به میزان ۳۴۱۰۰۰ نفر است.

کانادا در تلاش است حداقل ۶۰۰۰ درخواست متقاضیان کفالت همسر به صورت ماهانه بین ماه‌های اکتبر تا دسامبر امسال را به مرحله نهایی برساند. انتظار بر این است که تا پایان دسامبر در این دوره سه ماهه تعداد ۱۸۰۰۰ درخواست در حال بررسی به مرحله نهایی برسند. این موجب خواهد شد که تا پایان سال مجموعاً بررسی ۴۹۰۰۰ درخواست کفالت همسر تکمیل شده باشند.

این خبر بزرگ در روزهای اخیر توسط اداره مهاجرت رسماً اعلام شد. بدین منظور اداره مهاجرت تعداد مسئولین بررسی این پرونده‌ها را به میزان ۶۶ درصد افزایش داده است تا بتواند دوره بررسی درخواست را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

علاوه بر این اداره مهاجرت در نظر دارد در آینده نزدیک سامیت فایل درخواست الکترونیکی را جایگزین ارسال درخواست با فایل کاغذی نماید. دریافت فایل به صورت الکترونیک این امکان را مهیا می‌سازد تا بررسی درخواست نیز به صورت آنلاین انجام پذیرد. در این پروژه آزمایشی نیز پیش‌بینی استفاده از تکنولوژی برای انجام مصاحبه به صورت آنلاین نیز در نظر گرفته شده است. تمامی این امکانات برای تحقق کوتاه‌تر شدن دوره طولانی بررسی این برنامه مهیا شده‌اند و انتظار می‌رود که ماهانه بررسی تعداد ۶۰۰۰ پرونده درخواست تکمیل شوند.

اداره مهاجرت کانادا اضافه نمود که ویروس کرونا موجب

### معصومه علی محمدی

با گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرمایه گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خوبشاوندی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد. جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



Montreal Office:  
Tel: 514-289 9044 (office) / 514- 778 9011 (Mobile)  
Toll free from Iran: 021-85312878  
Address: 1117 Sainte Catherine West, suite #511,  
Montreal, Quebec, H3B 1H0  
Email: info@icpimmigration.com  
Terhan Office:  
Tel: 021-2289 4567 / Mobile: 0937 489 6676

@ICPimmigrationToCanada

@icpimmigrationnc icpimmigrationtocanada

ICP IMMIGRATION INC.

www.icpimmigration.com





ترکیب دستورالعمل جدید و اعلامیه برنامه‌های مهاجرتی ۲۰۲۰-۲۰۲۱ برای ما مشخص تر خواهد کرد که دولت کانادا به چه سرعتی معتقد است سیستم مهاجرت می‌تواند به حالت عادی برگردد.

این صفحه توسط موسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.

تماس با نویسنده:

معصومه علی‌محمدی مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

مهاجرت به کانادا خواهد داشت؟ در میان مدت و بلندمدت، می‌توان انتظار داشت که کانادا به سطح بالای مهاجرت بازگردد. این به دلیل نیاز کانادا به مهاجرت برای حمایت از اقتصاد خود است. آخرین سخنرانی فرماندار کل نیز مبنی بر این بود که کانادا قصد دارد به سطوح بالایی از پذیرش تازه‌واردان بازگردد. اما، مورد تعداد مهاجرینی که می‌توانند در دوران این همه‌گیری وارد کانادا شوند، همچنان در ابهام وجود دارد. در حالی که قرعه کشی و بررسی درخواست‌ها در برنامه اکسپرس انتری و برنامه‌های منتخب استانی همواره ادامه دارد، تعداد واقعی مهاجرانی که مراحل ورود به کانادا و اقامت دائم خود را تکمیل می‌کنند، در این دوران همچنان محدود است.

در ماه اوت از آنجایی که ترودو آخرین جلسه پارلمان را پایان بخشید و درخواست نمود تا الویت‌های دولت مورد بازبینی قرار گیرد این درخواست به دنبال تغییرات مورد نیاز در دوران پندمیک اعمال شد. انتظار می‌رود که نامه ترودو به وزیر مهاجرت در اوایل اکتبر در اختیار عموم قرار گیرد. در سال گذشته این ابلاغیه در ماه دسامبر صادر شده بود. برنامه‌های مهاجرتی معمولاً هر پاییز حدود هفته آخر ماه اکتبر اعلام می‌شود. این امر توسط قانون مهاجرت و حمایت از پناهندگان مقرر شده است. قانون مهاجرت و حمایت از پناهندگان، اصلی‌ترین قانونی است که سیستم مهاجرت کانادا را هدایت می‌کند. سوالی که ذهن همه را منتهی به اعلامیه آینده مندچینو می‌کند این است که COVID-19 چه تاثیری بر میزان

گروه ترجمه هفته

## مهاجرت به کانادا: زوج‌های ازدواج نکرده را به هم برسانید



دولت فدرال فشار می‌آورد تا آن را مجبور کند قوانین و مقررات سختگیرانه‌ای که به علت بحران کووید ۱۹ در زمینه سفر به اجرا گذاشته است برای خانواده‌های مهاجر تعدیل کند تا امکان وحدت دوباره اعضای این خانواده‌ها میسر شود.

ناتانیل ارسکین-اسمیت نماینده حزب لیبرال از منطقه بیچز-ایست وورک با تاکید بر این که به نمایندگی از طرف دولت کانادا سخن نمی‌گوید، اعلام کرد: «چندین مورد مشهود مربوط به این خانواده‌ها می‌بایست

سیاسی مختلف روز شنبه ۲۶ سپتامبر در کنفرانسی مجازی که به ابتکار گروهی موسوم به «دادخواست در دفاع از تجمیع خانواده‌ها در کانادا» برگزار شده بود، شرایطی را که هزاران خانواده مهاجر با آن روبرو هستند، غیرعادلانه توصیف کردند و از دولت ترودو خواستند برای پایان دادن به این وضعیت حس مسئولیت‌پذیری و انساندوستی بیشتری از خود نشان دهد.

گروه «دادخواست در دفاع از تجمیع خانواده‌ها در کانادا» که بیش از ۷۲۰۰ عضو دارد، از ماه‌ها پیش به

احزاب مخالف از دولت فدرال می‌خواهند در قبال خانواده‌های مهاجر که در شرایط پاندمی کرونا از یکدیگر دور هستند، حس بشردوستی بیشتری از خود نشان دهد.

احزاب مخالف در اتاوا جبهه مشترکی تشکیل داده و از دولت جاستین ترودو خواسته‌اند، محدودیتهای سفر را که مانع از به هم رسیدن زوج‌های ازدواج نکرده و گرد هم آمدن اعضای خانواده‌ها می‌شود، تلطیف کند. نزدیک به پانزده نماینده پارلمان از احزاب و تشکل‌های



### مهرداد مرادخانی

مشاور وام مسکن



با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

- کش بک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه با انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محضر هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پناستی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش بک پنج درصدی بانک CIBC

**Cell: 514-834-8053**  
**Toll-free: +1-866-262-1037**  
**Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com**  
 mehrdad.cibc

هفته‌ها پیش حل و فصل می‌شد اما هنوز این اتفاق نیفتاده است.»

این نماینده لیبرال در عین حال شخصا از مدت زمان انتظار طولانی «غیرقابل توجهی» که برای این خانواده‌ها پیش آمده است و همچنین بابت عدم پاسخگویی وزارت مهاجرت که به گفته وی ناراضیتی و خشم زیادی را برانگیخته است، عذرخواهی کرد. «شنیدن داستان این زوج‌ها و خانواده‌ها واقعا ناراحت کننده است اما قسمت بدتر ماجرا این است که هیچ راهی برای این مشکل پیدا نشده است.» ( ناتانیل ارسکین-اسمیت، نماینده حزب لیبرال)

اوایل ماه اوت ماجرای یک زن کانادایی به نام دونا مک کال تائر خیلی‌ها را برانگیخت. این زن شصت و هشت ساله کانادایی به علت عوارض یک بیماری مزمن در حالی جان باخت که غم دوری فرزندان تا آخرین نفس روی دلش سنگینی می‌کرد و آرزوی دیدن آنها را برای آخرین بار با خود به گور برد. این مادر کانادایی بارها تلاش کرد تا مقامات را متقاعد کند اجازه دهند فرزندان که در شیکاگو زندگی می‌کردند، برای وداع با وی وارد کانادا شوند اما گوش مقامات به درخواست و التماس‌های او بدهکار نبود. در نهایت هم دونا مک کال مجبور شد از طریق فیس تایم با فرزندانش وداع کند. جان مک کال، شوهر وی که هنوز بابت از دست دادن همسرش ناراحت و سوگوار است، در گفت‌وگو با لاپرس از غم بزرگ همسرش در آخرین لحظات زندگی‌اش و آخرین آرزوی او برآورده نشدن، سخن گفت.

فرزندان دونا مک کال چند هفته پس از درگذشت مادرشان از طرف مقامات فدرال کانادا اجازه پیدا کردند به کانادا سفر کنند.

جان مک کال که به شدت از رفتار مقامات اتاوا در این قضیه خشمگین است، با چشمانی پر از اشک گفت: «این سفرها، سفرهای کاری و تجاری نیست که مقامات بخواهند جلو آن را بگیرند. این سفرها انگیزه‌های بشردوستانه و انسانی دارد بنابراین خواهش من از مقامات دولت فدرال این است که وضعیت ما و امثال ما را درک کنند و نسبت به ما حس همدردی و انسان دوستی داشته باشند.»

### روند طولانی رسیدگی به درخواست‌ها

هفته پیش دولت فدرال کانادا قول داد روند رسیدگی به تقاضای اسپانسرشیپی یک همسر یا یکی از اعضای خانواده را تسریع کند و برای این کار شمار کارمندان را که مسئول رسیدگی به این درخواست‌ها هستند، افزایش دهد.

ناتانیل ارسکین-اسمیت این خبر را خبری امیدوارکننده دانست و اعلام کرد قرار است مقامات طی روزهای آینده معافیت‌های جدیدی را در این زمینه اعلام کنند. اما میچل رامپل گارنر نماینده حزب محافظه کار کانادا می‌گوید واقعیت این است که دولت جاستین ترودو می‌خواهد هر چه زودتر به این قضیه فیصله دهد و نگرانی ما این است که تعدیلی‌هایی که احتمالا مقامات فدرال اعلام خواهند کرد، شامل حال بسیاری از خانواده‌هایی که اعضایشان از یکدیگر دور افتاده‌اند، نشود. در واقع ترس ما این است که تدابیری که احتمالا اتاوا اتخاذ خواهد کرد، کاملا ظاهری و سطحی باشد.

«اگر واقعا مقامات اتاوا می‌خواهند همبستگی و شفقت انسانی از خود نشان دهند، باید شرایطی فراهم کنند که اعضای همه خانواده‌های کانادایی بتوانند دور هم جمع شوند.» (میچل رامپل گارنر نماینده حزب محافظه کار) هزاران تن از زوج‌هایی که با محدودیتهای فعلی روبرو هستند، در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از هشتگ‌هایی مثل #loveisnottourism و #timetoreunite خشم خود را از این وضعیت نشان داده‌اند.

در اروپا بسیاری از کشورها مثل فرانسه، دانمارک، نروژ، سوئیس، هلند، اتریش، ایسلند و ایتالیا ورود همسران شهروندان یا دارندگان اقامت دائم این کشورها را که ازدواجشان هنوز ثبت نشده است، مجاز اعلام کرده‌اند. دیوید پون موسس گروه Faces of Advocacy تاکید کرد: «ما به دنبال باز کردن مرزها نیستیم فقط می‌خواهیم کنار هم باشیم.»

این گروه اعلام کرده که برای مهاجرت مطمئن و امن افراد طرحی تهیه کرده است که طبق آن افراد پس از ورود به کشور باید خود را در قرنطینه قرار دهند در غیر این صورت مجازات‌های سنگینی در انتظارشان است. به گفته دیوید پون علاوه بر زوج‌های ازدواج نکرده،

اعضای جامعه دگرباشان نیز از محدودیتهای سفر که در دوره پاندمی به اجرا گذاشته شده است، به شدت متضرر شده‌اند.

### مسئله «کرامت انسانی» در میان است

الکساندر بولریس نماینده حزب نیودموکرات از منطقه روزمون-لاپوتیت-پارتی می‌گوید این که دولت فدرال به اعضای این خانواده‌ها اجازه دهد بار دیگر دور هم جمع شوند، مسئله‌ای است که اساسا با کرامت، بشردوستی و احترام به حقوق انسانی گره خورده است. وی از این مسئله ابراز تأسف کرد که دولت فدرال کانادا برای حل مشکلات این خانواده‌ها تقریبا به طور کامل فلج شده است و همین ناتوانی یا انفعال دولت موجب شده است که زمان‌های انتظار و بلا تکلیفی هزاران شهروند بسیار طولانی شود. این وضعیت به هیچ وجه قابل قبول نیست.

«بحران کووید ۱۹ به خودی خود نگرانی‌ها و فشارهای روانی سنگینی برای همه خانواده‌ها از جمله خانواده‌های مهاجر ایجاد کرده است و یکی از راه‌های کاهش این فشارها این است که اعضای خانواده‌ها بتوانند در کنار هم و تسلی بخش یکدیگر باشند.» (الکساندر بولریس نماینده حزب نیودموکرات)

کریستینا میشو نماینده حزب بلوک کبکوا نیز که عمدتا در زمینه نقد امنیت عمومی فعالیت می‌کند، تاکید کرد لازم است که در شرایط کنونی دولت فدرال هر چه زودتر «معیار مشخصی» تعیین کند تا روند بررسی «مورد به مورد» تقاضاها به منظور بازگرداندن خانواده‌ها متوقف شود. خیلی از ما این پرونده‌ها را اعداد و ارقامی ساده و بی اهمیت می‌دانیم اما واقعیت این است که اینها سرنوشت آدم‌ها را رقم می‌زنند بنابراین لازم است که حس مسئولیت و نعدوستی بیشتری از خود نشان دهیم. این نماینده بلوک کبکوا از دولت ترودو خواست برای حل مشکلاتی که برای خانواده‌های مهاجر جدا افتاده از هم وجود دارد، گفتگویی سازنده را آغاز کند.

مسئولان وزارت مهاجرت، پناهجویی و شهروندی کانادا به سوالات ما در این زمینه پاسخ ندادند.

منبع: وب سایت شبکه خبری لاپرس



## مشاور امور مالی، فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی شریف و ETS

**Matin Tirehdast**  
Financial Advisor at Industrial Alliance

متین تیره دست

514-690-6181



- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کار افتادگی
- حساب های پس انداز و سرمایه گذاری
- برنامه های بازنشستگی
- حساب سرمایه گذاری کودکان

نویده احمدی

استاد محمدمهدی میرزایی

## محمدمهدی میرزایی در گفت‌وگو با هفته مرز را دیگران کشیده‌اند ایران و افغانستان دو بدن در یک روح‌اند



چه کسانی در این مسیر مشوق شما بودند؟ اولین شخصی که مرا در این عرصه تشویق کرد، پدر مرحومم بود. آن زمان دسترسی به ابزار مناسب برای تمرین خط مثل کاغذ و مرکب بسیار سخت بود و ایشان برای ما تخته‌هایی از چوب ساخته و آن را صیقل داده بود. ما روی تخته چوبی تمرین کرده و بعد برای تمرینات بعدی آن را می‌شستیم. هرروز صبح باید وقت معینی را برای تمرین خط اختصاص می‌دادیم و این کار از برنامه‌های منظم روزانه ما به شمار می‌رفت. ایشان صدای خوبی داشتند و حمله حیدری و غزل‌های محلی به زیبایی می‌خواندند. پدرم همچنین در بخش معماری فعالیت داشتند. ایشان بسیار مرا تشویق می‌کرد که به سمت یکی از هنرها به‌خصوص به سمت خط نستعلیق بروم. زمانی که در کودکی خط نستعلیق کار می‌کردم، پدرم خط‌های مرا اصلاح می‌کرد. همچنین حاج محمدجواد میرزایی برادر بزرگ‌ترم راهنما و یکی از مشوق‌های بزرگ من در گرایش به این هنر بودند.

**چرا خط نستعلیق را انتخاب کردید؟**  
خط نستعلیق عروس خطوط اسلامی است. همه کارشناسان هنری معترفند که خط نستعلیق به‌نوعی

آقای محمدمهدی میرزایی گرامی چه انگیزه‌ای باعث شد که به سراغ هنر خطاطی بروید؟

خوشنویسی در خانواده ما ریشه عمیقی دارد. پدرکلانم میرزا ابراهیم از خوشنویسان به نام روزگارش بود. مرحوم پدرم علاقه زیادی به خوشنویسی داشته و از خط نیکویی هم برخوردار بود. ایشان خط را به‌خوبی می‌شناخت.

تشویق‌ها و پیگیری‌های ایشان باعث شد که ذوق هنری به میراث مانده از مرحوم میرزا ابراهیم در خانواده ما جوانه بزند و نه‌تنها بنده، بلکه برادران دیگرم هم به سمت این هنر اصیل کشانیده شوند. هنرمندان ایرانی هم به من می‌گویند که شما خوشنویسی را به ارث برده‌اید. در زمان کودکی به هنر عکاسی، موسیقی و سینما علاقه زیادی داشتم.

زمانی که به ایران آمدم روابط تنگاتنگی با هنرمندان خوشنویسی پیدا کردم که باعث شد بسیاری از خط‌ها را از نزدیک ببینم و تحت تأثیر قرار بگیرم. نفس قرار گرفتن در محیط نسبتاً آرام و رویکرد هنرپرورانه جامعه میزبان باعث شد به صورت جدی به سمت هنر خوشنویسی کشیده شوم.

افغانستان و ایران با یکدیگر هم‌خون هستند چراکه اگر به ریشه آن‌ها نگریسته شود، وجه اشتراکاتی جدانشدنی را می‌توان یافت که پیدا کردن این اشتراک در دیگر کشورها ناممکن است. یکی از اشتراکات برجسته را به‌خوبی می‌توان در میان هنر خطاطی و خوشنویسی پیدا کرد. این پیوند جدانشدنی سبب تقویت جامعه مهاجر افغان در ایران شده است. محمدمهدی میرزایی از نسل اول مهاجران افغان است و زمانی که به ایران آمد، موفق شد که هنر خوشنویسی را به‌صورت جدی دنبال کند و از بستر مهاجرت برای رشد و تعالی هنر خطاطی بهره بگیرد. او حالا یکی از برجسته‌ترین استادان خوشنویسی است که سال‌های زیادی را صرف آموزش خطاطی به‌صورت رایگان برای مهاجران مقیم ایران کرده است. این استاد خوشنویسی نمایشگاه‌های زیادی را در داخل و خارج از کشور برگزار کرده است. ازجمله این نمایشگاه‌ها می‌توانیم به نمایشگاه‌های خوشنویسان در فرهنگسرای خاوران، نمایشگاه انفرادی در سازمان بین‌المللی اکو، نمایشگاه‌های دستاوردهای اتباع افغانستان در سالن وزارت کشور در سال ۱۳۸۷ نام برد.



**متخصص و مشاور در امور املاک**  
مسکونی، تجاری و مسکونی دره‌دزادر حوزه مونترال بزرگ

◀ ارزیابی و مشاوره رایگان در امر خرید و فروش ملک  
◀ همراه با تیمی مجرب در امور بازرسی فنی، امور حقوقی و تهیه وام

**امیر نعیمی**

**Cell: (514) 944-1348**  
Tel: (514) 683-8686  
amir.naimi@ramier.ca







اثر استاد محمد مهدی میرزایی

با خودم هم قابل تطبیق است. شخص خودم همیشه شاهد رفتار صمیمانه و محترمانه جامعه میزبان بوده‌ام. همیشه هر جا که می‌روم می‌گویم که اهل افغانستان هستم و همواره رابطه صمیمی و برابری با دوستان ایرانی داشته‌ام. اعتقاد دارم که ما همه با هم یکی هستیم. هیچ کشوری از نظر فرهنگی و زبانی همانند افغانستان به ایران نزدیک نیست. امیدوارم که همه دست در دست یکدیگر دهیم و همانند یک زنجیر شویم و با همدلی بتوانیم با استفاده از هنر خوشنویسی کارهای مشترک سطح بالایی را در جهان انجام دهیم.

**بسیاری از مردان هنرمند و سیاستمدار افغان چه در ایران و چه در داخل افغانستان با وجود اینکه ادعای روشنفکری می‌کنند اما زنان و دختران خود را در پشت پرده‌ی مردسالاری پنهان می‌کنند اما شما همواره فضای رشد و ترقی را برای همسر و دخترتان فراهم کرده‌اید، نظرتان در این مورد چیست؟**

آزادی، تحصیلات، هنر و دانش حق مسلم هر انسانی است. هر انسان آزاده‌ای باید برای همسر و فرزند خود اجازه دهد که رشد کنند و به کمال برسند. استعداد خدادادی و بسیار خوب همسرم باعث شده است که همیشه او را تشویق کنم و همراهش باشم تا بتواند روزبه‌روز به‌جاهای بهتری برسد. من این موضوع را وظیفه انسانی و وجدانی خود می‌دانم. در پس‌زمینه رفتار مردسالارانه نسبت به زنان در افغانستان، بیشتر ملغمه‌ای از سنت و برداشت‌های غلط از مفاهیم دینی وجود دارد. به‌طور عموم، متأسفانه به خاطر وجود جنگ‌های

داخلی در کشور، سطح سواد مردم رشد نکرده و در نتیجه هنوز از مفاهیم دینی فهم عمیقی پا نگرفته است. مذهب ما هیچ‌گاه مانع تحصیلات زنان نمی‌شود. زمانی که به زندگی پیامبران نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که آن‌ها واقعاً آمده‌اند که علم را به بشر بیاموزند. از این رو، هیچ‌کسی حق ندارد که حق تحصیل و رشد را از دختران و پسران خویش سلب کند.



امضای فرهنگی مردمی است که در گستره جغرافیایی ایران فرهنگی زندگی می‌کند؛ یعنی این خط را فقط خوشنویسان ایرانی و افغانستان به‌خوبی می‌توانند بنویسند و دیگر خوشنویسان معروف جهان اسلام به‌پای هنرمندان این دیار نمی‌رسند. در ایران هم به‌عنوان جغرافیای اصلی پرورش و رشد خط نستعلیق، اکثر مشتاقان به خوشنویسی تلاش می‌کنند که این خط را یاد بگیرند و بعد سراغ خط‌های ثلث، نسخ، خط شکسته و دیگر خط‌ها بروند. بنده هم چون رشد یافته و متعلق به این جغرافیای فرهنگی هستم تا حدودی به‌صورت ناخودآگاه به‌سوی این خط کشیده شدم. از سوی دیگر، خط نستعلیق را به خاطر قدرتمند بودنش دوست دارم چراکه این قدرت باعث شد که با درون خود مبارزه کنم. معتقد هستم که خط نستعلیق واقعاً طبق فرمایش بزرگان به‌عنوان زیباترین و در عین حال مشکل‌ترین خط در هنر خوشنویسی به‌شمار می‌رود. همه این‌ها باعث شد که خط نستعلیق را انتخاب کنم.

**زمانی که به‌عنوان یک دانشجوی افغان در دانشگاه ایران تحصیل می‌کردید، آیا با مشکلاتی مواجه بودید؟**

همه ما می‌دانیم که در یک مقطع زمانی تحصیل کردن برای مهاجران بسیار دشوار بود و سختی‌های زیادی را پیش روی دانشجویان افغان گذاشته بودند. من هم به‌عنوان یک دانشجوی افغان مشکلاتی را داشتم. بخشی از این مشکلات برای همه دانشجویان، چه افغان و چه ایرانی عمومیت داشت ولی برخی از مشکلات اختصاص به دانشجویان افغانستانی دارد. مثلاً مهاجر بودن و بعد از سی سال زیستن در یک کشور و از نظر قانونی تا هنوز بیگانه شمرده شدن، بزرگ‌ترین مشکلی است که عموماً به آن برمی‌خوریم؛ اما به‌طور خاص مشکلی نداشتیم و رفتار اساتید و دانشجویان دیگر بسیار دوستانه بود.

**با توجه به اینکه شما سال‌های زیادی است که در ایران ساکن هستید، از زمان ورود به ایران تا اکنون شاهد مشکلات مهاجران افغان بوده‌اید، در این بازه زمانی تغییرات موجود در وضع مهاجران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

مهاجرت ذاتاً پدیده‌ی ناخوشایندی است که عموماً از سر ناچاری روی می‌دهد. از قدیم تا هنوز دور بودن از زادگاه و عزیزان همیشه با حزن خاصی در فرهنگ و اشعار شاعران ما بازتاب یافته است. با وجودی که تا همین چند صد سال پیش و قبل از به وجود آمدن دولت-ملت‌ها و پدیده ناسیونالیسم، هیچ مرزی وجود نداشت و هر کسی می‌توانست آزادانه و بدون هیچ مشکلی محل زندگی‌اش را انتخاب کند، باز هم مهاجرت تلخ بود

اثر استاد محمد مهدی میرزایی



### درباره محمدمهدی میرزایی

محمدمهدی میرزایی در سال ۱۳۵۳ در ولایت غزنی در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. پدر کلان او از خوشنویسان مطرح زادگاهش به شمار می‌رفت. او از دوران کودکی هنر خوشنویسی را آموخت و پس از مهاجرت به ایران آن را به صورت جدی و حرفه‌ای دنبال کرد. این هنرمند مهاجر فارغ‌التحصیل رشته حقوق از دانشگاه خوارزمی است. همچنین هنر خوشنویسی را در نزد اساتیدی همچون «حمید عجمی»، «اسماعیل نیکبخت» و «محمدعلی قربانی» آموخته است.

جایگاه‌های بلندتر در هر عرصه‌ای، باید سخت تلاش کنند و الگوها و جهان‌بینی خود را در مورد هنر بازنگری کرده و تغییرات اساسی در درون و برون خود ایجاد کند. این چیزی است که مهاجرت به من آموخت.

تغییرات بزرگ شود. دیدن آثار هنرمندان بزرگ و حشر و نشر داشتن با آن‌ها، ضمن تزریق انگیزه و انرژی زیاد به هنرمندان، به آن‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدن به

کشورهای مختلف از شما برای ادامه کار دعوت کرده‌اند، چه شد که تصمیم گرفتید در ایران ماندگار شوید؟

اگر به تاریخ نگاه کنیم، بعد از حمله مغول چنان ضربه‌ای به خراسان وارد شد که دیگر نتوانست عظمت گذشته تاریخی خود را باز یابد. به تدریج مناطق غربی این سرزمین تبدیل به مراکز بزرگ فرهنگی شدند. بلخ، هرات، مرو و نیشابور نتوانستند بعد از حمله مغول کمر راست کنند و اهمیت فرهنگی و علمی خود را از دست دادند. بعداً به تدریج شهرهایی چون شیراز و اصفهان و قزوین جای آن شهرها را گرفت و این روند تاکنون ادامه دارد. اگر قبل از مغول چشم‌ها به شهرهای خراسان قدیم دوخته می‌شد، حالا همه منتظرند که در شهرهایی چون تهران، مشهد، شیراز و اصفهان چه اتفاقی می‌افتد و کدام هنرمند می‌درخشد. فعلاً حوزه جغرافیایی ایران مرکز اصلی فرهنگی گستره



استاد محمدمهدی  
میرزایی در حال خطاطی

### رشد زنان مهاجر در همه حوزه‌ها به خصوص حوزه هنر را چگونه بررسی می‌کنید؟

مطمئن هستم که اگر برای زنان ما شرایط بیشتر فراهم شود و یک مقدار از طرف خانواده حمایت و پشتیبانی شوند، می‌توانند نقش به‌مراتب مؤثرتر و مساوی با مردان در جامعه ما داشته باشند. متأسفانه چون زنان افغانستان در شرایط آشوب و جنگ زندگی می‌کنند، از این رو نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر بوده و امکان رشد کمتری دارند. اگر عدالت اجتماعی برقرار شود، زنان می‌توانند به سرعت رشد کنند و جایگاه شایسته خودشان را باز یابند. شک ندارم که اگر زنان افغانستان فعالانه وارد حوزه هنر شوند ما به یک جامعه ایده‌آل و سالم می‌رسیم زیرا هیچ چیزی همانند هنر نمی‌تواند روح و روان جامعه آشوب‌زده و آسیب‌دیده ما را تلطیف کند. زنان، نقش اساسی در تربیت اجتماع و در نتیجه داشتن جامعه پویا و سالم دارند و این زنان هستند که باعث تغییر تاریخ می‌شوند.

### رشد هنرمندان در نسل جدید مهاجران افغان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خدا را شکر در این اواخر شاهد رشد فرهنگی و هنری خوبی از سوی مهاجرین بوده‌ایم. با وجود مشکلاتی که در عالم مهاجرت وجود دارد، شاهد رشد و حضور هنرمندان موفقی در میان نسل جدید مهاجرانی که در ایران رشد کرده‌اند، در عرصه‌های مختلف از جمله موسیقی، سینما، خوشنویسی و تذهیب هستیم. به نظر من تا هنوز ظرفیت‌های اصلی هنری مهاجرین افغانستانی در ایران خود را نشان نداده است و امیدوارم که به زودی شاهد حضور بسیار جدی هنرمندان افغانستانی در عرصه‌های مختلف هنر در ایران باشیم.

### با توجه به اینکه شما در نمایشگاه‌های مختلف داخلی و خارجی شرکت داشته‌اید، از نظر اینکه یک مهاجر هستید چه مسائلی در پیش رو دارید؟

با وجود تسهیل شدن برخی از امور؛ اما متأسفانه شاهد وجود مشکلات فراوان هستیم. از اولین مشکل می‌توانیم به صدور ویزاهایی که باید برای مردم افغانستان صادر شود اشاره کنیم. متأسفانه دولت افغانستان به مرحله‌ای نرسیده است که ارتباط ما را با جهان نزدیک‌تر کند و هنر ما وارد عرصه هنر در سطح جهان شود. اگر دولت توجه جدی‌تری کند برای آشنایی هنرمندان کشور ما با جایگاه جهانی هنر، حتماً هنر خود را با همه مشکلاتی که دارد به جهانیان معرفی خواهیم کرد. مشکل ما حتی در حد صدور ویزا از کشورهای هم‌جوار است. خیلی نیاز است که ما با کشورهای اروپایی و دیگر کشورها همچون آمریکا ارتباط داشته باشیم تا با هنر ما بیشتر آشنا شوند.

### مهاجرت چه تأثیری روی شما دارد؟

مهاجرت تأثیر مستقیمی روی شخصیت و کارهای من گذاشته است. در کل به قول دانشمندان، همه تمدن‌های بزرگ بر اثر مهاجرت به وجود آمده و تکامل یافته است. مهاجرت باعث می‌شود که نگاه ما به جهان دچار





نمایشگاه فرهنگسرای نیوران ۱۳۸۰

هموطن خویش در شهرهای دیگر ایران حضور پیدا کنند. اگر شرایط برای ما به گونه‌ای شود که برای رفت و آمد به شهرهای دیگر سهولت داشته باشیم و برنامه‌های هنری خود را با آرامش برقرار کنیم حتماً تأثیرات مثبتی جهت تشویق رشد مهاجران در عرصه هنر به دنبال خواهد داشت.

### با توجه به اینکه در عصر حاضر زمان و سرعت عنصر مهمی هستند و تکنولوژی

به سرعت در حال پیشرفت است و هنر خطاطی زمان‌بر است، بسیاری از اساتید این حوزه از فراموش شدن هنر خطاطی نگران هستند، نظر شما در این مورد چیست؟

هر چیزی برای رسیدن به قله کمالش نیاز به زمان دارد. این موضوع تنها محدود به هنر خوشنویسی نیست و بلکه تمامی هنرها این‌طور هستند. از طرفی، این درست است که ما در عصر تکنولوژی هستیم اما در راه رسیدن به هنر می‌توانیم از تکنولوژی بهترین استفاده را انجام دهیم. تکنولوژی در تضاد با هنر و سد راهش نیست بلکه به نوعی در خدمت عرصه و رشد هنر وجود دارد. در زمان قدیم وسیله برای دیدن آثار هنرمندان وجود نداشت اما حالا به واسطه این تکنولوژی‌ها می‌توانیم آثار تمام هنرمندان را ببینیم و رشد بیشتری داریم اما به شرط اینکه اهل کار کردن باشیم. زمانی که من با دوستانم در افغانستان ارتباط برقرار می‌کنم در دهات افغانستان خطاط‌هایی را می‌بینم که برایم بسیار تعجب‌آور هستند که آن‌ها چطور به این رشد می‌رسند. هنر خوشنویسی در تار و پود مردم افغانستان وجود دارد و اگر یک بستر و امنیت در افغانستان برقرار شود ما می‌توانیم قله‌های موفقیت را فتح کنیم.

### ایران و افغانستان اشتراک فرهنگی زیادی با یکدیگر دارند، این اشتراکات در خصوص خط چگونه است؟

اشتراک مردم افغانستان و ایران به حدی است که ما شک می‌کنیم مرزی وجود دارد. شما اگر مکتب هرات را بررسی کنید و همچنین هنرهایی که در بامیان و در مزار و کابل و در غزنی است و اگر تاریخ را نگاه کنید، به خوبی درک می‌کنید که بین این دو ملت، مرزی به وجود آمده که همان‌طور که تحت شرایطی و توسط انسان‌های خاصی کشیده شده است، می‌تواند توسط انسان‌ها برداشته شود. گذشته تاریخی ما چنان درهم‌تنیده است که همانند روحی هستیم در دو بدن. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، هیچ کشوری برای ایران از نظر فرهنگی و تاریخی از افغانستان نزدیک‌تر نیست. این نزدیکی در عرصه هنر و به خصوص خوشنویسی به حدی است که اصلاً تصور جدا بودن این دو کشور وجود ندارد. به‌طور مثال، اساتید خوشنویسی ایرانی همان اشتهار و احترامی را که در میان هندوستان ایرانی دارند، در میان هنرمندان افغانستانی نیز دارا هستند. گرچه از نظر سیاسی ما اینها را دو سرزمین می‌دانیم اما در

ایران فرهنگی است. در حال حاضر، ایران بستر مناسبی برای انجام کارهای فرهنگی و خصوصاً در سطح عالی دارد که می‌شود آن را اجرا کرد و به سطح بالا رساند. این شرایط فرهنگی در کشورهای دیگر فراهم نیست. اگر کسی بخواهد به رشد عالی هنری و به خصوص خط نستعلیق برسد به نظر من ترک ایران کار خطایی است. هنرمندان و شاعرانی را می‌شناسم که زمانی که به کشورهای اروپایی رفتند، به دلیل بستر نامناسب هنر خود را فراموش کردند. هنرمندان ما زمانی می‌توانند کار انجام دهند که بین مردم باشند و درد مردم را احساس کنند تا بتوانند هنر خویش را پیش ببرند و از این طریق ماندگار شوند. بهترین جای رشد در شرایط کنونی، به‌ویژه هنر خوشنویسی، ایران است که بتوانیم در کنار مردم رشد کنیم و با عشق ورزیدن به مردم هنر خویش را پیش ببریم.

### بیشتر قشر مهاجر فرودست هستند و آموختن هنر هزینه‌بر و زمان‌بر است و این موضوع همانند یک سد برای هنرمندان تازه‌وارد عمل می‌کند چه راهکاری برای آن‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

اغلب نسل اول مهاجرین افغانستانی بنا بر شرایط سخت حاکم بر افغانستان به‌ناچار کشورشان را ترک کرده و در ایران برای گذران زندگی خویش کارگری می‌کنند؛ اما نسل دوم و سوم این‌طور نیستند. آن‌ها در این سرزمین متولد شده و با همین فرهنگ و محیط رشد کرده‌اند و اگر فرصت برابر برای آن‌ها داده شود، هیچ فرقی از هر جهت با میزبانان خویش ندارند. به‌طور عموم، برای کسی که انگیزه و علاقه‌اش را داشته باشد، هیچ چیز سد راهش نیست و می‌تواند از کمترین امکانات، بیشترین استفاده را بکند. به قول استاد ارجمندم آقای حمید عجمی، اگر از کار خود نمی‌توانیم بزنیم، از بخشی از خواب خود می‌توانیم بگذریم. من و همسرم بیست سال است که کلاس‌های خوشنویسی و تذهیب و دیگر کلاس‌ها را به‌صورت رایگان دایر کرده‌ایم. به نظر من مهاجران باید بیشتر توجه کنند و فرزندان خود را به‌سوی هنر و علم سوق بدهند. همیشه می‌گویم که در کشور ایران زمینه‌های ورزشی و هنری برای مردم ما به‌راحتی مهیا است، چون از نظر فرهنگی و زبانی هیچ مشکلی با جامعه میزبان نداریم. لازمه رشد در این زمینه‌ها توجه و وقت گذاشتن است. من اعتقاد دارم که ما اگر حرکت کنیم، خداوند به ما برکت خواهد داد.

### مهاجران در ایران برای سفر به شهرهای داخل ایران و خارج از ایران با محدودیت مواجه هستند، این محدودیت در مسیر هنری شما چقدر تأثیرگذار بوده است. در مورد این محدودیت‌ها توضیح دهید؟

محدودیت برای رفتن از شهری به شهر دیگر و بخصوص خارج از کشور وجود دارد. بدون شک این محدودیت‌ها برای هنرمندان تأثیرات منفی خودش را دارد. مثلاً برای دیدن هنرمندان و یا برگزاری نمایشگاه در شهر دیگری، با شرایط خاص و زمان‌بری مواجه می‌شویم که این شرایط تأثیر روانی منفی زیادی دارد. چقدر خوب است که شرایطی برای هنرمندان فراهم شود که در بین مهاجران

عرصه هنر سرزمین واحدی است. در عرصه هنر هنرمند را به خاطر هنرش می‌شناسیم نه تعلق جغرافیایی‌اش.

### آیا تا به حال تصمیم داشته‌اید که آموزشگاهی برای مهاجران تأسیس کنید؟

از سال‌های دور تا به حال کلاس‌های مختلفی را برای مهاجرین برگزار کرده‌ام. من بارها درخواست کردم که فضایی را در ورامین و شهر ری، قم و مناطق مهاجرنشین در اختیار ما قرار دهند تا ما بتوانیم در خدمت مهاجران باشیم.

### در حال حاضر خطاطی در افغانستان چه جایگاهی دارد؟

خوشنویسی به‌طور سنتی در افغانستان طرفداران بسیاری دارد. داشتن خط خوش در افغانستان یک افتخار است. هیچ خانه‌ای در افغانستان پیدا نمی‌کنید که مزین به اثر خوشنویسی نباشد. متأسفانه جنگ‌های داخلی و مداخلات خارجی زندگی را به کام مردم ما تلخ کرده و به دنبال آن بر وضعیت هنر هم در کشور تأثیرات منفی زیادی گذاشته است؛ اما در این چند سال اخیر، رونق زیادی در عرصه خوشنویسی ایجاد شده و نوجوانان و جوانان بسیاری به این هنر اصیل روی آورده‌اند. من شاهد ظهور چهره‌های جدید در عرصه خوشنویسی کشور هستم که با توجه به امکانات محدود و مشکلات زندگی در افغانستان، به‌طور جدی به این هنر پرداخته و رشد بسیار خوبی را هم تجربه کرده‌اند. اطمینان دارم که با ثبات سیاسی در افغانستان، کشور من هم جایگاه ممتاز گذشته‌اش را در این هنر باز خواهد یافت.

### چه برنامه‌هایی برای آینده دارید؟

برنامه‌های زیادی برای آینده وجود دارد که به کمک خداوند بزرگ و تلاش خودم در صدد انجام آن هستم. همین کارهایی که در حال حاضر در دست دارم برای انجام دادن کارهای بهتر برای آینده است. پرورش هنرجویان و کشف استعدادها نرفته در وادی خوشنویسی از میان هم‌وطنانم از آرزوهایم است. تلاش برای بهتر کردن کارهای خودم و کسب تجارب بیشتر در عرصه خوشنویسی و در نتیجه رسیدن به جایگاه بلندتر را در نظر دارم. برگزاری نمایشگاه‌های برون‌مرزی و معرفی این هنر به هم‌وطنان خودم از برنامه‌هایی است که در صدد انجامش هستم. انشا الله.



## عبداله صفوی

### Abdollah SAFAVI

Financial Security Advisor  
Investment Representative

مشاور امنیت مالی  
نماینده سرمایه‌گذاری

مالیات کمتر  
پس انداز بیشتر  
سرمایه‌گذاری مناسب‌تر  
همگی در یک ظرف

مشاوره رایگان

Mobile: 514-467-8491  
Office: 514-931-4242 ext. 2567  
abdollah.safavo@f155.com

f mqsf.ca    i mqsf.ca    mqsf.ca










## خروشر اعظمی

### مشاور املاک مسکونی در مونترال

- با کمک تیم ما با کمترین نرخ بهره وام مسکن بگیرید
- خدمات ویژه ما برای تازه‌واردان و زوج‌های جوان
- تمامی خدمات ما برای خریداران رایگان است
- هزینه محض هدیه ما به شما خریداران است

• COURTIER IMMOBILIER RÉSIDENTIEL  
• RE/MAX ROYAL (JORDAN) INC.  
• 315 BOUL. BRUNSWICK # 333, POINTE-CLAIRE (QC) H9R5M7  
• KHORUSH.AZAMEE@REMAX-QUEBEC.COM  
• 514-630-7324 EXT: 4344

## KHORUSH AZAMEE

Cell: 514-865-7860

قایق انتقال اجباری دانش‌آموزان به مدارس (در جاهایی که انتقال با اتوبوس و کامیون ممکن نبود دولت از هر وسیله ممکن از جمله قایق برای این جابجایی اجباری بهره می‌برد) برگرفته از منبع ۲



## پرونده

Histoire de couverture

سارا اندرسون

فرشید سادات شریفی

مریم ایرانی

سجاد صاحبان زند

عباس محرابیان

## فیلیس، رنج‌های او و «پیراهن نارنجی» اش داستان ترسناک مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا

اگر ساکن آمریکای شمالی نیستیم احتمالاً اطلاعاتی محدود، مخدوش و گاه کاریکاتور گونه‌ای از بومیان کانادا داریم؛ مردمی که طبق عادت و بدآموزی آنها را «سرخ‌پوست» می‌نامیم. در صورتی که در کانادا زندگی می‌کنیم دانش ما از مردمان بومی این سرزمین محدود به تصویری است که رسانه‌های اصلی از بومیان indigenous peoples ترسیم می‌کنند: زنان و مردانی که هیچ کاری به غیر از بستن پل و جاده و ریل‌های خط آهن ندارند. البته خودمان هم در معابر شهری و چهارراه‌ها با زنان و مردان «سرخ‌پوست» روبرو می‌شویم که خیابان‌گرد، الکلی و معتاد هستند. شاید برخی از ما با خود فکر می‌کنیم که اصلاً معلوم نیست حرف حساب اینها چیست. برای این که بیشتر درباره این بومیان، این مردمان با فرهنگ دیرینه بدانیم و هم‌چنین با داستان سرزمینی که به آن پانهاده‌ایم آشنا شویم، باید به ماجرای گام‌گذاریم که بخش‌ها و زاویه‌های مختلف آن همچون صحنه‌های یک فیلم ترسناک هستند. از ماجرای دهشتناک مدارس شبانه‌روزی برای کودکان بومیان صحبت می‌کنیم که بخشی از روند اعمال تبعیض سیستماتیک علیه صاحبان دیرین این سرزمین بوده است.

سی‌ام سپتامبر در کانادا «روز پیراهن نارنجی» Orange shirt day نام دارد، روزی که کانادایی‌ها به یاد رنج‌هایی که بومیان این سرزمین در مدارس شبانه‌روزی دینی دیده‌اند پیراهن نارنجی می‌پوشند. به همین مناسبت، پرونده این شماره را به تاریخچه این مدارس، روایات دو تن از دانش‌آموزان آن‌ها و مسمای نام‌گذاری این روز اختصاص داده‌ایم. عبارات Residential schools یا Boarding schools را اگر در بافت فرهنگ و تاریخ کانادا شناسیم، احتمالاً «مدارس شبانه‌روزی» ترجمه می‌کنیم. اما در کانادا، این دو اصطلاح به مدرسی اطلاق می‌شوند که تحت حمایت مستقیم دولت بودند و برای هم‌سان‌سازی کودکان بومی و «ذوب» آن‌ها در فرهنگ اروپایی کانادا تأسیس شدند. تأسیس این مدارس پس از تشکیل دولت مرکزی کانادا و با همکاری کلیسا آغاز شد. به اعتراف دولت‌های اخیر کانادا، این مدارس زندگی دانش‌آموزان و اجتماعات بومی را مختل کرده و باعث ایجاد مشکلات طولانی‌مدت در بین مردم بومی شده است.

### مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا به روایت دانشنامه کانادا

ماهیت؟	مدارس ایجاد و تجهیز شده از سوی دولت که کلیسا آنها را اداره می‌کرد
هدف؟	تغییر هویت کودکان و جوانان از «بومی» به «کانادایی» از طریق آموزش و جداسازی از خانواده و ریشه‌ها
چند دانش‌آموز؟	حدود ۱۵۰ هزار تن
چند مورد مرگ؟	حداقل ۶۰۰۰ تن
چند مدرسه؟	مجموعاً ۱۳۰ مدرسه طی ۱۶۵ سال (اوج فعالیت همزمان مدارس در سال ۱۹۳۱ بود که ۸۰ مدرسه فعال وجود داشت)
نخستین مدرسه	موسسه «موهاوک‌ها» در اونتاریو»
آخرین مدرسه	مدرسه گوردون در ساسکاچوان (تعطیل شده در ۱۹۹۶)

”

این یک دعوی بین بومی و غیربومی نیست، بلکه یک دانستنی ضروری برای همه کانادایی‌هاست.



## فیلیس و پیراهن نارنجی

فیلیس وبستد (Phyllis Webstad) بانویی پنجاه‌وسه‌ساله است که به عنوان سومین نسل در خانواده خودش (پس از مادر بزرگش و تمام فرزندان او) به مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا فرستاده شد. او بسیار خوش‌شانس بود و تجربه‌های ملایم‌تر از دو نسل قبل از خود را در این مدارس پشت سر نهاد؛ اما همین تجربه نیز چنان سهمگین بود که او در سال ۲۰۱۳ روز «پیراهن نارنجی» را برای یادبود فجایع این مدارس بنیان نهاد و در سال ۲۰۱۸ در کتابی تصویری داستانش را نوشت.

او اخیراً (در روز ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۰ و به دعوت «حلقه آموزشی بومی.سی») در ونکوور به بازگویی تجربه خود و خانواده‌اش پرداخت که خلاصه‌اش را در ادامه می‌خوانید.

او در پاسخ به این سؤال که چرا ما، از جمله مهاجران، امروزه باید از این پیشینه آگاه شویم و از آن نگذریم، گفت: کسی که چنین شک و سؤالی دارد، احتمالاً قصد انکار اهمیت ماجرا و انکار رنج‌های ما را ندارد، بلکه از فقدان اطلاعات کافی است که چنین می‌پرسد. هر کس چند دقیقه با یکی از ما بازماندگان بگذراند و داستان‌مان را بشنود، بسیار با ما همدل‌تر خواهد شد.

کردم، گفتم پشش بدهید! مال شما نیست! مال من است! مادر بزرگم آن را برای من خریده است... اما هیچ‌کس توجهی نکرد.

شبانه‌روزی جایی نبود که در آنجا سواد بیاموزی. جایی بود برای خوابیدن، خوردن و فقط زنده ماندن. خیلی زود فهمیدم که راه‌به‌ها کوچک‌ترین اهمیتی نمی‌دهند اگر خسته، بیمار، گرسنه یا غمگین باشم، و تنها کسی که دارم خودم هستم.

خوردن و خوراکمان هم برایشان اهمیتی نداشت. ما همیشه غذاهایی بی‌مزه و تقریباً بی‌رنگ می‌خوردیم. قرار بود فقط سیر شویم. لوبیاهای رنگ‌پریده که طعم افتضاحی داشتند و ماهی بدبو.

تعجب می‌کردم که چرا مادر بزرگ نمی‌آید نجاتم دهد. در خلوت خودم گریه می‌کردم و با رؤیاهایم به خواب می‌رفتم. روزها برای تحصیل به مدرسه دولتی به شهر می‌رفتم. قبل از سوار شدن به اتوبوس، یک جعبه کوچک آب‌پر تقال و یک کیسه کاغذی قهوه‌ای همراه با ناهار به ما می‌دادند. ظاهر سازی بود و تنها یکی دو نفر از ما برای وعده ناهار خود یک بار تاکو گرفتیم و همه نگاه می‌کردند ببینند آیا آنها هم دارند، اما در کیسه ناهارشان خبری نبود. احساس می‌کردم بزرگ‌ترها با ما شوخی بی‌رحمانه‌ای می‌کنند.

من هر روز دختر فامیل‌مان را در اتوبوسی که به مدرسه دولتی می‌رفت می‌دیدم. اما او به مدرسه‌ای دیگر می‌رفت و من نمی‌فهمیدم چرا من نمی‌توانیم در مدرسه با هم باشیم. خواندن و نوشتن را با دیگر دختران و پسران یاد گرفتیم، اما هنوز تنها بودم. همه ما، همه بچه‌های شبانه‌روزی، تنها بودیم؛ زیرا ما را از خانه‌هایمان به زور برده بودند.

شروع کردم به شمردن روزها تا روزی که بتوانم به خانه برگردم. هر روز، تعداد روزهای مانده کمتر و کوچک‌تر می‌شد.

## فیلیس، درد و رنج‌های او و «پیراهن نارنجی» اش

وقتی دختر کوچکی بودم، با مادر بزرگم در منطقه بومی‌نشین داگ کریک (Dog Creek reserve) (در بریتیش کلمبیا) زندگی می‌کردم. زندگی سختی بود و مثلاً، به عنوان بخشی جدانشدنی از محرومیت‌های بومیان، در تابستان برق نداشتیم؛ یا داخل خانه دستشویی اختصاصی نداشتیم. در اوج آفتاب سوزان تابستان، مجبور بودم خودم را در وان پر از آبی که مادر بزرگم برای آبیاری گیاهانش ذخیره کرده بود، خنک کنم. در باغچه مادر بزرگم توت‌فرنگی پرورش می‌دادیم و گاه به رودخانه فریزر (Fraser) می‌رفتم و ماهی می‌گرفتم. مقداری را برای شام می‌خوردیم و بقیه را خشک می‌کردیم تا برای زمستان ذخیره کنیم. چیز زیادی نداشتیم؛ اما با آنچه داشتیم کنار می‌آمدیم. احساس تنهایی می‌کردم. بچه‌های زیادی در منطقه نبودند که با آن‌ها بازی کنم. تازه، بچه‌های بستگان هم هر سپتامبر برای مدت طولانی تا تابستان بعد آنجا را ترک می‌کردند تا به مدرسه شبانه‌روزی بروند. گرچه از بچگی آغوش‌های حمایت‌گر زیادی نداشتیم، اما در عوض مادر بزرگی داشتیم که خانه‌اش مکانی امن برای من و اطرافیان بود. افراد زیادی بودند که برای کمک و مشاوره نزد مادر بزرگ می‌آمدند.

مکان مورد علاقه من، آشپزخانه مادر بزرگ بود با غذاهای ساده اما لذیذش. وقتی در ژوئیه ۱۹۷۳ شش‌ساله شدم، مادر بزرگم برای جشن تولد من یک کیک درست کرد. به من گفت آن قدر بزرگ شده‌ام که می‌توانم به مدرسه بروم. وقتی سپتامبر فرا رسید، به مدرسه شبانه‌روزی رفتم. آن روز برای اولین بار از رفتن به مدرسه هیجان‌زده بودم. فکر می‌کردم می‌توانم با فامیل‌ها و بچه‌های دیگر بازی کنم. کنج‌کاو بودم آنجا چه خبر است و امیدوار بودم در اولین روز مدرسه دوستی پیدا کنم.

مادر بزرگم مرا به شهر برد تا پیراهن جدیدی برایم بخرد. ما ماشین شخصی نداشتیم. بنابراین برای رفتن، سوار یک اتوبوس آبی‌رنگ شدیم که آن را استیج (Stage) می‌نامیدیم. رفتن به شهر هیجان‌انگیز بود. ما از جاده‌خاکی پایین‌دست عبور کردیم که پر سروصدا و پر از دست‌انداز بود؛ اما طولی نکشید که دست‌اندازها متوقف شد و چشم‌انداز متفاوتی پدیدار شد. شهر بسیار پر سروصدا و شلوغ بود. همه جا پر از مردم و وسایل نقلیه بود. مغازه‌هایی برای بازدید و رستوران‌هایی برای غذا خوردن وجود داشت. مادر بزرگم مرا به رستورانی برد و در یک غرفه با یک مینی جوبکس (jukebox) نشستیم. وقتی سکه داخل شکاف می‌انداختم، جعبه برایم آهنگ پخش می‌کرد. صبحانه را سفارش دادم. وقتی تخم‌مرغ‌های نیمرو آمدند، انگار داشتند از بشقاب نگاهم می‌کردند. بلد نبودم چطور بخورم‌شان.

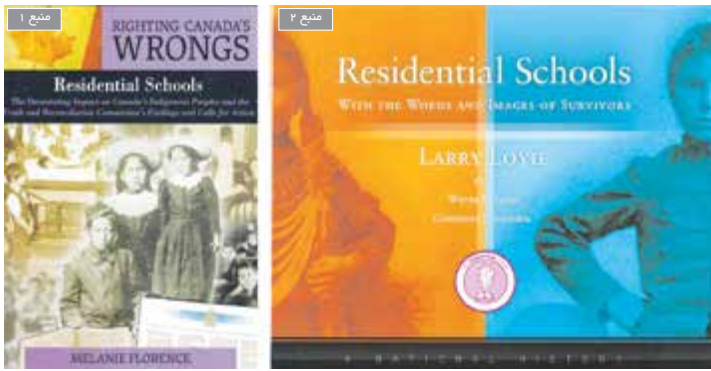
بعد از صبحانه، مادر بزرگم مرا به مغازه‌ای پر از لباس و اسباب‌بازی برد. من یک پیراهن نارنجی زیبا انتخاب کردم. رنگ روشنی داشت و هیجان‌انگیز بود. از داشتن آن پیراهن به اندازه رفتن به مدرسه هیجان‌زده بودم. او پیراهن را خرید و ما دوباره سوار بر استیج شدیم و به خانه برگشتیم. کیفی را که پیراهن نارنجی‌ام درون آن بود، در تمام راه در بغلم نگه داشتم و به خودم قول دادم که فقط در «روز بزرگ» آن را ببوشم. منتظر ماندم و منتظر ماندم تا بالاخره روز پوشیدن پیراهن نارنجی فرا رسید.

برای اولین بار از مادر بزرگم خداحافظی کردم، مادر بزرگم سر مرا در دستانش گرفت و از دوست داشتن گفت. سفر تا رسیدن به مدرسه دو ساعت بود. طولانی‌تر از هر سفری که پیش از آن رفته بودم.

وقتی رسیدیم، عمیقاً احساس ترس کردم. دیوار مدرسه بسیار بلندتر از هر چیزی بود که قبلاً دیده بودم. ساختمان سرد و غیردوستانه به نظر می‌رسید، درست مثل راهبه‌هایی که به استقبال ما آمدند. از یکی از دخترهای فامیل پرسیدم که چه مدت باید آنجا بمانیم. گفت قبل از اینکه بتوانیم به خانه برویم، سیصد شب را در این مدارس خواهیم بود. ۳۰۰ شب. انگار گفته باشد «تا ابد».

راهبه‌ها همه بچه‌ها را داخل بردند و در یک راهروی طولانی به صف کردند. به زور لباس‌مان را از تن‌مان درآوردند و دوش گرفتیم. من نمی‌خواستیم پیراهن نارنجی براقم را درآورم، اما راهبه‌ها مجبور کردند. آن‌ها لباس‌های یک‌دستی به ما دادند تا ببوشیم. بعدا فهمیدیم که همه لباس‌ها، حتی لباس‌زیر، برای همه مشترک است و به کسی اختصاص ندارد! وحشتناک بود! من آن لباس‌ها را دوست نداشتیم. بعد راهبه‌ها مرا روی صندلی نشاندهند و موهایم را کوتاه کردند. من پیراهن نارنجی‌ام را خواستم، اما گفتند که دیگر اجازه ندارم آن را ببوشم. گریه





دو منبع اصلی که برای نوشتن این مقاله از آنها استفاده شده است.

صبر کردیم و صبر کردم. کودکان عادی مدرسه دولتی می‌توانستند از یک باشگاه کتاب، کتاب سفارش دهند، اما هیچ‌یک از کودکان شبانه‌روزی مجاز به تهیه کتاب نبودند. من نمی‌فهمیدم که چرا رفتار متفاوتی با ما شده است. من هم کتاب می‌خواستم. یا چرا به من اجازه بازی در زمین بازی را نمی‌دادند؟

بهترین زمان روز وقتی بود که اتوبوس بعد از مدرسه برای سوار کردن ما می‌آمد. من همیشه جا برای آشنایمان نگه می‌داشتم و وقتی که به ایستگاه او می‌رسیدیم، می‌دوید و کنار من می‌نشست.

گاهی اوقات پیازهایی را که در محوطه مدرسه می‌چید، می‌آورد. من همیشه بسیار گرسنه بودم و پیاز را می‌گرفتم و مثل سیب می‌خوردم. نفسم بوی پیاز می‌گرفت، درست مثل او.

فصل‌ها از پاییز به زمستان و بهار تغییر می‌کردند. و بالاخره تابستان رسید. از رفتن به خانه هیجان‌زده بودم و دیگر هرگز نمی‌خواستم به شبانه‌روزی برگردم. بعد از یک خواب وحشتناک، اتوبوس استیج آمد و مرا به خانه رساند. خیلی خوشحال بودم که به جایی برگشته‌ام که برای ساکنانش اهمیت داشت؛ جایی که مردم به من اهمیت می‌دادند و هر آنچه که لازم داشتیم، داشتیم.

پس از فراز و نشیب بسیار، دیگر هرگز به شبانه‌روزی برنگشتم. اما خیلی از بچه‌ها به اندازه من خوش‌شانس نبودند. من سومین نسل آسیب‌دیده از این مدارس بودم. مادر بزرگم و هر ده فرزندش (از جمله مادرم) و من. حدود بیست سال بعد، وقتی ۲۷ ساله بودم، به یک مرکز درمانی رفتم و سفرم را برای شفا یافتن شروع کردم.

تا آن وقت و برای سال‌های طولانی با همه قطع ارتباط کرده بودم. گریه می‌کردم و فکر می‌کردم وای بر من! هیچ‌کس مرا دوست ندارد. و فکر می‌کردم نه مادر بزرگم و نه هیچ‌کس دیگری به من اهمیت نمی‌دهد.

سرانجام تصمیم گرفتم کتابم را بنویسم و آن‌گاه وقتی با مادر بزرگم، مادرم و خواهر و برادرهایم و دیگران حرف زدیم فهمیدم تجربه وحشتناک من چقدر از

تجربه آن‌ها بهتر بوده است.

اتوبوس استیجی در کار نبود و آن‌ها در کامیون‌های روباز به مدرسه منتقل می‌شدند و مهم نبود هوا بارانی یا برفی باشد و آن‌ها از سرما بلرزند. بچه‌های بزرگ‌تر موظف بودند با بدنشان کوچک‌ترها را گرم کنند و آن‌ها مثل ما صبحانه دو تخم‌مرغی نداشتند. در حیاط بزرگ شبانه‌روزی آن‌ها زنده آهنینی بود که دخترها و پسرها را از هم جدا می‌کرد و اگر حتی یک خواهر و برادر در دو سوی آن به هم آشنایی می‌دادند، از هم جدا و به سختی تنبیه می‌شدند. دیدار آن‌ها فقط به صورت قدم‌زدن در سکوت در دو سوی زنده بود. آن کسی که مرا از هفت سالگی حمایت کرد تا به شبانه‌روزی برنگردم خاله‌ام بود که اول خودم و سپس پسر مرا بزرگ کرد. تا همیشه بسیار از او سپاسگزارم.

در ادامه مسیر آگاهی‌رسانی، داستان خود را در تجمعی در یادبود فاجعه مدارس شبانه‌روزی، در بهار ۲۰۱۳ در کنار دریاچه ویلیامز در بریتیش کلمبیا، به اشتراک گذاشتم که، به سرعت، به نمادی از یادسپاری چگونگی بومی‌ستیزی در این مدارس تبدیل شد. همه‌ساله، «روز پیراهن نارنجی» به‌عنوان میراث این پروژه گرمی داشته می‌شود. شعار رسمی این روز، «هر کودکی مهم است». به کانادایی‌ها یادآوری می‌کند که تجارب فرهنگی همه انسان‌ها مهم است و فاجعه‌ای که بر ۱۵۰ هزار کودک بومی در این مدارس رفته فقط داستان بومیان نیست بلکه، فراتر از آن،

یک دانستنی ضروری برای همه کانادایی‌هاست. در این روز علاوه بر پوشیدن پیراهن نارنجی، کانادایی‌ها تشویق می‌شوند که، با شنیدن تجربیات من و امثال من، هر چه بیشتر درباره تاریخچه و گستردگی این مدارس و رنجی که از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند بدانند. رنجی که هم‌چنان پس از برچیده شدن این مدارس ادامه دارد.

نهایتاً در سال ۲۰۱۸ کتاب تصویری‌ام را با عنوان «داستان پیراهن نارنجی» (The orange shirt story) منتشر کردم و در همان سال، وقتی به عکس خانوادگی‌مان نگاه می‌کردم، نکته تازه‌ای فهمیدم. متوجه شدم که، برای اولین بار، همه فرزندان در یک جا در خانه من بودند. مادرم، خاله‌ام، فرزندانم و نوه‌هایم. زیر یک سقف و تحت تربیت مادر و پدرشان.

مادر بزرگ من چنین امکانی را نداشت. مادرم این را نداشت. من هم. حتی پسر هم. ولی فرزند او این امکان را دارد. چه تغییری اتفاق افتاده؟ تلاش و مبارزه و آگاهی‌بخشی. نوه‌های من می‌توانند در خانه باشند. لازم نیست نگران غذا یا سقف بالای سرشان یا برده‌شدن به شبانه‌روزی باشند. آن‌ها می‌توانند خوب زندگی کنند و حتی هاکی بازی کنند چون پسر و همسرش هستند که از آنها مراقبت کنند. بنابراین من به پسر برای انجام چنین کاری بسیار افتخار می‌کنم. به این تغییر بزرگ.

مریم ایرانی

## روایت تلخ شرلن از سال‌های سخت و رنج مدارس شبانه‌روزی کانادا

کریسمس و عید پاک می‌دیدم. راستش را بگویم، اولش همه چیز به نظر خیلی هیجان‌انگیز بود ولی خیلی زود رنج‌ها از راه رسیدند.»

این‌ها بخشی از خاطرات یکی از بازماندگان مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا به نام شرلن بومبری (Sherlene Bomberry) است. شرلن البته خوش‌شانس بود که مدرسه‌ای که می‌رفت سه سال بعد به دلایل اقتصادی بسته شد و دانش‌آموزانش توانستند پیش خانواده‌هایشان برگردند.

کرد، مطمئن نیستم) ولی می‌دانم که هیچ مادر بومی نبود که، اگر می‌دانست فرزندانش در چه شرایطی قرار خواهند گرفت، اجازه می‌داد که این اتفاق بیفتد.

«سال ۱۹۶۶ من و برادران و خواهرم، که بین پنج تا ده سال داشتیم، به مدرسه موهاک‌ها (در برانتفورد اونتاریو) منتقل شدیم. اولین تصویر من از آن مدرسه، پله‌های بسیار بلندش بود که به سختی از آن‌ها بالا می‌رفتم. سختی‌ای که تا آخر با ما همراه بود. ما را از هم جدا کردند و مادران را فقط در تعطیلات

«چهل سال گذشته اما هنوز نتوانسته‌ام فراموش کنم. تجربه تلخی که از ده‌سالگی‌ام آغاز شد. تصویر آن روز که مادرم با شکم برآمده‌اش، که خواهر کوچک‌ترم را باردار بود، با آن امدادگر صحبت می‌کرد، به روشنی روز در مقابل دیدگام است.

«به مادرم گفتم، اگر بچه‌هایت را به مدرسه موهاوک‌ها بفرستی، خوب تربیت می‌شوند؛ مثل اروپایی‌ها منظم و کارآمد بار می‌آیند و با بقیه بچه‌های دوروبرشان فرق می‌کنند. مادر راضی شد (یا شاید خودش را راضی

کاری باعث شد تا اهداف خوب و مثبت این مدارس شکست بخورند. بی‌صبری در آموزش و اصلاح بیش از اندازه رفتارهای اشتباه که ناشی از سیستم اشتباه این مدارس بود، به تنبیه بدنی و آزار جسمی دانش‌آموزان منجر می‌شد. در برخی موارد، کودکان به شدت مورد ضرب و شتم، شلاق خوردن یا حبس قرار می‌گرفتند.

برخی از کارکنان دچار مشکل جنسی بودند و بسیاری از دانش‌آموزان را مورد آزار جنسی قرار دادند. اما وقتی ادعاهای سوءاستفاده جنسی از سوی دانش‌آموزان، والدین یا کارمندان مطرح می‌شد، پاسخ دولت و مقامات کلیسا ناکافی بود. به ندرت با پلیس تماس گرفته می‌شد و حتی اگر مقامات دولتی یا کلیسایی تصمیم می‌گرفتند که شکایت درست است، پاسخ اغلب فقط اخراج مجرم بود. در سایر مواقع به سوءاستفاده‌کنندگان اجازه می‌دادند به تدریس ادامه دهند.

### بیماری و مرگ در این مدارس

طبق تحقیقات کمیسیون صلح و حقیقت یابی ملی کانادا (TRC)، حداقل ۳۲۰۰ کودک بومی در مدارس اجباری جان خود را از دست داده‌اند. البته این آمار دقیق نیست زیرا کلیسا و دولت فدرال تلاش کردند مرگ و میر را پنهان کنند.

دانش‌آموزان، به خاطر کمبود مواد غذایی و سوءتغذیه، در برابر بیماری‌هایی مانند سل و آنفلوآنزا آسیب‌پذیر بودند. مواد غذایی کم کیفیت و ارزان بود: به خاطر بودجه محدود، به مدیران دستور داده شده بود که با حداقل‌ها این مدارس را اداره کنند.

منوهای غذایی مدارس یکنواخت و (از نظر تنوع غذایی) ناکافی بودند.

طبق گفته‌های باسیل جانستون، که در یکی از این مدارس تحصیل کرده بود، غذاها آبکی و پر از گلوله‌های خمیری بودند و گاهی در غذا موش دیده می‌شد.

### بازماندگان امروزی این مدارس

مدارس اجباری بومیان تا اواسط دهه ۹۰ میلادی در کانادا برقرار بودند. اما با تلاش‌های نهادهای حقوق بشری، بالاخره تعطیل شدند. نهادهای اجتماعی بسیاری سعی کردند به بازماندگان کمک کنند تا در مسیر شفا و بازگشت به زندگی عادی بازگردند، هرچند برای رنج‌های آنان پایانی متصور نبودند.

مایک کاجگی، فعال برجسته حقوق بومیان که خودش یک بومی است و از اعضای بنیان‌گذار انجمن حمایت از بازماندگان این مدارس است و خودش هم در سه مدرسه شبانه‌روزی تحصیل کرد، می‌گوید: «بازماندگان پیر شده‌اند و خسته هستند. اکنون نسل‌های دوم و سوم باید راه احقاق حق بومیان این مدارس را ادامه بدهند. با حقیقت روبرو شوید.

با یک بازمانده صحبت کنید. شما باید به کسانی که امروز نمی‌توانند صحبت کنند، احترام بگذارید. هرگز، هرگز نگذارید آنچه را که در این ساختمان‌ها بر سر بومیان رفت کسی فراموش کند.»

بیشتر این مدارس در کبک، اونتاریو و بریتیش کلمبیا بودند و در جزیره پرنس ادوارد و نیوبرانزویک مدرسه‌ای نبود، شاید به این دلیل که در آنجا بومیان در فرهنگ کانادایی جذب شده بودند. در سال ۱۹۳۱، تعداد این مدارس به ۸۰ عدد در سراسر کانادا رسید که بیشترشان را کلیسای کاتولیک و بقیه را سایر مذاهب مسیحیت اداره می‌کردند.

### شرایط زندگی در مدارس بومیان

تا اواخر دهه ۱۹۵۰، مدارس به صورت نیمروزه کار می‌کردند، یعنی دانش‌آموزان نیمی از روز را در کلاس و نیمه دیگر را در محل کار خود می‌گذراندند. هدف این بود که دانش‌آموزان مهارت‌هایی بیاموزند که بتوانند امرار معاش کنند.

در این مدارس، طبق دسته‌بندی سنتی کلیسای کاتولیک، وظایف بر اساس جنسیت از هم جدا می‌شدند. دختران مسئول خانه‌داری (پخت‌وپز، تمیز کردن، لباس‌شویی و خیاطی) بودند و پسران به نجاری، ساخت‌وساز و کشاورزی مشغول می‌شدند. تأمین بودجه یک مسئله جدی در اداره این مدارس بود. از دهه ۱۸۹۰ تا دهه ۱۹۵۰، دولت سعی می‌کرد تأمین مخارج را به دوش کلیساها و دانش‌آموزان بیندازد و از نیروی کار آنان با دستمزد پایین‌ترین نهایت استفاده را ببرد.

شروع یک روز معمولی در این مدارس در صبح زود با خوردن زنگی که دانش‌آموزان را به لباس پوشیدن و حضور در نمازخانه یا سالن اجتماعات دعوت می‌کرد، همراه بود. دانش‌آموزان باید پیش از صبحانه وظایف اجباری را انجام می‌دادند. صبحانه باید به سرعت در سالن غذاخوری خورده می‌شد. سپس سه ساعت کلاس یا یک دوره کار قبل از وقت ناهار در نظر گرفته می‌شد. برنامه بعدازظهر نیز الگوی مشابهی داشت، شامل کلاس یا جلسه کار، و پس از آن، کارهای بیشتری قبل از شام انجام می‌شد. همچنین وقتی را برای تفریح، معمولاً در بعدازظهر یا عصر اختصاص می‌دادند. برخی از مدارس کتابخانه‌های کوچکی داشتند، در حالی که بسیاری از مدارس ورزش‌های گروهی و همچنین آموزش موسیقی با گروه‌های کر را ارائه می‌دادند. عصر با مراسم دعا و نیایش تمام می‌شد و همه باید زود می‌خوابیدند.

آخر هفته‌ها کلاسی برگزار نمی‌شد، اما یکشنبه به اعمال مذهبی صرف می‌شد. تا دهه ۱۹۵۰، تعطیلات بسیاری از دانش‌آموزان شامل دوره‌های کار و بازی در مدرسه بود. فقط از دهه ۱۹۶۰ به بعد بود که مدارس کودکان را برای تعطیلات به خانه می‌فرستادند. بنابراین، بسیاری از دانش‌آموزان مدارس مسکونی سال‌ها خانواده خود را نمی‌دیدند که برای آن‌ها بسیار تلخ و زجرآور بود.

### سوءاستفاده جنسی از کودکان بومی در مدارس

بسیاری از دانش‌آموزان در این مدارس مورد سوءاستفاده قرار گرفتند. در حالی که برخی کارکنان تلاش می‌کردند مربیان خوبی باشند که جای والدین را برای دانش‌آموزان بگیرند، اما شرایط کلی این مدارس و حجم فشار

اما در همان سه سال، شاهد رنجی شد که هزاران کودک دیگر نیز از چند دهه پیش در آنجا زندگی کرده بودند. از خوردن غذاهای موردعلاقه‌شان محروم شده بودند و باید نان بلغور جو را به زور می‌خوردند. گیس‌های بلند و سیاهشان یا از ته زده می‌شد یا باید با وسواس و محکم بافته می‌شد. در صورت انجام هر نوع نافرمانی، تنبیه بدنی در کار بود و خط‌کشی که بی‌رحمانه روی دست‌ها فرود می‌آمد.

«خیلی درد داشت. رد خط‌کش تا مدت‌ها روی دست‌ها می‌ماند.» شرلن البته بازهم خوش‌اقبال‌تر از برخی ساکنان آن مدرسه اجباری بود که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفتند. کودکانی که زخم روحی حاصل از آن ماجراها را تمام عمر با خود حمل کردند.

شاید شرلن و عده‌ای دیگر نتوانستند بالاخره از آن فضای تلخ و سرد رهایی پیدا کنند اما این مدارس تا سال ۱۹۹۶ یعنی همین ۲۴ سال پیش هم در کانادا دایر بودند. مدرسه‌ای که برای همیشه در تاریخ رنج‌های بومیان حک شده‌اند. رنجی که با عذرخواهی سال ۲۰۰۸ نخست‌وزیر کانادا استیون هارپر هم التیام نخواهد یافت. \*\*\*

فرانسویانی که برای گسترش مرزهای سلطنت فرانسه در حوالی سال‌های ۱۵۰۰ میلادی به سرزمینی که امروز کانادا نام دارد، رسیدند، یکی از اهداف مهم خود را اشاعه دین و مذهب کاتولیک در میان ساکنان بومی سرزمین‌های «فرانسه جدید» (New France) می‌دانستند. اگرچه سنگ بنای اولیه این مدارس را همان فرانسویان گذاشتند ولی شمایل آن‌ها به صورتی که امروز شناخته می‌شوند در سال ۱۸۸۰ و در استان انتاریو شکل گرفت. مدارس مذهبی مشهوری که تحت حمایت دولت بودند و برای هم‌سان‌سازی فرهنگ بومی با فرهنگ کانادایی ساخته شدند. این اقدامات برای جذب بومیان در فرهنگ اروپایی صورت گرفتند و قبایل بومی و آداب و رسوم فرهنگی بومیان را تخریب کرده و مشکلات درازمدت زیادی به بار آوردند. در مجموع در حدود ۱۵۰ هزار کودک بومی در این مدارس تحصیل کردند.

مدرسه‌ای که شرلن بومبری در آن درس خواند، قدیمی‌ترین این مدارس در شهر برنتفورد اونتاریو بود. این مدرسه ابتدا با شش شاگرد پسر آغاز به کار کرد. به تدریج، این مدارس به شبانه‌روزی‌های اجباری برای تربیت بومیان تبدیل شدند.

ابتدا بومیان و به خصوص سران قبایل از این تصمیم استقبال کردند زیرا می‌خواستند از طریق این آموزش‌ها، بومیان وارد نظام کاری و اقتصادی اروپاییان بشوند. به همین دلیل در سال ۱۸۶۷، دولت فدرال قانون تأسیس این مدارس را با هدف آموزش بومیان تصویب کرد. هدف اصلی ولی ناگفته تصویب این قانون، خودکفایی اقتصادی بومیان از بودجه عمومی دولت بود و البته تشویق آن‌ها به تغییر دین. مبلغان مسیحی به عنوان همکاران پروژه انتخاب شدند و مدرسه‌ای را تأسیس کردند که البته خواسته بومیان و سران قبایل را برآورده نکرد.

## مدارس شبانه‌روزی و دغدغه‌های انسانی در کانادا

سجاد صاحبان زند

دعا خواندن اجباری کودکان در اجبار و وحشت؛ برگرفته از منبع ۲

Everything Was Strange and New

"We were the first ones to arrive. They took our own clothes and put them away and that was the last time we saw our clothes. They gave us socks, shoes, shirts, pants, and bedding. We were told where to sleep in the big dormitory. We were not used to sleeping in beds. So my brother Joe said, 'Let's throw our mattresses on the floor.' So we did, and we got into bed, clothes and all."  
—Simon Baker (Squamish), St. George's Indian Residential School, Lytton, British Columbia

"Every week, in elementary school, we each got ten tokens, which were pieces of paper. Students could take a token from you if you speak your language. At the end of the week, whoever collected the most tokens got a reward of some kind. I think it was candy but I spoke Cree, lost all my tokens, and I never got a reward."



وجود داشته‌اند و فعالیت می‌کرده‌اند. باز هم به جلوتر می‌آییم. در سال ۲۰۱۴، جسد دختر ۱۵ ساله‌ای به نام تینا فونتاین (Tina Fontaine) در رودخانه سرخ (Red River) در وینیپگ منیتوبا پیدا شد که مرگ مشکوکی داشت. اما او تنها دختری نبود که به چنین سرنوشتی دچار شد. در گزارشی ملی مفصلی که در ژوئن ۲۰۱۹ منتشر شد آمده که قتل و ناپدید شدن زنان و دختران بومی در چند دهه اخیر در کانادا چنان زیاد بوده که می‌توان آن را نسل‌کشی مردمان بومی بر اساس نژادشان دانست.

در سال ۲۰۱۹، گزارش دیگری جامعه را به شوک فرو برد. در مناطقی از کانادا، همچون استان ساسکچوان، زنان بومی را بدون اطلاع آن‌ها عقیم می‌کردند. به شهادت افرادی که نظرشان در گزارش تحقیقی منعکس شده، بسیاری از زنان عقیم‌شده نمی‌دانسته‌اند که جلوگیری از بارداری با روش بستن لوله‌های رحم همیشگی و غیرقابل بازگشت است. برای آن‌ها که بدانیم ماجرای مدارس شبانه‌روزی دینی تمام نشده، کافی است به کتاب‌ها و گزارش‌های تانیا تالاگا (Tanya Talaga) نگاهی بیندازیم. او در کتاب‌هایش از کودکان بومی می‌گوید که به دلیل بی‌توجهی در بیمارستان‌ها می‌میرند، در مسیر بسیار طولانی مدرسه تا خانه جان‌شان را از دست می‌دهند و در نهایت اگر زنده ماندند، حجم مشکلات‌شان آن قدر زیاد است که به سمت اعتیاد خواهند رفت یا خودشان را خواهند کشت. مشکل بومیان کانادا هنوز زنده است، همچنان که بسیاری دیگر از مسائل نژادی، قومی و مذهبی هنوز زنده هستند.

دولت بودجه مدارس را تأمین می‌کند، اما اداره آن‌ها به عهده کلیسا بود. حتی هماهنگی‌هایی هم با رهبران بومیان انجام شده بود و آن‌ها امیدوار بودند که بچه‌ها بتوانند مهارت‌های جدید بیاموزند و یاد بگیرند چگونه با جامعه جدید خو کنند.

تا سال ۱۹۹۶ که آخرین مدرسه شبانه‌روزی در کانادا بسته شد، حدود ۱۵۰ هزار کودک بومی، شامل اقوام اولیه، اینویت‌ها و متی‌ها (First Nations, Inuits and Metis)، در این مدارس به سر برده بودند. در این میان، دست‌کم ۶ هزار بچه به دلایل گوناگون جان خود را از دست دادند و بقیه هم، هرچند زنده ماندند، اما رنج آن روزها را از یاد نبردند.

بچه‌ها در این مدارس از خانواده و محیط زندگی‌شان جدا می‌شدند و نباید به زبان بومی خود حرف می‌زدند. حتی وقتی می‌خواستند به یکی از اعضای خانواده خود نامه بنویسند، باید به «زبان سفیدها» می‌نوشتند نه به زبان بومی خود. هم‌چنین برای یک‌دست کردن آن‌ها، موهایشان را از ته می‌تراشیدند، لباس‌های بومی‌شان را ازشان می‌گرفتند و به آن‌ها لباس متحدالشکل می‌دادند. همه بچه‌ها باید مسیحی می‌شدند و اسم مسیحی می‌داشتند. گزارش‌های متعددی هم از تجاوز به کودکان دختر و پسر وجود دارد.

به دلیل اعتراض‌های گسترده، بسته شدن این مدارس از سال ۱۹۸۶ آغاز شد و در سال ۱۹۹۶، آخرین مدرسه شبانه‌روزی دینی بسته شد. یعنی در روزهای نخست‌وزیری فردی همچون پی‌یر ترودو، این مدرسه‌ها

هرچند جاستین ترودو به درستی آزادی نسری ستوده را خواستار می‌شود، هرچند که او همواره بر احقاق حقوق سرنشینان هوایی مسافری اکرایی اصرار ورزیده و خواستار روشن شدن همه زوایای این ماجراست، هرچند کانادا کشوری است که بیشترین توجه را به حقوق انسانی داشته است، اما نمی‌توان از نقض آشکار حقوق بشر در کانادا سخن نگفت، گرچه این انتقاد به کام بعضی‌ها خوش نیاید.

ماجرا روشن و واضح است. سیاستمداران بیش از آن که همچون برون، درون زیبایی داشته باشند، موجوداتی هستند که، در بهترین شرایط، می‌توان آن‌ها را دروغ‌گویانی با ظاهر و کلماتی زیبا تصور کرد، گرگانی در پوست بره. چه جاستین ترودو، چه باراک اوباما و چه جو بایدن. حساب افرادی مثل ترامپ که مشخص است.

وقتی با این پیش‌فرض به ماجرا نگاه می‌کنیم، شاید بتوانیم مسائل را عمیق‌تر درک کنیم، از مدارس شبانه‌روزی بومیان گرفته تا ناپدید شدن دختران و زنان بومی، از فشار اقتصادی بر بومیان گرفته تا عقیم کردن اجباری زنان. واقعا عجیب نیست در کشوری که همواره در مسائل صلح پیش‌قدم است، چنین برخوردی با بومیان انجام می‌شود؟ برخورد غیرانسانی با بومیان کانادا موارد بسیاری را در برمی‌گیرد. از همان روزی که اروپاییان به کانادا پا نهادند، مصائب بومیان به‌طور خواسته یا ناخواسته شروع شد. اروپاییان تمامیت‌خواه نمی‌خواستند حقوق مالکیت بومیان را به رسمیت بشمارند و بومیان هم نمی‌خواستند سرزمین مادری‌شان را رها کنند. نتیجه این تنش جنگ‌های خونباری بود که اغلب کشتگان در اردوی بومیان بودند.

بخشی از مرگ و میر بومیان هم ناخواسته بوده است، آنجایی که اروپاییان بیماری‌های جدیدی به کانادا آوردند و، چون بدن بومیان به این بیماری‌ها عادت نداشت، افراد بسیاری جان دادند.

ماجرا همین‌طور ادامه داشت تا زمانی که کانادایی‌ها به ظاهر حقوق بومیان را پذیرفتند و البته در گذر زمان کمی هم با آن‌ها قاطی شدند. اما در روزهایی که همه چیز در حال عادی شدن بود، هیولایی در حال شکل گرفتن در بستر جامعه بود که دم‌خوس آن سال‌ها بعد بیرون زد: مدارس شبانه‌روزی دینی در کانادا.

نخستین مدارس شبانه‌روزی دینی در دهه ۱۸۸۰ با هدف هماهنگ کردن بومیان کانادا با فرهنگ اروپایی آغاز به کار کرد.



استفن هارپر به نمایندگی از دولت فدرال عذرخواهی رسمی را امضا و خطابه‌ی مربوطه را قرائت می‌کند (پس از این اتفاق براساس رای دادگاه به بخشی از بازماندگان این مدارس مبلغی به عنوان خسارت پرداخت شد؛ گرچه بسیاری از افراد محق با ترندهای گوناگون از فهرست واجدان شرایط حذف شدند و بسیاری دیگر نیز دریافت پول را نپذیرفتند).





**حامد ملکی**  
Hamed Maleki



مشاور رسمی مسکن در استان کبک



خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی  
مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری  
تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ  
ارزیابی رابگان ملک و آنالیز مناطق مختلف موثرال جهت خرید

(514) 5571929  
hamedmalekirealstate

Vendirect.ca  
REALTY INCORPORATED



مشاوره، طراحی، اجرا  
گرافیک هفته



0-100

به ما بسپارید ....  
از

طراحی تا چاپ

طراحی لوگو/ طراحی پکیج اداری/ پوستر/ کاتالوگ/ بروشور  
تقویم و سررسید/ صفحه آرایشی کتاب و مجلات/ طراحی بسته بندی  
محصولات/ طراحی تبلیغات

۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸

۴۳۷-۸۸۷-۸۳۰۱



**نیوشا ریاحی**  
**Niousha Riahi**

**وکیل رسمی دادگستری کبک**

**Riahi Legal**

- حقوق تجاری در کانادا
- حقوق خانواده در کبک
- طرح دعاوی و دفاع در دادگاههای کبک
- مهاجرت به کانادا

آدرس: در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک گیل

2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700  
Montréal (Québec) H3A 2A6

514-953-3570

00982122019631  
00989912535922

ria hi@riahilegal.com ria hilegal.com

دفتر تهران

# امیر ندیمی

**Amir Nadimi**

**مشاور بیمه**

**Damage Insurance Broker**

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

● بیمه تجاری

● بیمه منزل

● بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های  
متعدد برای مشتریان خود برگزیند



**Commercial insurance**

Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)

Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc



☎ **514 - 600 - 2338**

🌐 **www.AmirNadimi.com**

📱 **@AssurancesNadimi**

📍 **1955 Ch. de la Cote-de-Liesse,  
suite 201**

**Siant-Laurent, QC, H4N 3A8**



نویده احمدی



## مهاجران از تمدید هر ساله کارت پناهندگی آمایش گله دارند

او می‌گوید: «ما داریم هر سال برای کارت آمایش هزینه پرداخت می‌کنیم اما با این وجود کارت آمایش مزیت چندانی ندارد.

در دیگر کشورها می‌توانی به راحتی همسر خود را از کشور دیگر انتخاب کنی و برای او قبولی بگیری اما در ایران شرایط بسیار محدود است. اقامت همسر بعد از سه ماه باطل شد. من برای اینکه بتوانم برای او اقامت بگیرم به مراکز اداری مربوط به مهاجران مراجعه کردم اما در نهایت ناکام شدم. ما مهاجران انتظار داریم که بعد از گذشت چهار سال قانون بهتری برایمان وضع شود.»

محمد ارزگانی یکی از خوشنویسان برجسته ایران و مهاجر افغان است. او معتقد است که کارت آمایش تعریف مشخصی ندارد در حالی که اصولاً داشتن این کارت زمینه قانونی بودن حضور یک مهاجر را در ایران مشخص می‌کند. او می‌گوید: «مهاجران در کشورهای دیگر بعد از چند سال می‌توانند شهروندی بگیرند اما بعد از گذشته چند دهه حضور در ایران، مجبور هستیم که سال به سال مدارک قانونی خود را تمدید کنیم.

اگر مهاجران هر سال کارت خود را تمدید نکنند حضور آن‌ها در ایران غیرقانونی محسوب می‌شود که در این صورت با مشکلاتی همچون محرومیت از برگ تردد برای سفر به شهرهای مجاز ایران، عدم ثبت نام فرزندان‌شان در مدرسه و ... روبه‌رو خواهند شد.

مهاجران برای پرداخت هزینه‌ی این کارت که حضور قانونی آن‌ها را در ایران تعیین می‌کند، دل‌پری دارند چراکه با وجود داشتن این کارت قادر نیستند که گواهی‌نامه بگیرند و حساب بانکی باز کنند و از دیگر خدمات اولیه برخوردار باشند. گزارش زیر به این موضوع اختصاص دارد.

محمود احمدی یکی از مهاجرانی است که سال‌هاست در ایران زندگی می‌کند. او ده سال پیش با دختر عموبش که در افغانستان بود ازدواج کرد و همسر خود را به صورت قانونی به ایران آورده است. با وجود اینکه وی کارت آمایش دارد و به صورت قانونی زندگی می‌کند اما همسرش به دلیل نداشتن مدرک مهاجر غیرقانونی حساب می‌شود.

کارت آمایش به منظور احراز هویت برای مهاجران افغان صادر شده است. صدور این کارت‌ها با توافق افغانستان، ایران و سازمان ملل تنها برای یک‌بار انجام شد و بعد از آن این کارت‌ها هر سال تمدید می‌شود. در سال روان برای پانزدهمین دوره کارت آمایش برای مهاجران داده شد.

بنا به نوشته دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا «طبق آماري که وزارت امور مهاجرين و عودت کنندگان افغانستان در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است، تعداد مهاجرانی که دارای کارت پناهندگی آمایش هستند به ۸۳۹۹۱۲ نفر می‌رسد.»

ما مهاجران انتظار داریم که بعد از گذشت چهار سال قانون بهتری برایمان وضع شود.

شوکت غلامی متولد ایران است و کارت آمایش دارد اما همسر او فاقد این مدارک است. او می‌گوید: «چند روز پیش همسر را گرفتند و می‌خواستند او را رد مرز کنند اما او به مأمورها پول داد و آزاد شد.»



او در خصوص تمدید کارت آمایش ادامه می‌دهد: «قانون این است که مهاجران باید هر سال کارت آمایش خود را تمدید کنند و این قانون مشخص نیست که چه زمانی تغییر خواهد کرد. در بعضی کشورهای دیگر مثل فرانسه مهاجران باید سال به سال مدارک خود را تمدید کنند و این موضوع چیزی عجیبی نیست اما مهاجران افغان گله دارند که چرا هر سال باید کارت آمایش را تمدید کنند. این قانون است و از قانون باید اطاعت کرد.»

شوکت غلامی متولد ایران است و کارت آمایش دارد اما همسر او فاقد مدارک قانونی است. او می‌گوید: «چند روز پیش همسر را گرفتند و می‌خواستند او را رد مرز کنند اما او به مأمورها پول داد و آزاد شد. من و دیگر زنانی که همسرانشان مدرک ندارند مدام نگران هستیم که شهروانمان را از سرکار رد مرز نکنند. بارها پیش آمده است که مرد خانواده را به دلیل نداشتن مدارک به افغانستان فرستادند و این موضوع فشار زیادی روی دوش زنان گذاشته است.»

در جستجوی گرفتن اقامت از طریق کارت آمایش برای همسر رفتن اما هر بار مورد توهین قرار گرفتیم و به من می‌گفتند مگه مجبور بودی که با یک مرد بدون هویت ازدواج کنی.»

تمدید کارت آمایش تا چند سال قبل در اردوگاه صورت می‌گرفت اما به دلیل حجم زیاد مهاجران، تمدید کارت آمایش به دفاتر کفالت سپرده شد و تعداد مهاجران بین دفاتر کفالت تقسیم شدند.

زینب از مهاجران افغان است و بارها تجربه حضور در اردوگاه و دفاتر کفالت را برای تمدید کارت آمایش دارد او در این خصوص می‌گوید: «من از زمان کودکی سالی یکبار به همراه خانواده به اردوگاه می‌رفتم. اردوگاه در زمان تمدید کارت آمایش خیلی شلوغ می‌شد. جمعیت بسیار زیاد در صف می‌ایستادند.

همه کارها برای تمدید از جمله عکاسی در داخل اردوگاه بود. مهاجران ساعات‌های زیادی را زیر آفتاب می‌ایستادند. مهاجرانی که کارت آمایش دارند از اردوگاه دل‌خوشی ندارند.

حالا شرایط خیلی بهتر شده است و مهاجران به دفاتر کفالت نزدیک به محل زندگی خود می‌روند؛ اما برای تمدید، حضور تمامی اعضای خانواده الزامی است. تنها امسال به دلیل شیوع کرونا سرپرست خانواده‌ها برای تمدید مراجعه کردند در حالی که می‌توانستند سال‌های قبل هم این کار را انجام دهند.» داشتن کارت پناهنده‌گی آمایش امتیاز مثبتی برای مهاجران محسوب می‌شود.

اما این کارت که حکم کارت هویت را برای مهاجران دارد، تنها دسترسی به حقوق محدودی را برای آن‌ها فراهم کرده است.

مهاجران نمی‌دانند که تا چه زمانی باید برای تمدید این کارت مراجعه کنند و اینکه آیا قرار است برخی از مهاجران بعد از پانزده بار تمدید این کارت همچنان اقامت یک ساله داشته باشند و سال به سال اجازه اقامت خود را تمدید کنند؟

تمدید کردن کارت نیاز به هزینه دارد و پرداخت این هزینه برای مهاجران سخت است» او در خصوص سفر به شهرهای دیگر ایران با داشتن کارت آمایش می‌افزاید: «مهاجران برای رفتن به شهرهای مجاز باید جدا از داشتن کارت آمایش برگ تردد بگیرند، در حالی که کارت آمایش اعتبار دارد و قانونی است. به نظر من داشتن کارت آمایش به حضور مهاجران سهولت داده است.»

مهاجران در گذشته حتی ترس داشتند که به شهر ری و حتی کرج بروند اما امروزه داشتن این کارت رفت آمد را راحت‌تر کرده است.»

ساره رضایی فارغ‌التحصیل رشته روانشناسی است. به نظر او داشتن کارت آمایش بار سنگینی روی دوش مهاجرین قرار داده است. چراکه مهاجران مجبور هستند هر سال آن را تمدید کنند و پروسه تمدید باز سختی‌های خاص خود را دارد.

این خانم جوان مهاجر از دغدغه گرفتن پاسپورت دانشجویی گله دارد و می‌گوید: «من همانند دیگر اعضای خانواده‌ام کارت آمایش داشتم اما زمانی که به دانشگاه رفتم، مجبور شدم که تبدیل وضعیت انجام دهم، کارت آمایش خود را باطل کردم و پاسپورت گرفتم و برای آن به افغانستان رفتم.»

من که در ایران به دنیا آمده‌ام و کارت داشتم و هر سال آن را تمدید می‌کردم اما زمانی که به دانشگاه رفتم داستان دیگری جلوی پایم گذاشتند. نمود درصد دانش آموزان افغان که در کنکور شرکت می‌کنند کارت آمایش دارند اما زمان ورود به دانشگاه موظف هستند که تبدیل وضعیت کنند.

من شاهد بودم که بسیاری از اقوام ما به دلیل گرفتن پاسپورت دانشجویی به دانشگاه نرفتند.

در حالی که اگر دولت مینا را کارت آمایش قرار دهد، بر تعداد ورودی دانشجویان افغان به دانشگاه‌های ایران افزوده می‌شود.

نمی‌دانم که چرا کارت آمایشی که قانونی است مورد پذیرش دانشگاه‌های ایران نیست. شاید برای خیلی‌ها باورپذیر نباشد که من در ایران به دنیا آمدم و اینجا بزرگ شده‌ام اما برای رفتن به دانشگاه باید به افغانستان می‌رفتم و ویزای تحصیلی می‌گرفتم.»

یکی از کارمندان دفاتر کفالت در خصوص کارت آمایش می‌گوید: «کارت آمایش فقط در یک دوره به مهاجران داده شد. پس از آن این کارت‌ها هر سال تمدید می‌شود. مهاجران موظف هستند که کارت خود را هر سال تمدید کنند و اگر یک سال نتوانند تمدید کنند امکان تمدید برای سال دیگر وجود دارد.»

## گروه ترجمه هفته



دونی لوکلرک، رئیس کانون روان درمانان و روان آموزان کبک OPPQ

## تزریق واکسن توسط روان‌شناسان و سکس‌شناسان

شاید بتوانیم این موضوع را با اعضای خودمان در میان بگذاریم.»

کانون حرفه‌ای سکس‌شناسان کبک OPSQ نیز ابراز اطمینان کرد که اگر مقامات وزارت بهداشت به ابهامات و سوالات مطرح شده پاسخ دهند، به دعوت همکاری این وزارت‌خانه پاسخ مثبت خواهد داد و موضوع را با اعضای خود در میان خواهد گذاشت.

کانون مددکاران اجتماعی و درمانگران امور زناشویی و خانوادگی OTSTCFQ نیز در پاسخ به درخواست وزارت بهداشت و امور اجتماعی کبک موضع مشابهی را اتخاذ و تاکید کرد چه در زمینه غربالگری کووید ۱۹ و چه واکسیناسیون این بیماری، موضع ما همین است.

هفته پیش گیلن اومیئت Guylaine Ouimette رئیس OTSTCFQ در فیلمی ویدئویی به طور مستقیم اعضای این کانون را خطاب قرار داد و گفت: «بدانید که ما به دولت کبک درباره هر گونه تلاش احتمالی برای استفاده نایجا از مشاغل شما هشدار داده‌ایم.» مسئولان اتحادیه روان‌شناسان کبک OPQ در پاسخ به تقاضای رادیو کانادا برای اظهار نظر درباره این موضوع، ما را به مقاله‌ای در نشریه لودووار Le Devoir ارجاع دادند که در آن آمده است اتحادیه روان‌شناسان استان کبک در حال نظرسنجی از اعضای خود است تا ببیند چقدر آنها برای شرکت در پویش واکسیناسیون آنفلوآنزا و احتمالاً کووید ۱۹ در استان آمادگی و تمایل دارند.

اتحادیه روان‌شناسان کبک OPQ در عین حال تاکید کرد که در پاسخ به درخواست وزارت بهداشت ابراز تردید کرده و بر نقش حیاتی و انکارناپذیری که روان‌شناسان در ارائه خدمات بهداشت روانی به ساکنان

اعضایش در حال حاضر اجازه واکسینه کردن ندارند، درخواست کمک کرده است. در شرایط فعلی فقط پزشکان، داروسازان، پرستاران و قابل‌ها اجازه واکسینه کردن دارند.

«این کار در حوزه مهارت و تخصص ما نیست» بسیاری از کانون‌ها و اتحادیه‌های صنفی دهم سپتامبر امسال وقتی نامه وزارت بهداشت و خدمات اجتماعی کبک به دستشان رسید، بسیار تعجب کردند. وزارت بهداشت در این نامه از آنها خواسته بود ارزیابی کنند که چه تعداد از اعضای آنها حاضر هستند در پویش واکسیناسیون استان شرکت کنند. وزارت بهداشت برای پاسخ دادن به این سوال تنها سه روز به آنها فرصت داده بود.

دونی لوکلرک رئیس کانون حرفه‌ای روان‌درمانان و روان‌آموزان کبک OPPQ گفت: «ما واقعا از درخواست وزارت بهداشت متعجب شدیم چرا که کاری که از ما خواسته شده است، در حوزه مهارت و تخصص ما نیست.»

کانون‌های حرفه‌ای روان‌درمانان، سکس‌شناسان و مددکاران اجتماعی اذعان کرده‌اند که نظر اعضای خود در این باره جويا نشده‌اند بلکه از مسئولان وزارت بهداشت کبک خواسته‌اند درباره دوره آموزشی، تدابیر و چارچوب‌هایی که برای تضمین امنیت و سلامت عمومی شهروندان مدنظر قرار داده‌اند، توضیحات بیشتری ارائه کنند.

دونی لوکلرک تاکید کرد: «اگر در خصوص نحوه سازماندهی واکسیناسیون که مسئولان وزارت بهداشت مدنظر قرار دارند، اطلاعات بیشتری داشته باشیم

دولت استانی کبک به منظور تهیه مقدمات و آماده کردن شرایط واکسیناسیون ساکنان استان در برابر آنفلوآنزا و تزریق احتمالی واکسن کرونا تلاش‌های خود را افزایش داده و برای تامین نیروهای مورد نیاز خود در این پویش از روان‌شناسان، سکس‌شناسان، روان‌درمان‌گران و حتی مددکاران اجتماعی دعوت به همکاری کرده است اما برخی متخصصان امر در خصوص این اقدام دولت کبک ابراز تردید و نگرانی کرده‌اند.

در سند رسمی وزارت بهداشت کبک که یک نسخه از آن به دست رادیو کانادا رسیده آمده است: «از متخصصان بهداشت روانی و روابط انسانی دعوت شده است در این شرایط اضطراری خاص به عنوان واکسیناتور به بخش بهداشت و درمان استان کمک کنند.»

همچنین در نامه‌ای که به امضای معاون وزیر بهداشت و خدمات درمانی کبک رسیده و برای مراکز ذیربط ارسال شده، آمده است: «وزارت بهداشت با توجه به شرایط و محدودیت‌های کنونی به منظور سازماندهی واکسیناسیون شهروندان در برابر آنفلوآنزا و احتمالاً کووید ۱۹ تلاش می‌کند یک بستر حرفه‌ای جدید ایجاد کند. این اقدام با توجه به وضعیت استثنایی ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ صورت می‌گیرد ضمن این که لازم است افراد علاقمند به شرکت در پویش واکسیناسیون استان، مطابق با شرایط و استانداردهای وزارت بهداشت یک دوره آموزشی را بگذرانند.»

وزارت بهداشت کبک با ارسال رایانامه‌ای به رادیو کانادا اعلام کرد برای استخدام نیروی مورد نیاز خود برای واکسیناسیون از ۲۱ کانون و اتحادیه صنفی که



متخصصان تغذیه و رژیم درمانی کبک OPDQ نیز اعلام کرد به تقاضای وزارت بهداشت کبک پاسخ داده و درخواست همکاری این وزارت خانه را با آن دسته از اعضای خود که در بخش خصوصی فعالیت می کنند و همچنین بازنشستگی که کمتر از هفتاد سال دارند، در میان گذاشته است.

پل برنیه تصریح کرد: «ما فراخوان همکاری وزارت بهداشت را به اطلاع هفتصد نفر از اعضای خود که شرایط شرکت در طرح واکسیناسیون استانی کبک را دارند، رسانده ایم اما در حال حاضر درباره شمار افرادی که مایل به مشارکت در این طرح هستند، هیچ نظری نداریم.»

خانم برنیه که کارش ارزیابی وضعیت تغذیه افراد است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با خیلی از بیماران نیز سر و کار دارد، می گوید متخصصان تغذیه و رژیم درمانی از ساختار و رابطه میان اندام های مختلف بدن اطلاعات خوبی دارند با این حال تردیدی نیست که باید در زمینه واکسیناسیون نیز آموزش های لازم را ببینند و به نظر من مشارکت در طرح واکسیناسیون وزارت بهداشت کبک برای آنها کار دشواری نخواهد بود.

وزارت بهداشت کبک از اعضای کانون حرفه های طب سوزنی استان OPPQ نیز برای پوشش واکسیناسیون دعوت به همکاری کرده است. مسئولان OPPQ اعلام کردند طبق یک نظرسنجی نزدیک به دویست تن از اعضای این کانون علاقمند به شرکت در طرح واکسیناسیون هستند.

انی دویوآ رئیس کانون حرفه های طب سوزنی کبک اعلام کرد کانون از تقاضای همکاری وزارت بهداشت استان به گرمی استقبال کرده و آمادگی خود را برای کمک به بخش بهداشت و درمان در طرح واکسیناسیون اعلام کرده است.

دولت کبک از برخی کانون های حرفه های دیگر استان نیز برای مشارکت در طرح واکسیناسیون انگلوانزا و احتمالاً کووید ۱۹ و همچنین غربالگری و تحقیقات مربوط به بیماری های همه گیر دعوت به همکاری کرده است.

منبع: وب سایت شبکه خبری رادیو کانادا

کانون حرفه های سکس شناسان کبک OPSQ بر این عقیده است که کمپین واکسیناسیون سراسری در استان باید در یک چارچوب سازمان یافته، با مشارکت رشته های مختلف و با حضور دیگر متخصصین و کارشناسان انجام شود.



می تواند نیروهای دیگر مشاغل را نیز برای استفاده در این طرح آموزش دهد.

### آماده بازگشت

فیزیوتراپیست ها و متخصصان تغذیه و رژیم درمانی که پیش از این نیز وزارت بهداشت کبک از آنها برای کمک به عملیات غربالگری کووید ۱۹ در استان دعوت به همکاری کرده بود، از دیگر مشاغلی هستند که وزارت بهداشت برای مشارکت در پوشش واکسیناسیون از آنها دعوت کرده است.

کانون حرفه های فیزیوتراپیست های کبک OPPQ در رایانامه ای تاکید کرد: «ما از درخواست همکاری وزارت بهداشت و امور اجتماعی کبک به گرمی استقبال می کنیم و هر زمان لازم باشد از کمک های خود به دولت دریغ نخواهیم کرد.»

کانون حرفه های فیزیوتراپیست های کبک تاکید کرد فعلاً منتظر هستیم تا مسئولان وزارت بهداشت استان درباره جنبه های مختلف طرح واکسیناسیون استانی به ویژه نحوه اجرای آن توضیحات لازم بدهند. اما برآوردهای ما حاکی از آن است که بین پانصد تا یک هزار تن از اعضای کانون فیزیوتراپیست های کبک به شرکت در طرح واکسیناسیون علاقمند هستند.

پل برنیه Paule Bernier رئیس کانون حرفه های

استان ارائه می کنند، تاکید کرده و هر گونه وقفه یا اختلال در ارائه این خدمات را جبران ناپذیر دانسته است.

### کانون پرستاران استان کبک در جریان این موضوع قرار نداشته است

لوک متیو Luc Mathieu رئیس کانون پرستاران استان کبک با تاکید بر این که واکسیناسیون اساساً کاری در حوزه مهارت و صلاحیت پرستاران است و همواره پرستاران در چنین پویشهایی نقشی تعیین کننده ایفا می کنند، از این که وزارت بهداشت کبک رویکرد خود را در زمینه واکسیناسیون با کانون پرستاران در میان نگذاشته است، ابراز ناخرسندی و تحیر کرد.

لوک متیو با آگاهی کامل از این موضوع که در این دوره از بحران همه گیری و با توجه به کمبود نیروی کار به ویژه در بخش بهداشت و درمان، استخدام نیروهای ماهر از اهمیت بالایی برخوردار است، یادآوری کرد که واکسینه کردن افراد باید از طریق تزریق ماهیچه ای صورت گیرد این در حالی است که پرسنل بخش بهداشت روان الزاماً آموزش های لازم را برای این کار ندیده اند و تجربه و مهارت لازم را برای کمک به وزارت بهداشت در پوشش واکسیناسیون استانی ندارند.

رئیس کانون پرستاران استان کبک تاکید کرد افرادی که قرار است در این پوشش مشارکت کنند باید آموزش های لازم را پشت سر بگذارند. با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، دوره آموزشی که وزارت بهداشت باید برای این افراد به اجرا گذارد، بدون شک بیست دقیقه ای، نیم ساعته یا یک ساعته نخواهد بود. لوک متیو با قبول این که اجرای چنین طرح آموزشی امکان پذیر است، بر ضرورت ایجاد یک چارچوب دقیق، امن و مطمئن تاکید کرد چرا که به گفته وی انبوهی از شرکت کنندگان شامل کمک پرستاران، درمانگران تنفسی و قابلها به طور نوبتی در این طرح آموزشی حضور خواهند داشت. در ادامه اگر وزارت بهداشت با کمک این پرسنل جدید توانست یک طرح کوتاه و برق آسای واکسیناسیون را با موفقیت به اجرا گذارد،



لوک متیو  
Luc Mathieu  
رئیس کانون  
پرستاران استان  
کبک OIIQ

بخش «خوانندگان» هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تاثیری ندارد.

بیژن جلالی

## اهمیت مبارزه با طرفداران جمهوری اسلامی در خارج از کشور

### نگاهی به نوشته آقای جعفر خدیر در باره مخالفان کنگره ایرانیان کانادا در هفته

در مجله هفته مونترال، شماره ۶۰۲ نوشته‌های تحت عنوان «هشدار به دوستان کارزار تغییر و بازسازی کنگره ایرانیان کانادا» از ابوجعفر خدیر به چاپ رسید. نویسندگان در نوشته کوتاه خود تاکید کرد که: «گیر دادن به آی.سی.سی یک حرکت راست ارتجاعی است!» قبل از هر چیز باید یادآوری کنم که هدف من در این مقاله کوتاه رسوایی شکست مفتضحانه هواداران و جیره‌خواران مونترالی رژیم جمهوری اسلامی ایران و افشای نظرات و سیاست‌های افراد و شخصیت‌هایی این چنینی در مباحثات طلبی و همسویی با رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و رژیم‌های امپریالیستی و هواداران آن‌ها است.

در اینجا نیاز می‌بینم اشاره کوتاهی کنم به این امر مهم که بعد از پایان جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم هیتلری و قدرت گیری امپریالیسم آمریکا انقلاب‌های خلق‌های جهان مخصوص در کشورهای همانند چین، ویتنام، کوبا آغاز شد و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در کشورهای مانند ایران، به رهبری دکتر مصدق؛ شیلی، به رهبری سالوادور آلنده؛ و در مصر، به رهبری جمال عبدالناصر در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی اوج گرفت. اما سرکوب‌ها، جنایات، کودتاها به سرنگونی دولت‌های برآمده از این جنبش‌ها منتهی شد. امپریالیسم آمریکا و سازمان جاسوسی سیا در همین راستا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سیاست خود را ادامه دادند که رخدادهای کشورهای بالکان (تجزیه یوگسلاوی) و در قرن بیستم جنگ‌های خانمان‌سوز در کشورهای افغانستان، عراق و سوریه محصول آن است و آنها را هرگز نباید فراموش کرد. بنابراین مبارزه راستین و حقیقی و خالصانه و انقلابی علیه امپریالیسم آمریکا و در حال حاضر علیه فاشیسم ترامپی و افشای سیاست‌های حزب دموکرات آمریکا و نماینده آن «جو بایدن» وظیفه نیروهای چپ انقلابی و نیروهای مترقی و آزادیخواه در سراسر جهان است.

اما چرا ضرورت مبارزه علیه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی، نهادهای انجمن‌ها و لابی‌های طرفدار این رژیم امری مبرم و حیاتی است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران که از دفاع بی‌چون‌وچرای همپالگی‌های توده‌ای آقای ابوجعفر خدیر برخوردار است از بدو پیدایش ننگین خود در ۴۲ سال پیش تا به امروز به‌جز فقر، فلاکت، بیکاری، اعتیاد، جنگ، شکنجه، تخریب محیط زیست، فحشا، جنایت علیه بشریت، قتل عمد سرنشینان هواپیما اوکراین، قتل عمد دولتی اعدام ورزشکار مبارز، نوید افکاری و جنایت‌هایی مشابه با آن دستاوردی دیگری برای مردم ایران نداشته است.

در خارج از کشور هم رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی با اتکا به عناصر جاسوس و سرکوبگرش طی تمام این سال‌ها نیروهای پیشرو سرنگونی طلب و تمامی شخصیت‌های آزادیخواه و مترقی را با ایجاد رعب و وحشت، ترور کرده است. رژیم اسلامی ایران، بین مخالفین خود همیشه سعی در سرکوب و کمرنگ نمودن مبارزات اپوزیسیون خارج از کشور نموده است. از دیگر سیاست‌های مهم رژیم ارتجاعی ایران در خارج از کشور، ایجاد نهادهای موازی و متقلبانه «شوراها، انجمن‌ها و نهادهای پشتیبانی و دفاع از حقوق همه با هم ایرانیان» است.

فعالین سیاسی در خارج از کشور به‌خوبی به یاد دارند که در سال‌های پیشین جمهوری اسلامی ایران در کانادا با استفاده از

لانه جاسوسی خود «سفارت» تا قبل از بسته شدن با استفاده از سیاست‌های پلیسی و ایجاد رعب و وحشت و تهدید در بین ایرانیان هرگز نتوانست جنبش و مبارزات نیروهای انقلابی ایرانی در شهرهای مختلف کانادا را سرکوب کند.

در سی سال اخیر جمهوری اسلامی خیل گسترده‌ای از مزدوران، جاسوسان و آدمکشان خود را راهی کشور کانادا نموده است. ایجاد مساجد و مراکز اسلامی، نهادهای دفاتر ثبت ازدواج و صیغه اسلامی، برگزاری مراسم مذهبی، ایجاد بنگاه‌های خیریه و مراکز توحیدی، ایجاد بنگاه‌های ارزی مالی، شرکت‌های مهاجرتی و پول‌شویی، ایجاد شرکت‌های کاذب هنری، موسسات کنسرت گذاری با همکاری وزارت ارشاد اسلامی ایران، ایجاد شرکت‌های ساختمانی و املاک، سرمایه‌گذاری در بازار سهام در کلان‌شهرهای کانادا، با استفاده از قدرت مالی سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی، بنیاد علوی، ایجاد بازار مواد مخدر در قاره آمریکا، ایجاد سایت‌های مجازی خبری، نفوذ در اتاق‌های گفت‌وگو در فضای مجازی (اینترنت) فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام تنها بخشی کوچکی از فعالیت‌های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در کانادا است.

در این میان یکی از نهادهای مدافع جمهوری اسلامی، کنگره ایرانیان کانادا (آی.سی.سی) است. این نهاد در سال ۲۰۰۷ در شهر تورنتو موجودیت خود را اعلام نمود، در سال‌های گذشته این نهاد چندین بار بین گرایش‌های گوناگون دست به دست شد، سرانجام به خاطر نداشتن سیاست‌های مشخص و تضادهای گوناگون سیاسی و مالی در بین هیئت‌مدیره این نهاد و با نفوذ عوامل جمهوری اسلامی در این نهاد در سه سال اخیر این جریان به یک نهاد طرفدار سیاست‌های جمهوری اسلامی تبدیل گردیده است.

در شهر مونترال هم در یک سال گذشته آی.سی.سی با کمک تبلیغاتی مجله هفته، و حمایت چندین شخصیت «حقوق بشر»، چندین بیزینس‌من و همچنین مهره‌های سوخته سیاسی که هر شش ماه یکبار در حال بیلاق و قشلاق به ایران اسلامی هستند، با ژست‌های سیاسی و چاپلوسی فرصت‌طلبانه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در مقابل جنایات رژیم جمهوری اسلامی سکوت کرده است و هرگز از عاملین و مسببان کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، و خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ مردم ایران نامی نبرده، به دستگیری و سرکوب رهبران جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، معلمین کشتار و اعدام زندانیان سیاسی، سقوط هواپیما اوکراین، جنایات و سیاست‌های غلط و خانمان‌سوز در مقابله با ویروس کووید-۱۹ و قتل عمد سازمان‌یافته دولتی اخیر، زنده‌یاد نوید افکاری، توسط فاشیسم جمهوری اسلامی این «کنگره ایرانیان» هرگز هیچ‌گونه اعتراضی نکرده است.

اما لابی‌گران فرصت‌طلب و خجالتی این کنگره (آی.سی.سی) در مونترال، از جمله ابوجعفر خدیر «مبارز حزب توده‌ای» که داعیه مبارزه دروغین ضد امپریالیستی را یدک می‌کشد، این را به خاطر داشته باشند که بجای پند و اندرز و نصیحت‌های دوستانه که «میهمان ما در خطر است و دشمنان در کمین نشسته‌اند» وقتی جمهوری اسلامی بخش‌های وسیعی از آب‌های سرزمینی ایران را دو دستی به امپریالیست روسیه بخشید، چرا مسرور بودند و سکوت مرگبار اختیار کرده بودند؟

حالا چه شده که این لابی‌گران کنگره ایرانیان (آی.سی.سی) که می‌کوشد جای پای خالی سفارت جمهوری جهل و جنایت اسلامی ایران را پر کند را مستمسک فعالیت‌های مثلاً سیاسی خود قرار داده اند؟ اما آقای جعفر خدیر که بیزینس را به سیاست ترجیح می‌دهد، متوجه این امر و فاکتور تاریخی هرگز نخواهد شد که مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا جدا از مبارزه با ارتجاع داخلی جمهوری اسلامی نیست.

هر مبارزه واقعی علیه امپریالیسم، باید در راستای مبارزه علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی باشد. بدون پیشبرد این امر مبارزاتی هیچ‌گونه مبارزه علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم جهانی حقیقی نخواهد بود و امری دروغین و عوام‌فریبانه است. نکته دیگر در نوشته جعفر خدیر در مجله هفته وجود دارد که هم خنده‌دار و تعجب‌آور است و هم بی‌ربط. به نظر می‌آید به خاطر اینکه ایشان خود را «تحلیل‌گر» نشان دهد تجربه اختلافات و انشعابات ایدئولوژیک بین سازمان‌های سیاسی (سازمان پیکار و سازمان مجاهدین خلق) در زمان پهلوی را به شرایط کنونی سیاسی کنگره ایرانیان در کانادا ربط می‌دهد! این به‌خوبی نشان می‌دهد که این فرد هرگز درک درستی از چرایی اختلافات، جدایی و انشعاب در سازمان و احزاب سیاسی ندارد.

تجربه تاریخی به‌خوبی نشان داده است که این انشعابات و دگرگونی‌ها (انقلابی یا ضدانقلابی، علمی یا غیرعلمی) در بطن یک مبارزه طبقاتی و ایدئولوژی طولانی و در یک شرایط عینی و ذهنی سخت و تضادهای درونی برنخیزد در یک حزب و سازمان به وجود می‌آید. بنابراین تجربیات و اختلافات سازمان‌های سیاسی را وارونه جلوه دادن و مقایسه آن با تلاش برای افشای درباره کنگره ایرانیان (آی.سی.سی) امری نادرست و عوام‌فریبانه و گرافه‌گویی بیش نیست.

ابوجعفر خدیر، در مواقعی که منافعی در خطر است از لایمر سیاسی می‌گیرد. ایشان به همراه دوستانشان، زمانی که به لانه جاسوسی جمهوری اسلامی برای رای دادن در انتخابات فرمایشی در سال ۱۳۸۸ تشریف‌فرما شده بودند، انقلابیون مبارز روبروی «سفارتخانه» جمهوری اسلامی در اوتاوا در حال تظاهرات علیه رژیم اسلامی بودند. آن‌ها با بی‌شرمی تمام، بعد از رای دادن به «رئیس جمهور جمهوری اسلامی» عرض خیابان را طی کرده و به‌سوی ما آمدند و به ما پوزخند زدند. دو روز بعد که گند انتخابات فرمایشی بالا زد، با فرصت‌طلبی خود را «اپوزیسیون» جمهوری اسلامی جا زدند.

حال، شما ابوجعفر خدیرها این سخن را به خاطر داشته باشید که مبارزات بی‌انقطاع و پیگیر مردم ایران شامل کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان، پرستاران، طرفداران محیط‌زیست و ... در این برهه زمانی با شفافیت و صراحت، نشان‌دهنده این امر است که کلیت رژیم فاشیستی ارتجاعی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته - به‌زودی با نیروی توفنده مردمان قهرمان ایران - به زباله‌دانی تاریخ سپرده خواهند شد.

به امید پیروزی مبارزات قهرمانانه مردم ایران، علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و ارتجاع امپریالیسم جهانی و تمامی عوامل آشکار و پنهان آن در سراسر گیتی

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۰ برابر با ۳ مهر ۱۳۹۹



**نیوشا ریاحی**  
Niousha Riahi

**وکیل رسمی دادگستری کبک**

**Riahi Legal**

- حقوق تجاری در کانادا
- حقوق خانواده در کبک
- طرح دعاوی و دفاع در دادگاه‌های کبک
- مهاجرت به کانادا

آدرس: در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک‌گیل  
2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700  
Montréal (Québec) H3A 2A6

514-953-3570  
00982122019631 دفتر تهران  
00989912535922 riahi@riahilegal.com riahilegal.com

**امیر ندیمی**  
مشاور بیمه  
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial insurance  
Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)  
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc

514 - 600 - 2338  
www.AmirNadimi.com  
AssurancesNadimi  
1955 Ch. de la Cote-de-Liesse,  
suite 201  
Sian-L-Laurent, QC, H4N 3A8

**EXPERTFX**

**Bureau de Change  
Currency Exchange**



**ارائه خدمات ارزی:**

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6  
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

**(514) 844 - 4492**

**Ben Reno**  
**تعمیرات و نوسازی ساختمان**  
مسکونی و تجاری



- نقاشی
- تکمیل زیرزمین
- نصب در و پنجره
- نصب کفپوش و پارکت
- تعمیرات و نوسازی حمام
- نرده چوبی و بالکن (Deck)
- کاشی کاری و سنگ کاری
- ساخت و نصب انواع دکوراسیون
- ترمیم و تعویض دیوارهای داخلی
- ساخت و نصب کابینت و تجهیزات آشپزخانه

**RBQ License & Carpentry License**

**(514) 441 4295** facebook: Ben Reno  
benrenovation4295@gmail.com



## ویژه‌نامه ریچارد ویگامیز

نوشته: جولز لوئیس (Jules Lewis)  
برگردان: گروه ادبیات هفته  
ویرایش: عباس محرابیان



## ریچارد ویگامیز به روایت جولز لوئیس

### سرآغاز

ریچارد ویگامیز (Richard Wagamese)، داستان‌نویس، روزنامه‌نگار و از بومیان آنیشینابا (آجیبوه) (Anishinaabe Ojibwe) است. او ۴ اکتبر ۱۹۵۵ در میناکی (Minaki) در شمال اونتاریو به دنیا آمد و ۱۰ مارس ۲۰۱۷ درگذشت.

این نویسنده مشهور، که از بومیان کاناداست، جوایز متعددی را از آن خود کرده است، از جمله نشان شورای هنر کانادا یا جایزه مولسون (Molson prize) در سال ۲۰۱۳ و جایزه مت کوهن (Matt Cohen award) در سال ۲۰۱۵. او درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی معاصر و تأثیرگذار بر جوامع بومی کانادا، و هویت و فرهنگ بومیان می‌نویسد. آثار او نه تنها در میان کتابخوانان محبوب است بلکه به بسیاری از مردم بومی و غیربومی و نویسندگان الهام بخشیده است.

### مراحل نخست زندگی و سال‌های جوانی

خانواده ویگامیز به سبک سنتی مردم اوجیبوه (ماهیکیری، شکار و صید) زندگی می‌کردند. اولین خانه ریچارد، آن‌طور که در مقاله «مسیر بهبودی» (The Path to Healing) تصویر می‌کند، یک چادر ارتشی بود که از شاخه صنوبری آویزان شده بود. او به‌عنوان یک کودک نوپا با پدر و مادر، خواهر و برادر، مادربزرگ مادری و بستگانش در آن تنگنا زندگی می‌کرد.

وقتی تقریباً سه‌ساله بود، پدر و مادرش او و سه خواهر و برادرش را برای چند روز در یک اردوگاه تنها گذاشتند در حالی خودشان در شهری در فاصله ۹۶ کیلومتری مشغول باده‌گساری بودند. کودکان بی‌نوا علی‌رغم سرما و گرسنگی موفق شدند از یک خلیج یخ‌زده عبور کنند و در شهر کوچک ریلی میناکی پناه بگیرند: جایی که یک مأمور پلیس استانی آن‌ها را پیدا کرد و به انجمن کمک به کودکان رهاشده سپرد.

پدر و مادر ریچارد خودشان نیز در سنین جوانی از خانواده طرد شده بودند. آن‌ها بازمانده سیستم مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا بودند که بیش از ۱۵۰ هزار کودک بومی را از خانواده‌شان جدا کرد. نوشته‌های ریچارد درباره والدینش پر از بخشش هستند و او بی‌مهری آنان به خود را به حساب رنجی که در مدارس شبانه‌روزی کشیده بودند گذاشت. او این رنج را یکی از بن‌مایه‌ها و موضوعی تکرارشونده در مجموعه‌کارهای خود قرار داد.

او در آثار داستانی و غیرداستانی خود به‌طور گسترده درباره دشواری‌های عمیقی که بزرگ‌شدن در خانه‌های پرورشگاهی به همراه داشت نوشت: «ضرب و شتم و انضباط نظامی در کار بود که باعث ترس من می‌شد. و هم‌زمان حس رهاشدگی و مغفول بودن می‌کردم. یک احساس مالیخولیایی وجود داشتم که سال‌ها آن را تحمل کردم، ملغمه پیچیده‌ای که از توضیح دادنش ناتوان بودم.»

او از یک‌خانه پرورشگاهی به خانه‌ای دیگر در اطراف واکناف انتاریو منتقل می‌شد و معمولاً تنها بچه بومی مدرسی بود که بدان‌ها فرستاده می‌شد. او یک غریبه دائمی بود.

در شانزده‌سالگی، تحصیلات متوسطه را رها کرده بود و در خیابان‌ها یا پیش دوستانش زندگی می‌کرد و برای زنده ماندن هر کاری انجام می‌داد. در همین زمان مطالعات ادبی خود را آغاز کرد. در مقاله «آن‌سوی صفحه» (Beyond the Page) می‌نویسد: «در اواخر دهه دوم و اوایل دهه سوم زندگی، عملاً در کتابخانه‌ها زندگی می‌کردم.» وی ضمن ابراز افتخار از اعتماد نویسندگان که منجر به دریافت جایزه مت کوهن کانادا در سال ۲۰۱۵ برای او شد، گفت که مطالعاتش در دوران جوانی بود که او را نویسنده کرد: «تنها بین جلد‌های یک کتاب گشوده بود که فضای بازی می‌دیدم و از آن بهره جستیم.» او افزود: «او خواندم و خواندم، و آن‌قدر خواندم تا یاد گرفتم جمله خوب چطور جمله‌ای است و یک پاراگراف قوی چگونه ساخته می‌شود و

چطور قوس روایی و کشش مناسب در طول یک داستان طولانی حمل و حفظ می‌شود.» متأسفانه، ویگامیز مجبور بود سال‌ها به زندگی در خیابان ادامه دهد و با الکل، مواد مخدر و اختلال استرس پس از سانحه (ناشی از آزارهایی که در جوانی دیده بود) درگیر باشد. او حتی مدتی را در زندان گذراند و سپس در شهرهای مختلفی در کانادا زندگی کرد و در مشاغل بی‌شماری کار کرد.

### هنر نویسندگی

ویگامیز اولین مطالبش را در سال ۱۹۷۹ برای یک روزنامه بومی در رجینا نوشت و در ادامه به یک ستون‌نویس محبوب در امور بومیان برای روزنامه Calgary Herald تبدیل شد و به‌عنوان اولین نویسنده بومی برنده جایزه ملی مطبوعات در ستون‌نویسی شد. اولین رمان او با نام کپیور و من (The Keeper'n Me) در سال ۱۹۹۴ منتشر و برنده جایزه بهترین رمان انجمن نویسندگان آلبرتا شد. این آغازی برجسته و پربار بود. او سپس هشت رمان دیگر، یک مجموعه شعر و پنج اثر غیرداستانی، از جمله چندین گلچین ادبی از کارهایش را منتشر کرد.

مهم‌ترین اثرش، رمان درگیرساز و تلخ و طناز «اسب بومی» (Indian Horse)، در مورد دانش‌آموز یکی از مدارس شبانه‌روزی بومیان کاناداست که استعداد خارق‌العاده‌ای در هاکی روی یخ (ورزش ملی کانادایی‌ها) دارد. این اثر در ۲۰۱۴ نامزد نهایی رقابت «کانادا می‌خواند» (Canada reads) بود و در سال ۲۰۱۷ نیز دست‌مایه یک فیلم اقتباسی قرار گرفت.

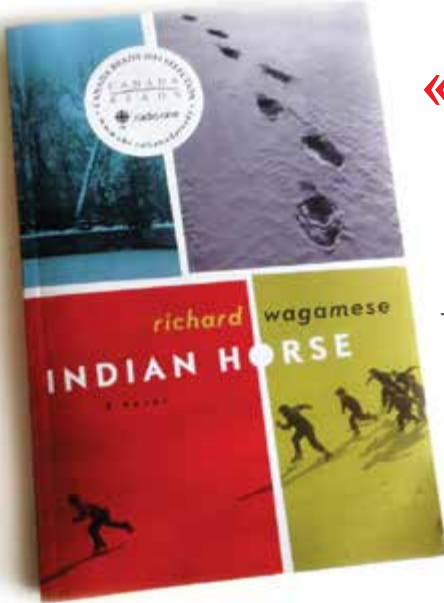
ویگامیز در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۴ گفت: «مردم هرگز از من نمی‌پرسند که من برای نویسندگی از کجا الهام می‌گیرم و ای کاش می‌پرسیدند. پاسخم طولانی و پیچیده است اما انگیزه‌ام را برای نوشتن و خلق داستان نشان می‌دهد. به زبان ساده و به‌طور خلاصه، من الهام خود را از این حقیقت می‌گیرم که دریافته‌ام شخصی در دنیا هست که دقیقاً مثل من است: کنج‌کاو و خواهان شناخت بیشتر و بیشتر جهان و مردمش. من می‌نویسم تا وقتی امثال او یکی از کتاب‌های من را برمی‌دارند، ارتباطی فوری و قوی ایجاد شود؛ تو گویی داریم با هم یک داستان می‌نویسیم.»

منبع: این متن از وبگاه [thecanadianencyclopedia.ca](http://thecanadianencyclopedia.ca) ترجمه شده است.

برگردان: شکبیا شریف‌پور

ویژه‌نامه ریچارد ویگامیز

## برش‌هایی از رمان «اسب بومیان» نوشته ریچارد ویگامیز



فرشید سادات‌شریفی، گروه ادبیات هفته: رمان اسب بومیان (Indian Horse)، منتقدان را بر آن داشت که ریچارد ویگامیز استاد داستان‌نویسی کوتاه است. این کتاب که جزو لیست نهایی رقابت‌کنندگان در «کانادا می‌خواند» ۲۰۱۳ بود، تاکنون برای خوانندگان فارسی‌زبان کمتر شناخته شده و این بهترین فرصت است تا در ویژه‌نامه‌ای که مرتبط با مدارس شبانه‌روزی بومیان در کانادا (Residential Schools) است، ترجمه دو بخش (یکی از آغاز رمان و دیگری از میانه آن که محبوب‌ترین بخش از نظر نویسنده نیز هست) را تقدیم کنیم تا خوانندگان ادب‌دوست هفته این اثر مهم و مرتبط با این مدارس را بهتر بشناسند. این دو بخش به همت و با ترجمه روان و وفادار به متن شکبیا شریف‌پور (مترجم و دانشجوی مطالعات ترجمه دانشگاه یورک در تورنتو) آماده شده است که از ایشان ممیمانه سپاسگزاریم.

من ناپدیدشده بود. وقتی که شش‌ساله بود. «ژائوناگوش‌ها از آن سوی آب آمدند». این را مادر بزرگم وقتی لای بوته‌ها پنهان شده بودیم، برای من و بنجامین تعریف کرد. «آخرهای اوت بود و از اردوگاه تابستانی نزدیک دریاچه وان‌من برمی‌گشتیم سمت رودخانه. قایق‌ها مان پر از توت بود. تصمیم داشتیم برویم میناکی و آن‌ها را بفروشیم و لوازم زمستانمان را بخریم. خسته بودیم. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم سپیده‌دم از راه برسند. من، همیشه فکر می‌کردم ژائوناگوش‌ها مثل خرس‌های پیر چاق می‌خوابند. اما آمدند به اردوگاه ما و من قبایم را روی بنجامین که هنوز کوچک بود، کشیدم و از چشم آن‌ها قایم‌ش کردم. اما راشل را پیدا کردند و با قایقشان بردند. روی تخته‌سنگ‌ها ایستادم و نگاهشان کردم. آن‌ها، قایقی داشتند که موتور داشت و وقتی پیچ رودخانه را گرد کردند و رفتند، فکر کردم چقدر چیزها سریع و ناگهانی از پیش چشم‌هامان ناپدید می‌شوند. جیغ و فریادش مثل دود برخاسته از آتشی سبزه در هوا معلق بود. اما حتی همان هم ناپدید شد و تمام آنچه باقی ماند رد آن قایق بود که روی تخته‌سنگ‌ها می‌کوبید به پاهایم. تمام چیزی که یادم هست، همین است. آن ضربه‌های خیس روی تخته‌سنگ‌ها. هربار که صدایش را می‌شنوم، آن سپیده‌دم را به یاد می‌آورم که آن مردهای سفید آمدند و راشل را از ما دزدیدند.» برای همین بود که از مردهای سفید قایم می‌شدیم. گوش‌های من و بنجامین مثل مردم بوته‌زار تیز شده بود. به‌محض اینکه صدای وزوز موتوری به گوشمان

که آن سوی اردوگاه‌های ما می‌پلکیدند. اگر یک وقتی نشانه‌ای از نزدیک شدن غریبه‌ای در کار بود، مادر بزرگمان من و برادرم بنجامین را می‌فرستاد لای بوته‌ها. آنجا می‌ماندیم تا غریبه دور می‌شد، حتی اگر یکی دو روزی طول می‌کشید. هول‌وهراسی در اردوگاه ما بود. می‌توانستیم سایه این وجود تیره را در خطوط چهره مادرم ببینیم. گاهی نزدیک آتش چمباتمه می‌زد، مشت‌هایش را در هم قفل و از هم باز می‌کرد، چشم‌هایش دو ماه تیره در روشنایی آتش بود. این جور وقت‌ها هرگز چیزی نمی‌گفت، هرگز نمی‌شد آرامش کرد. دلم می‌خواست بروم و دست‌هایش را بگیرم، اما متوجه حضورم نمی‌شد. انگاری که دارویی بسیار قوی رویش اثری گذاشته بود که هیچ حکیمی از پشش بر نمی‌آمد. آن هول‌وهراس درون بزرگ‌ترهای دیگر هم زنده بود، پدرم و عمه و عمویم. اما عمیق‌ترین حضورش در مادرم بود.

«مدرسه» را زیر لب می‌گفت. «مدرسه».

آنچه ناثومی ما را از آن پنهان می‌کرد، مدرسه بود. مدرسه بود که مادرم را آن‌قدر به درون خودش فروبرده بود که گاهی دیگر در جهان بیرون وجود نداشت. ناثومی بزرگ‌ترهای اردوگاه را دیده بود که مثل بچه‌ها برده بودندشان. دیده بود که با بار اندوهای دسترسی‌ناپذیر بر دوش برگشته بودند و وقتی پدر بزرگم مرده بود، مادر بزرگ خانواده را برگردانده بود به سرزمینمان، به امید اینکه شاید زندگی اجیبوه‌ای درمانشان کند، از دردشان بکاهد. به‌جز بردارم، خواهری داشتم که هیچ‌وقت ندیدمش. نامش راشل بود و یک سال پیش از تولد



### نمونه نخست

تمام بومیانی که می‌شناختم در زمستان ۱۹۶۱ مردند، وقتی که هشت‌ساله بودم. مادر بزرگم، ناثومی، خیلی پیر بود. گیس سفید گروه کوچکی بود که من در آن زاده شده بودم. آن زمان هنوز در بوته‌زارها زندگی می‌کردیم. ارتباط چندانی با دیگران نداشتیم، مگر با ژائوناگوش (آدم‌سفید) مغازه شمالی در میناکی، جایی که پوست شکارها و توت‌هامان را می‌بردیم، یا آن گروه بومی‌های آواره

زبان انگلیسی را هم‌زمان با زبان اجیبوه یاد گرفتیم. پدرم به من یاد داد کتاب‌های ژائوناگوش‌ها را بخوانم، با سر انگشتانش یادم داد صداهای حروف را دریاورم. سخت بود، کلمه‌های آن مردهای سفید، تیز و برنده بود روی زبانم. ناوومی پیر سرسختانه مخالفت می‌کرد، می‌کوشید کتاب‌ها را در آتش بیندازد. می‌گفت: «از راه‌های متفاوتی می‌آیند، آن‌ها، ژائوناگوش‌ها. حرف‌ها و قصه‌هایشان هم به‌سرعت قایق‌هایشان می‌دزدند و می‌برندت.»

پای تخته‌های دور زمین. وقتی که میدان از برف پاکیزه می‌شد، می‌رفتم سروقت کناره‌های زمین و کپه‌های برف را می‌ریختم آن‌ور تخته‌ها. آن نفس‌نفس‌زدن‌ها و آن ابرک‌های مه‌گونی را که دور سرم می‌چرخیدند، خیلی دوست می‌داشتم. عرق می‌کردم. وقتی کارم تمام می‌شد، به تخته‌ها تکیه می‌دادم و حاصل دست‌رنجم را امتحان می‌کردم، آن صفحه نرم خاکستری از یخ را در تاریک‌روشنای دم صبح و رؤیای آن بازی که در آن یخبندان روی آن در جریان بود.

هر روز صبح توی آن میدان یخ بودم. حتی روزهایی که بارش برف سریع‌تر از آن بود که بتوانم پارویش کنم. اوایل، به همین که جایی نزدیک بازی بودم، دلم خوش بود. اما بعدتر شروع کردم به پنهان کردن یک چوب هاک لای برف کنار تخته‌ها. وقتی مطمئن می‌شدم که کسی آن دوروبر نیست، از زیر برف بیرونش می‌کشیدم و دنبال یک‌مشت پشگل اسب یخ‌زده که چال کرده بودم کنار در، می‌دویدم توی طولیله، می‌آوردمشان توی میدان یخ و می‌ریختمشان یک سر زمین. چوب را برمی‌داشتم و یکی از پشگل‌ها را با ضرب‌های از تل می‌لغزاندم بیرون و تمرین می‌کردم، راندن توپ به عقب و جلو را. دست‌گرفتن چوب را. همان‌طور که در شب‌های هاک کانادا دیده بودم بازیکنان چوب دست می‌گرفتند. با دقت تکانش می‌دادم که پشگل را نشکنم. می‌خواستم ضربه‌هایم نرم شوند، در حرکت مارپیچی مثل ژان بلیوو ماهر شوم، که روی یخ سر بخورم و توپ هاک‌ی به لبه چوب تاب بخورد انگاری که با نخی نامرئی به آن بند باشد. اطمینان حاصل می‌کردم که چوبم در تماس با یخ سروصدایی نکند، مبدا کسی می‌فهمید آنجا هستم. وقتی پشگل اول بالاخره از هم می‌پاشید، یکی دیگر برمی‌داشتم و با توپ تازه‌ام دوباره می‌رفتم توی زمین یخی. پاهایم را طوری حرکت می‌دادم انگاری که اسکی می‌کردم، پشگل را از این‌سو به آن‌سو سر می‌دادم، و گستره حرکت دست‌هایم را هر بار وسیع‌تر می‌کردم.

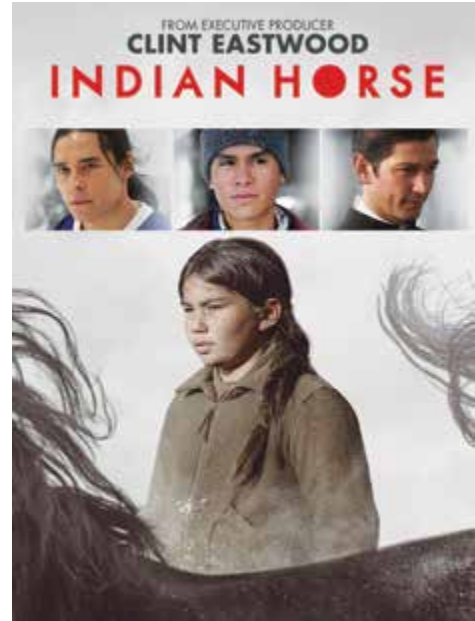
جوری پیش می‌رفتم که وقتی می‌رسیدم به تخته‌های آخر زمین، از بین پاهام سرش می‌دادم و چرخ می‌زدم و آرام با میانه‌های لبه چوب نگاهش می‌داشتم و دوباره راه می‌افتادم سمت آن‌سر زمین. وقتی تمام پشگل‌ها می‌شکست، با ضربه‌های مچ‌دستی آرام می‌پراندمشان آن‌طرف تخته‌های کنار زمین، همان‌جور که از دیو بلون بازیکن «نیویورک رنجرز» دیده بودم. بعد چوب هاک‌ام را در برف پنهان می‌کردم، با پارو رد تمرینم را تمیز می‌کردم و راه می‌افتادم سمت ساختمان برای صبحانه و درس‌ومشق.

شب، توی خوابگاه، تمام پسرها که خواب بودند، از تخت بیرون می‌آمدند و در راهروی بین ردیف تخت‌های تاشو، آنجا که مهتاب کف‌پوش را شبیه یخ می‌کرد، می‌ایستادم و ادای حرکت‌دادن چوب هاک‌ی را با دست‌هایم درمی‌آوردم. خودم را می‌دیدم که مثل برق از خط آبی می‌گذرم و با چیره‌دستی با لبه چوب هاک‌ی توپ را پناه می‌دهم. آخرین بازیکن دفاع را دور می‌زنم و با سرعت به سمت دروازه‌بان می‌روم که یواش‌یواش دارد برمی‌گردد سمت دروازه‌اش.

اسکی که می‌کردم، وزنم را از این‌پا روی آن‌پا می‌انداختم. می‌رقصیدم، می‌جنبیدم، جاخالی می‌دادم، و توپ همچنان در آغوش چوب من لمیده بود. فاصله میان من و دروازه‌بان آب می‌رفت. به ده پای او که می‌رسیدم، توپ را می‌کشیدم پشت پای راستم. بعد وزنم را روبه‌جلو می‌انداختم روی پای چپم و می‌گذاشتم تکانه چوب و توپ را به جلو براند. زمان انتقال سرعت که می‌رسید، با شکست مچ‌ها توپ را به نقطه‌ای نامعلوم در گوشه راست و بالای دروازه پرتاب می‌کردم، و تور پشت سر دروازه‌بان بی‌نوا ورم می‌کرد. طبیعتاً نیروی ضربه‌ام مرا روی یک زانو می‌نشانند. دست‌هایم را در روشنایی خاموش خوابگاه بالا می‌بردم. دهانم از شعف بازمی‌ماند و رو به تصویر مسیح می‌بودم که به دیوار آویخته بود. در عوض رستگاری من با چوب و چکمه و یخ میسر می‌شد و رؤیای بازی هاک‌ی. آنجا می‌ایستادم، دست‌ها به نشان پیروزی برافراشته، و احساس تنهایی یا ترس، ترک‌شدگی یا رهاشدگی بازی هاک‌ی.

آنجا می‌ایستادم، دست‌ها به نشان پیروزی برافراشته، و احساس تنهایی یا ترس، ترک‌شدگی یا رهاشدگی، نمی‌کردم و به چیزی بسیار بزرگ‌تر از خودم متصل می‌بودم. بعد برمی‌گشتم به تختم و می‌خوابیدم، تا وقتی که تیغ‌کشیدن آفتاب از خواب بیدارم می‌کرد و می‌توانستم باز برگردم به آن میدان یخی.

می‌رسید، می‌دانستیم که باید بدویم. دست‌های پیرزن را می‌گرفتیم و می‌خزیدیم لای درخت‌ها و جایی مخفی می‌شدیم، تا زمانی که خیالمان راحت می‌شد خطری تهدیدمان نمی‌کند.



### نمونه دوم

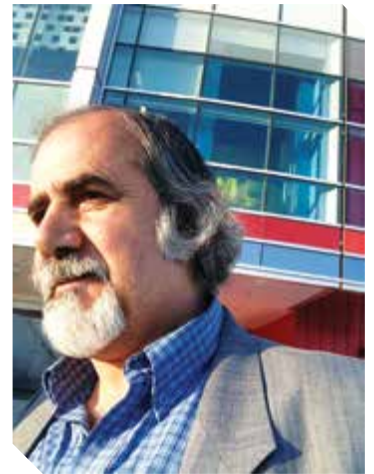
تمیز کردن میدان یخ انگاری وظیفه روزانه‌ام شده بود و قبل از هرکسی توی مدرسه از خواب بیدار می‌شدم تا انجامش دهم. قبل از راه‌ها، قبل از کشیش، قبل از اینکه حتی آشپزها به آشپزخانه برسند تا هلیم جو و نان تست خشکمان را آماده کنند که صبحانه هرروزمان بود. به ساعت زنگ‌دار نیازی نداشتم. فقط بیدار می‌شدم و در تاریکی با دقت لباس به تن می‌کردم و جوراب به‌پا از پله‌ها پایین می‌خزیدم تا در پشتی، جایی که چکمه‌های لاستیکی نام‌کم را می‌گذاشتم. یک جفت جوراب پشمی اضافه پا می‌کردم، همان‌ها که پدر لوبوتلیه برایم جور کرده بود، بعد با تقلا کت زمستانی و شال‌گردن و دستکش‌هایم را می‌پوشیدم و می‌زدم بیرون روی پله‌های پشت ساختمان. سرمای آن صبح‌ها همیشه مثل تیغی تیز به ریه‌هایم فرومی‌رفت.

هوا آن قدر سرد و خالص بود که نفس‌کشیدن سخت می‌شد و مجبور می‌شدم یکی دو بار ریه‌هایم را پر و خالی کنم و چند بار پا به زمین بکوبم تا خون در تنم به جریان بیفتد و بعد آرام دور مدرسه به راه می‌افتادم و می‌رفتم آن طرف طولیله، آنجا که میدان یخی قرار داشت. جهان ارغوانی بود، با باریکه‌هایی کم یا زیاد از نور ماه که کمک می‌کرد بینم. پارویم را از آنجا که زیر برف پنهانش کرده بودم، برمی‌داشتم و دست‌به‌کار می‌شدم. از یک سر شروع می‌کردم و برف را هل می‌دادم تا

شما می‌توانید این میحث و نیز معرفی این نویسنده را

در سومین پادکست «چکاوک هفته» (نشر در ۱ اکتبر ۲۰۲۰) بشنوید.





# «اعتراف»، سروده‌ای از خالد بایزیدی

## به کردی و فارسی

### اعتراف

### «تبعتراف»

دلم گرفته	یا کودکان فلسطین. افغانستان. عراق. آفریقا	دلم گیراوه	که هر چه گندم است	که ده ری چیه گه نمه ده بریزینه ناوده می؟! سه دان ساله ده ستان به خوبی روله هه ژاران خویناوییه منالیک له هه رگوشه دونیا که ده کوژری منالیک له هه رگوشه دونیا که برسان ده مری گه لا له یه کی له میژینه یه له سه رسه لیبی ژه نگاوی ئیمه که سه دان ساله له دارشتنیداین ئیسناش ده بی چاوه روان بین که ئه م منالانه که ئه م برسینانه به هه لپه رکی وپیکه نینه وه به خوشی وخورازینینه وه بوتیروورستان چه پله لیبده ن به لام نیگی توره بی باوکم ئیزنم پی ناده که بیدرکینم بابه...! ئیمه تاوانبارین ئیمه گوناهاکارین
می‌خواهم به وسعت آسمان بهاری بگیریم اما زلف طلایی‌ام چشمان آبی‌ام دیواری‌اند برابر چشمان دریایی‌ام می‌ترسم پدرم بگوید: دخترم... چرا؟ مگر آسیایی‌اید... می‌خواهم دل به دریا بزنم و بگویم: نه...! نه...! آمریکائیم... اما قبل از هر چیز انسانم پدر!.. انسان‌ها همه‌شان فرشته نیستند ما نیز فرشته نیستیم صدها سال است دست‌هایتان به خون کودکان فلسطین. افغانستان. عراق. آفریقا. خون آلود است از گرسنگی می‌میرند آرزوهای نورشان را سر خواهیم برید پدر!.. ما خطاکاریم قسمت آنان را به دریا می‌اندازیم مگر چشمان دریا زیباتر... زال تراست مگر دریا گرسنه‌تر است	دلم گرفته می‌خواهم به وسعت آسمان بهاری بگیریم اما زلف طلایی‌ام چشمان آبی‌ام دیواری‌اند برابر چشمان دریایی‌ام می‌ترسم پدرم بگوید: دخترم... چرا؟ مگر آسیایی‌اید... می‌خواهم دل به دریا بزنم و بگویم: نه...! نه...! آمریکائیم... اما قبل از هر چیز انسانم پدر!.. انسان‌ها همه‌شان فرشته نیستند ما نیز فرشته نیستیم صدها سال است دست‌هایتان به خون کودکان فلسطین. افغانستان. عراق. آفریقا. خون آلود است از گرسنگی می‌میرند آرزوهای نورشان را سر خواهیم برید پدر!.. ما خطاکاریم قسمت آنان را به دریا می‌اندازیم مگر چشمان دریا زیباتر... زال تراست مگر دریا گرسنه‌تر است	دلم گرفته می‌خواهم به وسعت آسمان بهاری بگیریم اما زلف طلایی‌ام چشمان آبی‌ام دیواری‌اند برابر چشمان دریایی‌ام می‌ترسم پدرم بگوید: دخترم... چرا؟ مگر آسیایی‌اید... می‌خواهم دل به دریا بزنم و بگویم: نه...! نه...! آمریکائیم... اما قبل از هر چیز انسانم پدر!.. انسان‌ها همه‌شان فرشته نیستند ما نیز فرشته نیستیم صدها سال است دست‌هایتان به خون کودکان فلسطین. افغانستان. عراق. آفریقا. خون آلود است از گرسنگی می‌میرند آرزوهای نورشان را سر خواهیم برید پدر!.. ما خطاکاریم قسمت آنان را به دریا می‌اندازیم مگر چشمان دریا زیباتر... زال تراست مگر دریا گرسنه‌تر است	دلم گرفته می‌خواهم به وسعت آسمان بهاری بگیریم اما زلف طلایی‌ام چشمان آبی‌ام دیواری‌اند برابر چشمان دریایی‌ام می‌ترسم پدرم بگوید: دخترم... چرا؟ مگر آسیایی‌اید... می‌خواهم دل به دریا بزنم و بگویم: نه...! نه...! آمریکائیم... اما قبل از هر چیز انسانم پدر!.. انسان‌ها همه‌شان فرشته نیستند ما نیز فرشته نیستیم صدها سال است دست‌هایتان به خون کودکان فلسطین. افغانستان. عراق. آفریقا. خون آلود است از گرسنگی می‌میرند آرزوهای نورشان را سر خواهیم برید پدر!.. ما خطاکاریم قسمت آنان را به دریا می‌اندازیم مگر چشمان دریا زیباتر... زال تراست مگر دریا گرسنه‌تر است	

# ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص  
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس



**Iraj Mohammadi**  
(514-625-6292)  
CPA Candidate

**Mojdeh Miri**  
(514-562-3493)  
CPA Candidate



360-3285 Cavendish Blvd.  
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>  
[info@elanaccounting.ca](mailto:info@elanaccounting.ca)

# Embrasse-Moi!

«مرا ببوس! بگذار جهان شعر تازه‌ای بخواند»

اثر رضا کاظمی

در مونترال منتشر شد

Traduction française par: François Gojat et Leila Montazeri

Maison d'édition: pomegranatepublication







## نگاهی به کتاب

# بالا بلندتر از هر بلند بالایی اثر «جی.دی. سلینجر»

یکی از این نشانه‌ها کودک است. کودک نقش مهمی در داستان‌های او ایفا می‌کند. کودک نشانه‌ای است که به منزله روزنه‌ای از امید در داستان‌های او مطرح می‌گردد. موجودات پاکی که وجود آن‌ها ممکن است به شخصیت‌های سر در گم و مضطرب داستان‌های او آرامش ببخشند و یا حتی موجب نجات آن‌ها از ورطه‌ی خطر شود. کودکان واسطه‌ی زندگی لعنتی و زندگی خوب هستند. آن‌ها هستند که به شخصیت‌های داستان سلینجر یادآوری می‌کنند آن‌ها زمانی بوده که جدا از دنیای لعنتی بزرگ‌ترها می‌توانسته‌اند تفاوت‌های ظاهری را نادیده بگیرند و بسیار پاک و نزدیک به حقیقت درباره‌ی همه چیز قضاوت کنند.

کودکان در داستان‌های او به سان عارفی عمل می‌کنند که نمی‌خواهد تفاوت ظاهری انسان‌ها ناشی از چیزهایی مثل سن، جنس، قوم و نژاد و... را ببیند بلکه آنچه برای او اهمیت می‌یابد ذات و درون انسان‌هاست که از نظر او با هم تفاوت نمی‌کند. جروم دیوید سالیجر یا جروم دیوید سلینجر (زاده ۱ ژانویه ۱۹۱۹ - درگذشته ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰) نویسنده معاصر آمریکایی بود. رمان‌های پرتطرفدار وی، مانند ناتور دشت در نقد جامعه مدرن غرب و خصوصاً آمریکا نوشته شده‌اند. سلینجر بیشتر با حروف ابتدایی نام خود «جی.دی. سلینجر» معروف است.

### بخشی از متن کتاب:

حدود بیست سال پیش، شبی از شب‌ها که خانواده پر اولاد ما درگیر بیماری اریون بود خواهر کوچکم فرنی را با گهواره و ساز و برگش به اتاق ظاهرآ عاری از میکروب من و برادر بزرگترم سیموور منتقل کردند...

در رمان «بالا بلندتر از هر بلند بالایی»، نویسنده اثر، «جی.دی. سلینجر»، از روایتی واقع‌گرا و در عین حال طربناک بهره جسته است. این سبک روایی که در اکثر داستان‌های سلینجر به چشم می‌خورد آثار او را ملموس و هر چه بیشتر به خواننده نزدیک جلوه می‌دهد.

سلینجر نویسنده آمریکایی که با رمان «ناتور دشت» به شهرت رسید، در این داستان، از ماجراهای خانواده‌ای به نام «گلَس» (خانواده اکثر کتاب‌های سلینجر) یاد می‌کند که فرزند ارشد آن «سیمور» نام دارد که همان «بالا بلند» است. او تأثیری عظیم بر برادران و خواهران کوچکتر از خود می‌گذارد. هفت عضو خانواده مرفه «گلَس» هر یک به نوعی دارای نبوغ و خلاقیت‌های ویژه هستند.

واقعه اصلی داستان، شرح ماجرای یک روز عروسی است که از زبان «بادی گلَس» فرزند دوم خانواده نقل می‌گردد و طی آن، گذشته‌های خانواده گلَس مرور می‌شود. این داستان سلینجر که با مایه‌های طنز همراه است حدیث جستجوگران و جستجوگری است خواه این جستجوگری در طلب معرفت و روش‌بینی باشد، خواه در طلب موازین اخلاقی و رفتاری و خواه در طلب ارتباط عاطفی ناب و دست نخورده با زندگی و با انسان‌ها. تنهایی و انزواطلبی سیموور یادآور تنهایی سالیجر است و در پیشگفتار به وضوح سالیجر صحبت می‌کند.

سلینجر در هر سه نوع کتاب‌هایش یعنی رمان ناتور دشت و داستان‌های بلند مربوط به خانواده گلَس‌ها (مثل سیمور، فرنی وزویی، نجاران تیرهای سقف را بالا بگذارید...) و حتی در داستان‌های کوتاه‌اش مثل تقدیم به ازمه با عشق و نکبت از نشانه‌های مشترکی استفاده کرده است.



مشخصات کتاب:

عنوان: بالا بلندتر از هر بلند بالایی

نویسنده: جی. دی. سلینجر

مترجم: شیرین تعاونی

انتشارات: نیلوفر

نوبت چاپ: سوم

تعداد صفحات: ۱۲۲



**اتسرویس شمیران**  
تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک زمستانی تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی، از ۴۹.۹۵ دلار Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلوبندی
- ۱۰ درصد تخفیف برای تعویض همزمان روغن و لاستیک و بازرسی رایگان

سرویس و خدمات  
در کوتاه‌ترین زمان  
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



**514-487-6262**  
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1  
www.autoshemiran.com



**Panneton & Panneton**  
Moving & Storage

تخفیف ویژه برای  
هموطنان عزیز  
در نظر گرفته  
خواهد شد

**خدمات انبار داری پنتون و الیمپیا**

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

**514 939 0099**  
8660 Jeanne Mance,  
Montreal, QC H2P 2S6

Info@pannetonpanneton.com

**تسلیت و بهردوی**

جناب آقای فرزین عسگری

درگذشت پدر گرامی‌تان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و آرزوی صبر و سلامتی برای شما و بازماندگان آن عزیز از دست رفته داریم.

جعفر فلاح و رضا نامداری




**تسلیت و بهردوی**

آقای رضا نجف زاده، دوست گرامی

با کمال تأسف درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض می‌کنم.

وحید قاسمی



# دنیای دانش

گروه خبر و ترجمه هفته

به گزارش هفته، به نقل از پایگاه اینترنتی روزنامه لوموند، ناسا اعلام کرد قرار است کاوشگر آمریکایی Osiris-Rex پس از چهار سال سفر و نظارت بیستم اکتبر امسال روی سطح سیارک بنو فرود آید و با انتقال نمونه‌هایی از خاک این سیارک برای دانشمندان، راه را برای کشف اسرار و رموز بیشتری درباره این جرم آسمانی و همچنین روند شکل‌گیری منظومه شمسی هموار کند.

دنت لورتا استاد دانشگاه آریزونا و مسئول علمی ماموریت نمونه‌برداری از سیارک بنو، در یک کنفرانس تلفنی اعلام کرد ناسا سیارک بنو که را ۴۹۰ متر قطر دارد بی‌دلیل برای تحقیقات خود انتخاب نکرد چرا که دانشمندان با توجه به مشاهدات تلسکوپی خود تصور می‌کردند که سطح این سیارک مثل یک ساحل پوشیده از ماسه باشد و بر همین اساس تصور می‌شد که عملیات نمونه‌برداری از سطح بنو ساده و بی‌خطر خواهد بود.

اما اواخر سال ۲۰۱۸ زمانی که فضاپیمای سیارک نزدیک شد، تصاویر گرفته شده از آن نشان داد که سطح آن پوشیده از سنگ‌های سخت و صخره‌ای است. به همین علت تیم تحقیقاتی ناسا در این ماموریت سال ۲۰۱۹ را صرف بررسی‌های دقیق از سطح این سیارک کرد تا مکان مناسب و مطمئنی را برای نمونه‌برداری از سطح آن انتخاب کند: دهانه Nightingale.

محققان ناسا می‌گویند عبور بنو از میان زمین و ماه که طبق پیش‌بینی‌ها سال ۲۱۳۵ اتفاق خواهد افتاد موجب چرخش مدار این سیاره خواهد شد و ممکن است این اتفاق بنو را در اواخر قرن حاضر در مسیر برخورد با زمین قرار دهد. به گفته محققان اطلاعاتی که احتمالاً در ماموریت نمونه‌برداری از بنو جمع‌آوری خواهد شد، به درک این که چگونه مسیر این سیارک تحت تاثیر جذب و تابش نور خورشید قرار می‌گیرد، کمک خواهد کرد.

مارتین ساچو و کریستینا هرولد محققان علوم اعصاب دانشگاه‌های بوخوم و دوسلدورف آلمان در مطالعات خود به وجود نوعی ساختار عصبی در بخش پیشامغز حسی پرندگان پی برده‌اند. به گفته آن‌ها این ساختار می‌تواند به ایجاد توانایی‌های محاسباتی که شباهت زیادی به توانایی‌های نئوکورتکس دارد، منجر شود.

وجود این ساختار موید این نظریه است که برخی از پرندگان از توانایی‌های شناختی پیچیده از قبیل توانایی ساخت ابزارهایی برای شکار یا پیدا کردن غذا بهره می‌برند.

به گفته دو محقق آلمانی، پالیوم یا همان مغز ابتدایی کلاغیان یا طوطیان بیش از نیم میلیارد نورون و حتی تا دو میلیارد نورون دارد و این شبکه عصبی شبیه ساختار کورتکس پستانداران است.



یک کلاغ لاشه

## مطالعه محققان آلمانی: اثبات شعور و ادراک در کلاغ‌های لاشه سیاه

تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد که برخی پرندگان از جمله کلاغ‌های لاشه از نوعی ادراک برخوردارند. دو مقاله‌ای که روز پنجشنبه ۲۴ سپتامبر در روزنامه ساینس منتشر شد، حاکی از آن است که پرندگان هم قدرت فکر و ادراک دارند. به گفته محققان شباهت‌هایی بین مغز برخی از پرندگان و پستانداران وجود دارد و کلاغ‌های لاشه سیاه از درجه‌ای از شعور و ادراک برخوردار هستند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، بنابراین با توجه به این یافته محققان شاید بتوان گفت که فحش «مغز گنجشک» خیلی هم فحش نیست. محققان می‌گویند بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی از انواع پرندگان به‌ویژه اعضای خانواده کلاغ‌ها که کلاغ لاشه و غراب نیز از آن جمله هستند، از نظر توانایی‌های شناختی چیزی از میمون‌ها کمتر ندارند.

تا مدت‌ها تصور می‌شد که پرندگان فاقد نوکشر یا همان نئوکورتکس هستند. نئوکورتکس بخشی از ماده خاکستری مغز نخستی‌سانان است. این بخش از مغز که به‌ویژه در انسان توسعه یافته است، در عملکردهای شناختی بالا مثل حواس، صدور دستورهای حرکتی، تصمیم‌گیری‌های مکانی، خود آگاهی و توانایی‌های زبانی نقش دارد.



تصویری که ناسا ۱۱ اوت امسال از کاوشگر آمریکایی Osiris-Rex در حال نزدیک شدن به سطح سیارک بنو گرفته است

## نمونه‌برداری ناسا از سیارک بنو

اژانس فضایی آمریکا (ناسا) از سیارک بنو Bennu نمونه‌برداری می‌کند طبق اعلام ناسا قرار است کاوشگر Osiris-Rex بیستم اکتبر امسال بر سطح سیارک بنو فرود آید و نمونه‌هایی از خاک این سیاره را سپتامبر سال ۲۰۲۳ به زمین بیاورد.

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری

### دفتر ترجمه رسمی فیروزه مسیحا

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAQ) و اتاریو (ATIO)  
کارشناس ارشد مترجمی زبان و دانشجوی دکتری زبانشناسی

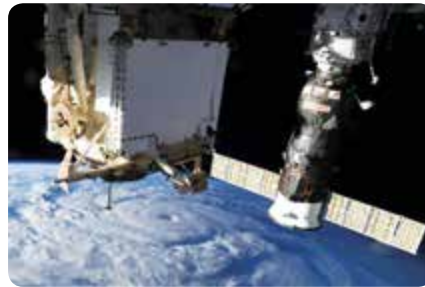
438-920-9305  
firoozehmasiha@yahoo.com

- ترجمه و تایید اسناد و مدارک
- ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دادگاهی
- تایید امضا اشخاص و کپی برابر اصل
- تهیه و تنظیم دعوت نامه و انگیزه نامه
- ترجمه مهرهای گذرنامه جهت تمدید
- کارت (PR) و درخواست شهروندی کانادا
- ارائه خدمات ترجمه حتی در روزهای تعطیل و آخر هفته
- تخفیف ویژه برای دانشجویان و تازه واردین عزیز



بالاتری قرار گرفت.

کپسول باری پروگرس ساخت روسیه که به ایستگاه فضایی بین‌المللی متصل است، با فعال کردن پیش‌برانه‌های ایستگاه در عرض دو دقیقه و نیم آن را کمی در مدار خود بالاتر برد تا از برخورد آن با تکه موشک ژاپنی جلوگیری شود. این مانور با هماهنگی و همکاری مراکز کنترل فضایی روسیه و آمریکا صورت گرفت.



در حال حاضر ISS در ارتفاع ۴۲۱ کیلومتری سطح زمین قرار دارد و سرعت آن در مدار ۲۷ هزار و ۵۰۰ کیلومتر بر ساعت است

## تغییر موقعیت ایستگاه فضایی بین‌المللی ISS

ایستگاه فضایی بین‌المللی ISS برای پرهیز از برخورد با یک زباله فضایی جاخالی داد

آژانس فضایی آمریکا (ناسا) روز سه‌شنبه ۲۲ سپتامبر اعلام کرد ISS به منظور پرهیز از برخورد با یک تکه باقیمانده از یک موشک ژاپنی سرگردان در فضا که سال ۲۰۱۸ پرتاب شده بود، مجبور شد موقعیت خود را تغییر دهد. طبق اعلام ناسا امسال این سومین بار است که ISS به منظور اجتناب از برخورد با زباله‌های فضایی، مجبور به چنین حرکتی می‌شود.

به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، ناسا با تأکید بر این که شمار اشیاء و زباله‌های سرگردان در فضا روز به روز بیشتر می‌شود، امکانات بیشتر را به منظور نظارت بهتر بر این اجسام خواستار شد. مدار زمین مملو از تکه پاره‌های ماهواره‌ها، موشک‌ها و سایر پرتابه‌هایی است که طی شش دهه اخیر به فضا فرستاده شده‌اند.

به گفته کارشناسان ناسا، ارزیابی‌ها حاکی از آن بود که قطعه موشک ژاپنی که سال گذشته به ۷۷ قطعه کوچک و بزرگ و تقسیم شده بود، از ۱۳۹ کیلومتری ISS عبور می‌کند با این حال از روی احتیاط مدار ISS در سطح



برای اولین بار یک مرده در تابوتی «زنده» دفن شد

## تابوتی زنده از جنس قارچ

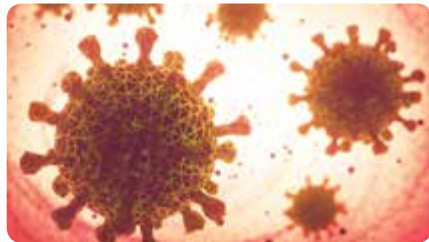
آیا حاضرید پس از مرگ، جسدتان در یک «تابوت زنده» دفن شود؟ این تابوت که از قارچ ساخته شده است شرایطی ایجاد می‌کند که جسد به سرعت تجزیه شود و به غنای خاک کمک کند.

به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، این تابوت عجیب و غریب توسط باب هندریکس جوان ۲۶ ساله هلندی با کمک محققان دانشگاه فناوری دلفت Delft و موزه تاریخ طبیعی Naturalis ساخته شده است.

دوازدهم سپتامبر امسال برای اولین بار جسد یک مرد در تابوتی از این جنس در لاهه هلند دفن شد. این تابوت از الیاف نوعی قارچ که به نام میسلوم ساخته شده است. با توجه به این که این قارچ معمولاً در زیر زمین رشد می‌کند، می‌تواند در روند تجزیه سریع‌تر اجساد کمک کند. این تابوت ساخته شده از قارچ، مواد زائد را به مواد مغذی برای محیط زیست تبدیل می‌کند. این تابوت‌های زنده طی تنها هفت روز رشد می‌کنند و فقط یک ماه و نیم طول می‌کشد تا به کلی جذب زمین شوند.

هندریکس می‌گوید: «می‌توانید با جسد خود به غنی شدن هر چه بیشتر خاک کمک کنید و پس از مرگ خود نیز حیات بخش باشید.»

تا کنون ده تابوت از میسلوم توسط شرکت هندریکس به نام لوپ LOOP ساخته شده و هر کدام از آنها به قیمت تقریبی ۱۲۵۰ یورو به فروش می‌رسد.



## حتی پس از واکسن، کووید ۱۹ یک بیماری فصلی می‌ماند؛ هشدار متخصصان

محققان بر این عقیده هستند که حتی اگر به لطف واکسن کرونا که احتمالاً در آینده ساخته خواهد شد، مصونیت جمعی در برابر این بیماری ایجاد شود، این پیشرفت مانع از ظهور مجدد و منظم کووید ۱۹ نخواهد شد و به عبارتی دیگر این بیماری حالتی فصلی پیدا خواهد کرد.

به گزارش هفته، به‌نقل از پایگاه اینترنتی لکسپرس، ویروس عامل کووید ۱۹ که تا کنون تلفات و خسارات زیادی در جهان بر جا گذاشته است، با کشف واکسن برای همیشه از بین نخواهد رفت. محققان معتقدند کووید ۱۹ ممکن است حتی پس از واکسیناسیون فراگیر در جهان همچنان زنده بماند و با ظهور مجدد

# LOADEX TRANSPORT INC.

## شرکت حمل و نقل بین‌المللی

خدمات حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی  
ایران، سراسر کانادا، آمریکا و سایر نقاط جهان  
سرویس کامل حمل برای واردات و صادرات کالاها  
نرخهای ویژه برای اضافه بار هوایی مسافران

www.loadextransport.com | info@loadextransport.com  
Tel: 514-234-3399  
Fax: 514-685-3168

سرویس هوایی به شیراز، تبریز، تهران، اصفهان، کرمانشاه و مشهد

متخصص بیماری‌های زنان و زایمان در مرکز بیمارستانی و درمانی Sainte-Justine می‌گوید طبق تحقیقات جدید میزان مرگ‌ومیر زنان باردار مبتلا به کووید ۱۹ بیشتر از تحقیقات قبلی نیست اما خطر زایمان‌های زودرس بیشتر است.

اوایل سپتامبر موسسه ملی بهداشت عمومی کبک -IN SPQ اعلام کرد نیازی نیست که معلمان زن باردار را برای در امان ماندن از خطر ابتلا به کووید ۱۹ در بازنشستگی پیشگیرانه قرار دهیم.

سونیا اتیه رئیس اتحادیه اصناف کبک در پاسخ به سوال لاپرس درباره نتایج مطالعات جدیدی که محققان آمریکایی انجام داده‌اند، گفت با توجه به یافته‌های جدید و خطراتی که کووید ۱۹ می‌تواند برای زنان باردار داشته باشد، لازم است که دولت زنگ هشدار را به صدا درآورد و از INSPQ بخواهد معیارهای خود را در این زمینه مورد بازبینی قرار دهد.

به گفته سونیا اتیه درست است که بخش آموزش از کمبود معلم رنج می‌برد اما دلیل نمی‌شود که بخواهیم سلامت زنان باردار را فدای سیستم آموزشی کنیم.

به نوشته British Medical Journal غربالگری‌های جهانی کووید ۱۹ نشان می‌دهد که نزدیک به ۷ درصد زنان باردار به این بیماری مبتلا شده‌اند.

انرژی ساطع شده از آن‌ها، امکان تعیین تقریبی عمر آن‌ها را فراهم می‌کند.

به گفته محققان از میان صدها ردپایی که نزدیک دریاچه «نفود» کشف شده، هفت مورد به احتمال زیاد متعلق به هموساپینس‌ها یا همان انسان‌های خردمند بوده و در این میان چهار مورد مربوط به دو یا سه فرد بوده که با هم سفر می‌کردند. در عین حال از شکل و اندازه ردپاها می‌توان استنباط کرد که این آثار متعلق به نئاندرتال‌ها نبوده است.

همچنین با توجه به این که غیر از این ردپاها هیچ اثری از ابزار سنگی در این مکان کشف نشده است، محققان احتمال می‌دهند که این مکان محل زندگی دائمی انسان‌های نخستین نبوده است.

همچنین ۲۳۳ فسیل دیگری که باستان شناسان در همین منطقه کشف کرده‌اند موید این فرضیه است که وضعیت اقلیمی سرزمین بیابانی عربستان در گذشته‌های دور کاملاً متفاوت با چیزی بوده که امروز می‌بینیم چرا که این فسیل‌ها نشان می‌دهد انواع حیوانی گوشتخوار برای شکار حیوانات علفخوار به اطراف دریاچه می‌آمدند.

و فصلی برای سال‌های طولانی برای انسان‌های مدرن‌ساز شود البته اگر میزان مصونیت انسان در برابر این بیماری طولانی مدت و پایدار باشد، خطر ظهور مجدد این ویروس نیز کاهش خواهد یافت.

بر همین اساس محققان توصیه می‌کنند که انسان‌ها شیوه‌های زندگی و کار کردن خود را با محدودیت‌هایی که این ویروس به وجود آورده است، سازگار کنند و برای جلوگیری از فراهم شدن شرایط شیوع مجدد آن تدابیر پیشگیرانه بهداشتی به‌ویژه استفاده از ماسک، فاصله‌گذاری اجتماعی، شستن مرتب دست‌ها و خودداری از حضور در تجمعات را بیشتر از گذشته رعایت کنند.

این که بسیاری از کشورها موج اول بیماری را پشت سر گذاشته و خود را برای مقابله با موج دوم آماده می‌کنند، نشان دهنده همین واقعیت است که کروناویروس جدید که تا کنون بیش از نصد هزار قربانی در جهان گرفته است، به این زودی‌ها از زیستگاه بشر رخت برنخواهد بست.



## کشف رد پای ۱۲۰ هزار ساله انسان در شمال عربستان سعودی

محققان و دانشمندان رد پای انسان‌های کهن را در حاشیه یک دریاچه در صحرای «نفود» در شمال شبه جزیره عربستان کشف کرده‌اند. طبق شواهد و قراین این رد پاها به حدود یکصد و بیست هزار سال پیش تعلق دارد.

محققان معتقدند کشف این ردپاها می‌تواند سرنخ‌های جدیدی از مسیری که احتمالاً اجداد بسیار دیرین انسان‌ها پس از خروج از قاره آفریقا دنبال کرده‌اند، ارائه کند و راه را برای کشفیات جدید در همین زمینه هموار نماید.

به گزارش هفته، به نقل از پایگاه اینترنتی آر.تی.ال، به نوشته نشریه آمریکایی Science Advances برای تعیین قدمت این رد پاها که کشفی بی سابقه در عربستان است، محققان از روشی استفاده کرده‌اند که در آن با تاباندن نور به دانه‌های کوارتز و اندازه‌گیری



## کووید ۱۹ خطر زایمان زودرس را افزایش می‌دهد

طبق مطالعه جدیدی که مرکز کنترل بیماری‌ها CDC وابسته به دولت آمریکا انجام داده است، نرخ زایمان‌های زودرس برای زنان باردار مبتلا به کووید ۱۹ افزایش یافته و به ۱۳ درصد رسیده است.

نتایج تحقیقات جدیدی که CDC انجام داده حاکی از آن است که خطر زایمان زودرس در زنان باردار که به نوع حاد کووید ۱۹ مبتلا می‌شوند، افزایش می‌یابد. این تحقیق نشان می‌دهد که خطر زایمان زودرس زنان باردار مبتلا به کووید ۱۹ بیشتر از آن چیزی است که اخیراً یک فراتحلیل صورت گرفته در انگلیس نشان داده بود.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، ایزابیل بوکویران

## در صف نان از شرمندگی زمین را سیل می‌کردم

بعد از چند ساعت پلیس‌ها آمدند و ما را دستگیر کردند. آن‌ها گوشی را از مسافران گرفتند و همگی ما را به اردوگاه بردند تا رد مرز کنند. مأمورها به عمویم گفتند که تو خجالت نمی‌کشی این بچه خردسال را به ایران می‌بری، او را تحقیر کردند. چند روز در اردوگاه بودیم و نان و آب داشتیم. خانواده‌ام نگران شده بودند.

ما سختی‌های زیادی را برای رسیدن به ایران به جان خریدیم اما آخرش به افغانستان دیپورت شدیم. به میمنه برگشتیم. وقتی در خانه‌مان را زدم مادرم از خوشی فریاد زد و مرا به آغوش کشید. پدرم از نگرانی رنگ در رخسارش نداشت، وقتی ما را دید خوشی کرد.

بعد از دو ماه دوباره با کاکایم روانه ایران شدیم. این بار راه قاچاق سخت نبود. ما فقط پنج روز در راه بودیم. پیاده‌گردی نکردیم و خطری را از سر نگذراندیم. به تهران به خانه دوستان کاکایم آمدیم. فردای روزی که به ایران آمدیم من برای کار به خیاطی رفتم. روزهای اول بلد نبودم گپ بزنم، از ترس اینکه در گپ زدن غلط نکنم، خاموش می‌بودم.

ما در خانه دسته‌جمعی زندگی می‌کنیم و در کارهای خانه هرکسی وظیفه‌ای دارد.

روزهای اولی که به ایران آمده بودم، مرا به نانوانی می‌فرستادند. تعداد بچه‌ها زیاد بود و مجبور بودم که نان زیادی بخرم. در صف نانوانی مرا مسخره می‌کردند و گاهی با من جنگ می‌کردند که چرا حق ما را می‌بری. من از شرمندگی زمین را سیل می‌کردم. روزهای اول وقتی لباس‌هایم را می‌شستم خیلی آزرده می‌شدم و مادرم را یاد می‌کردم. صاحب‌کارم می‌گفت که تو طفل هستی و باید درس بخوانی. او مرا درک نمی‌کرد و نمی‌دانست که خانواده‌ام در تنگدستی روزگار خود را می‌گذرانند. او خیلی آدم خوبی است و با من مهربانی می‌کند. هنوز در کنار او کار می‌کنم. یکی از مهربانی‌های صاحب‌کارم این است که پول تفریح مرا جدا از حقوقم می‌دهد و با این کارش مرا خوش می‌سازد.

پنج سال می‌گذرد که به ایران آمده‌ام و بسیار خوش هستم که برای خانواده‌ام پول می‌فرستم تا آن‌ها پیش کسی دستشان را دراز نکنند. روزهای جمعه به فوتبال می‌روم تا خود را خوش بسازم و با روحیه خوش کار کنم. آرزوهای زیادی ندارم اما تنها آرزویم است که بتوانم پلیس شوم. آرزو دارم که پلیس شوم اما گاهی فکر می‌کنم که اگر به آرزویم برسم ممکن است به دست طالبان کشته شوم. این موضوع باعث می‌شود که به همین کار خیاطی ادامه دهم.



پدرم ده سال پیش از آن به ایران آمده بود و کار بنایی می‌کرد. او همیشه دل‌نگران ما بود. دوری از ما باعث شد که به افغانستان پس بیاید. وقتی به افغانستان آمد، ناچار شد که در زمین‌های کشاورزی کار کند. من در کشاورزی به او کمک می‌کردم. درآمد پدرم کم بود و روزگار با ما یاری نمی‌کرد. تنگ ما سست شده بود. خواهرم نامزد کرد و با پولی که از گله او گرفتیم، توانستیم یک سال زندگی خود را بچرخانیم. من صنف اول مکتب بودم و پدرم مرا به درس خواندن دلگرم می‌ساخت. روزی کاکایم به پدرم گفت که اجازه بدهد مرا با خودش برای کار به ایران ببرد. پدرم قبول کرد. جنگ افغانستان در کشور ما خرابی و بیکاری بسیار ایجاد کرده. بیشتر بچه‌های شناس گذر ما به ایران رفته بودند. من هم شوق رفتن داشتم. آن زمان ده ساله بودم برای همین مادرم نمی‌گذاشت که به ایران بروم. خانه خواهرم در قریه دور از ما بود. به مادرم گفتم که به خانه او می‌روم. با کاکایم به نیمروز آمدیم. از آنجا قاچاق‌بر ما را به پاکستان برد. راه قاچاق سخت و خطرناک است. ما دو شبانه‌روز پیاده‌گردی کردیم. روزهای زیادی گشنگی و تشنگی کشیدیم. من از کاکایم می‌پرسیدم چند ساعت دیگر به ایران می‌رسیم، او می‌گفت که راهی نمانده است و به‌زودی به ایران می‌رسیم. بسیار جگرخونی می‌کردم و شب‌ها گریانم می‌گرفت. بعد از سه هفته به کرمان رسیدیم. قاچاق‌بر ما را به قاچاق‌بر دیگری فروخت. او ما را به خانه‌ای برد. وقتی شب شد زده‌ها به ما حمله کردند. همگی گریختیم.

یکی از مهربانی‌های صاحب‌کارم این است که پول تفریح مرا جدا از حقوقم می‌دهد و با این کارش مرا خوش می‌سازد.



نرگس هاشمی



## پیشینه‌ی آهنگ «آهسته برو» و رسم عروسی کابلیان

در مراسم عروسی کابلیان و دیگر ولایات افغانستان عروس و داماد را به آهنگ قدیمی آهسته برو بدرقه می‌کنند و هیچ عروسی وجود ندارد که در آن آهنگ آهسته برو خوانده نشود در اینجا به نقل از جاوید فرهاد فعال فرهنگی پیشینه آهنگ «آهسته برو» را چنین به نگارش می‌گیریم: می‌گویند که در زمان سلطنت «امیرشیرعلی خان» دو دل داده به نام‌های «شیرین» و «شیرو» (اصل نامش شیرمحمد) در همسایه‌گی هم در منطقه‌ی «دروازه‌ی لاهوری» کنونی کابل می‌زیستند و سخت عاشق هم‌دیگر بودند. «شیرین» دختر یک سوداگر معروف طلا در آن زمان به نام «کاکه رجب کابلی» بود که پدرش از ثروت فراوان برخوردار بود؛ اما «شیرو» شاگرد یک کارخانه‌ی «بوت دوزی» و از خانواده‌ی نادار بود. بر بنیاد نوشته‌ی استاد «ظریف صدیقی» (مجله‌ی فولکلور، شماره‌ی پنجم، سال ۱۳۵۶، چاپ کابل) شیرو جوان آزاده و عاشق «شیرین» پس از سال‌ها تلاش در برابر تفاوت طبقاتی و دردی که از وصل «شیرین» دل‌داده‌اش می‌کشید، سرانجام به وساطت بزرگان و محاسن سفیدان درخواست هفت‌ساله‌ی ازدواجش از سوی خانواده‌ی «شیرین» منظور شد و شیی عروسی‌اش فرا رسید.

اما سرنوشت نگذاشت او به وصال کامل برسد؛ یعنی همان شب از سوی چند نفر اوباش به بهانه‌ای بیرون کشیده شد و با کارد به شهادت رسید و پیرهن پُر خونش را شب‌ها مادرش بر چشمانش می‌مالید... نخستین بار آهنگ تراژیدی آهسته برو، پس از مرگ وی و در رثای او توسط مادر «شیرو» با دف در محفل عروسی پسر کاکای شیرو خوانده شد و سپس از سوی زنان دیگر در محافل عروسی خانگی زمزمه شد: خواران و برادران مرا یاد کنین (آستا برو، ماه من آستا برو) تابوت مرا زچوب شمشاد کنین (آستا برو، سرو روان آستا برو) تابوت مرا قدم قدم وردارین (آستا برو، شاه جوان آستا برو) بر خاک سیاه بانین و فریاد کنین (آستا برو، کاکه جوان آستا برو)

اما هنرمندان خرابات به ویژه استاد نبی گل، استاد رحیم گل، استاد هماهنگ و دیگر مطربان «گذر خرابات» به این باوراند که «آهنگ آهسته برو» آهنگ‌ساز خاصی ندارد و ساخت این آهنگ محلی است. «راگ» آن «پیلو» (که از راگ‌های تراژیک است) و «تال» آن «مغلی» است. زنده‌یاد عزیز غزنوی، استاد «کریم زبیهی جلوه» از زبان پدرش نقل می‌کند که این آهنگ در زمان حاکمیت «امیر شیرعلی خان» توسط مردم (بانوان) ساخته شده و از محافل خانگی نخستین بار به دربار راه یافته و در دوره‌ی زمامداری «امیر حبیب‌الله خان» توسط زنده‌یاد استاد قاسم (معروف به قاسم‌جو یا قاسم‌جی) پدر استاد یعقوب قاسمی و پدر بزرگ استاد وحید قاسمی، در مراسم عروسی «سردار نصرالله خان» خوانده شده است. ضبط این آهنگ نخستین بار هم در هند به صدای استاد قاسم، انجام شده است. ابیات این ترانه بیش‌تر اندوه‌بار و حسرت‌آمیز است که با شنیدن آن، مو بر بدن هر صاحب ذوقی سیخ شده و اشک از چشمان آدم سرازیر می‌شود: فرزند عزیز من که داماد شدی (آستا برو، ماه من آستا

برو) صد شکر خدا، جوان شدی، شاد شدی (آستا برو، تازه جوان آستا برو) گل گفت که من یوسفِ مصر چمنم آستا برو، ماه من آستا برو یاقوتِ گران مایه‌ی پر زر دهنم آستا برو، ماه من آستا برو گفتم چو تو یوسفی نشانی بنمای آستا برو، ماه من آستا برو گفتا که به خون غرق نگر پیرهنم.

(اشاره به پیراهن خونین «شیرو» در شب عروسی) این آهنگ قشنگ را پس از استاد قاسم، بیش‌تر آوزخوانان کشور مانند: استاد نبی گل، استاد رحیم گل، استاد غلام حسین، استاد سرآهنگ، استاد شیدا، استاد رحیم‌بخش، استاد هم‌آهنگ، بانو هنگامه، زنده‌یاد احمدظاهر، زنده‌یاد ساربان، احمدولی، بانو آریانا سعید و دیگران نیز خوانده‌اند. یاد و خاطره‌ی این آهنگ همواره جاوید باد!

**رسم عروسی در کابل را سید الهام سادات در صفحه کابل من چنین به نگارش در آورده است:**

عروسی در هر کشوری، دارای رسم و رسوم خاص خود می‌باشد. افغانستان هم مانند هر کشور دیگری رسوم خاص خود را برای ازدواج دارد. از آشنایی دختر و پسر تا ازدواج آنها شامل چندین مرحله می‌شود که بطور خلاصه آنها را بیان می‌کنیم:

### خواستگاری در کابل

خانواده‌ی پسر به خانه‌ی دختر می‌روند و از پدر دختر می‌خواهند تا پسرشان را به دامادی بپذیرد. در این مراسم مقدار شیر بها و مهریه، مقدار طلائی که باید برای عروس خریداری شود و... مشخص می‌شود که اگر خانواده‌ی داماد نیز بپذیرند با انداختن یک شال بر روی سر عروس یا کردن یک انگشتر در دست او عروس را برای پسرشان نشان می‌کنند.

### شیرینی خوری در کابل

مراسم شیرینی خوری جشن بسیار بزرگی است که در میان همه نقل و شیرینی پخش می‌کنند. لباس عروس در این روز اکثراً نسکافه‌ای رنگ است. از مهمانان با شربت و شیرینی و میوه پذیرایی می‌شود. بعضی از خانواده‌ها غذا نیز تدارک می‌بینند. در این روز فامیل عروس سبدهی پر از نقل و شیرینی را به عنوان پیشکشی به فامیل داماد می‌دهند که در بین آن هدیه‌ای مانند لباس و وسایل برای داماد می‌باشد.

### مراسم حنا در کابل

مراسم حنابندان اکثراً در شب عروسی برگزار می‌شود اما بعضی‌ها یک شب جلوتر آن را می‌گیرند. در مراسم حنابندان عروس به دست داماد حنا می‌گذارد و داماد به دست عروس و بعد دست حنا زده را با دستمال می‌بندند تا حنا به جایی مالیده نشود همچنان فامیل‌های نزدیک عروس و داماد نیز به دست آنها حنا می‌گذارند.

### شب عروسی

در بیشتر مواقع نکاح عروس و داماد در این شب بسته می‌شود. در این شب عروس ۲ یا ۳ دست لباس می‌پوشد. این کار در هتل‌ها و تالارهای کابل راحت است چون اتاقی مخصوص تعویض لباس عروس به نام عروس خانه وجود دارد.

در ابتدای شب، عروس، لباس سبز رنگ می‌پوشد که غالباً سنتی است و داماد نیز به تبع باید لباس سنتی بپوشد و آخر شب عروس لباس سفید می‌پوشد. هنگامی که عروس و داماد لباس سنتی می‌پوشند، ساقدوش‌ها نیز به همین شکل لباس می‌پوشند.

ورود عروس و داماد به داخل تالار با آهنگ معروف «آهسته برو» صورت می‌گیرد که آن‌ها با این آهنگ به سمت جایگاهشان حرکت می‌کنند. در این حین ساقدوش‌ها دو لاین تشکیل می‌دهند که عروس و داماد از وسط آنها عبور می‌کنند و آنها بر سر عروس و داماد نقل و گل می‌ریزند و بعضی از آنها سبدهایی از حنار را با خود حمل می‌کنند.

### خوشامد گویی عروس و داماد

خوشامد گویی عروس و داماد نیز از جمله کارهایی است که در شب عروسی انجام می‌شود. آن دو بر سر همه میزها رفته و با مهمانان احوالپرسی کرده و به آنان خوشامد می‌گویند. مهمانان نیز تبریک گفته و برای آنها آرزوی خوشبختی و شادکامی می‌کنند. موزیک زنده و رقص و پایکوبی نیز از مهمات این شب است. دایره نیز از جمله موارد جدا نشدنی یک جشن افغانی است.

### رقص‌های عروسی در کابل

در افغانستان رقص‌های مختلفی وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آنها قطغنی و اتن می‌باشد. اتن مخصوص پشتو زبان‌ها ولی قطغنی شامل همه اقوام است.

### کیک عروسی در کابل

کیک عروسی یکی دیگر از زیباترین قسمت‌های شب عروسی می‌باشد. در این مراسم خواهر عروس یا یکی از نزدیکان عروس چاقو را در دست گرفته و با آن می‌رقصد و تا داماد به او پول نداده چاقو را به او نمی‌دهد. بعد از آن که عروس و داماد با هم کیک را برش زدند کیک در میان مهمانان پخش می‌شود.

شام عروسی نیز مفصل و رنگارنگ است انواع کباب‌ها سالادها قابلی پلو انواع پلوها و نوشیدنی‌ها.

### مراسم خداحافظی پدر عروس از عروس

در انتهای عروسی پدر عروس برای خداحافظی با دخترش می‌آید. او یک کمر بند سبز به دور کمر دخترش می‌بندد و با در آغوش گرفتن و بوسیدن پیشانی‌اش و گذاشتن دست عروس در دست داماد با او وداع می‌کند. لحظه غم‌انگیزی است در این زمان تالار در سکوت مطلق است و همه می‌ایستند تا نظاره‌گر وداع پدر و دختر باشند. بعد از آن ریش سفیدی می‌آید تا برای خوشبختی آن دو دعا کند و همه نیز آمین می‌گویند. (بستن کمر بند یا شال سبز به معنی پاک بودن دختر است)

### مراسم شهر گشتی در کابل

عروس و داماد به سمت خانه خود رهسپار می‌شوند و فامیل‌های نزدیک نیز آن‌ها را همراهی می‌کنند. تنها کسی که در این بدرقه حضور ندارد، پدر عروس است. آنها گشتی در شهر می‌زنند که به شهر گشتی یاد می‌شود. هنگامی که عروس به خانه‌ی داماد می‌رسد، گوسفندی را در مقابل پای او قربانی می‌کنند و کمی از خون آن را به پای او می‌زنند زیرا اعتقاد دارند این کار بد قدمی و سیاه‌بختی را دور می‌کند. گاهی بعضی افراد بعد از این کار لگنی در زیر پای عروس گذاشته و آب حاصل از شستشوی پای او را در چهار کنج خانه می‌ریزند.

### مراسم تخت جمعی در کابل

مراسم تخت جمعی، همان پا تختی است که بعد از عروسی این مراسم برگزار می‌شود. در این مراسم همه دوستان و اقوام عروس و داماد برای شروع زندگی مشترک آنها هدایایی می‌آورند. هرچه نسبت فامیلی نزدیکتر باشد ارزش هدایا نیز بیشتر است. گاهی اوقات مثلاً خواهر و برادر آنها هدایایی مثل تلویزیون لباس شویی و... می‌گیرند تا علاوه بر هدیه و ابراز خوشحالی شان کمی از نیازهای آنها را رفع کنند و به آن‌ها کمک کرده باشند. مادر عروس تا چند روز در خانه دخترش می‌ماند و سپس دامادش با گرفتن شیرینی و شکلات او را به خانه خودش می‌برد.

همان طور که گفتیم پدر عروس در شب عروسی به خانه دخترش نمی‌رود. چند وقت بعد پدر با گرفتن هدیه‌ای برای دخترش و کمی از مایحتاج زندگیش (مانند برنج روغن و...) همراه پسر یا برادرش به خانه دخترش می‌رود. بعد از آن که پدر به خانه‌ی دختر رفت نوبت به دعوت دختر به خانه پدری‌اش می‌شود.

پدر به دنبال دخترش می‌رود و او را به خانه‌ی خود می‌برد. قبل از دعوت پدر دختر به خانه پدرش نمی‌رود. عروس یکی دو هفته در خانه پدر می‌ماند و بعد از آن داماد به دنبال همسر خود می‌رود. پدر عروس نیز با دادن هدیه‌ای به دخترش او را بدرقه می‌کند.

منابع: صفحات اجتماعی

## Vinco Forex

VINCO

# صرافی پنج ستاره

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و بالعکس با کمترین هزینه

New Location

4010 Saint Catherine 0, Suite 210 Montreal, QC H3Z 1P2

منوچهر قربانیان

514 585 2345 | 514 846 0221



## روایت یک مهاجر افغان:

# کودکی ام را در ایران باختم

اسم من مهدی است. زمانی که افغانستان را به قصد ایران ترک کردیم من هنوز ۴ ساله بودم و بسیار اندکی به یادم است که مادر و پدرم به نوبت مرا بغل می‌کردند و در مقابل نق زدن و دل‌تنگی‌هایم از طولانی بودن سفر و شب و روز پیاده‌روی، می‌گفتند: وطن ما جنگ است باید یک جای آرام بریم تا تو درس بخوانی و آزادانه همراهی هم‌سالانت بازی کنی. این نخستین آرامش بود که تا هنوز هم پوره نشده و حسرتش در دلم چنگ می‌زند. من از همان اول به‌طور آزاد به کوچه و بیرون از منزل نرفتم و بازی نکردم. دوران بچگی‌ام با ترس و کم‌زنی‌ها گذشت و دیگر سرم در کار خم شد که فامیل کم بغلم را کمک نمایند. تنها چیزی که از مادر و پدرم شنیده بودم این بود، یک خانه‌ای میراثی در کابل داشتیم که با پول گروهی آن به ایران رسیده بودیم و نسبت به نداشتن پول کافی برای پیشگی یا کرایه‌خانه مدت‌ها در صحن حویلی امام رضا (ع) به سر برده بودیم.

وقتی کمی بزرگ‌تر شدم هوس بازی در بیرون از منزل که در دلم شور خاصی ایجاد کرده بود فروکش شد، زیرا همین‌که پا باز نمودم و به کوچه رفتم از طرف دو بچه‌ای همسایه لت حسابی خوردم و با فحش افغانی «پدر سوخته و مادر جنده» لقب گرفتم که خیلی برایم ناگوار آمد. زیاد دلم می‌خواست در کوچه با بچه‌های دیگر بازی کنم ولی همان فحش‌های که خونم را به جوش می‌آورد در دل و دماغم برمی‌خورد و عصبی‌ام می‌ساخت مانع می‌شد. حساسیتم زمانی بیشتر تحریک شد که آن حادثه اتفاق افتاد. روزی به‌منظور ریختن کثافات منزل بیرون رفتم؛ بچه‌ها دورام کردند و گفتند: «ای افغانی... زیب شلوارت باز است.» تا سرم را پایین کنم خریطه‌ای کثافات را بر سرم ریختند و زیر خنده زدند که اشکم را درآورد. دلم می‌شد هر پسر بچه‌ای که مقابلم ظاهر می‌شد، پیش از اینکه مرا مسخره نموده و لت و کوبم نماید یا با توبیخ و سرزنش بر افغانیتم بتازد و روی اعصابم راه بروند بلاپس حمله کنم و قصد چندین بار لت و کوب را از هریکشان بگیرم؛ این آرمان دومی بود که به دلم ماند و نتوانستم موی از سر آن‌ها کم کنم! بخصوص وقتی مادرم می‌گفت:

بچه‌ها در خانه‌ای خودشان با جرئت‌تر هستند؛ اینجا ما غریبه هستیم و باید پای خود را از گلیم خود درازتر نکنیم. تمام قوایم به تحلیل می‌رفت و جراتم سلب می‌گردید که حتی از وجود خودم، پدر، مادر، خواهران و یک برادرم بیزار می‌شدم. همه را در خود می‌ریختم. شب‌ها کابوس می‌دیدم و نمی‌توانستم از بچه‌های

همبازی‌ام شکایت نمایم تا کمی خالی شوم. فقط شب و روز به این می‌اندیشیدم که همان بچه‌ها در کشور ما بیایند و من دست بالا پیدا نمایم. دردم می‌گرفت که وطن من در چنگال خفاشان بی‌رحم افتاده بود و ناچار شده بودیم قید آن را بزنییم و آماج زخم زبان بشیم و... زمان می‌گذشت و من هم بزرگ‌تر می‌شدم. همین‌که هفت ساله شدم مرا شاگرد یک خیاط ساختند و تا چند ماه قبل از بیست سالگی‌ام همچنان شاگرد و یا بهتر بگویم پادو خیاط‌خانه بودم. در خیاط‌خانه صرف، سودای خورد و ریز را می‌آوردم، دکان را جاروب و پاک کاری می‌کردم و تکه پارچه‌های ریز ریز خیاط‌خانه را با دست‌هایم جمع می‌نمودم. بقیه در فکر سیر کردن شکمم بودم؛ زیرا مادرم می‌گفت:

هرگاه تو و برادرت که شش سال از هم دیگر فاصله‌ای سنی داشتیم کار نکنید ما گرسنه می‌مانیم و باید هر کس درصدد سیر کردن شکم خود باشیم. مادر و خواهرانم اجازه‌ای کار کردن در بیرون از منزل را نداشتند. برادرم در یک فابریکه کار می‌کرد که پول بیشتر به دست می‌آورد. پدرم پیشه‌ای نجاری داشت. هرگاه چانس می‌آورد و کاری می‌توانست، کرایه‌خانه را پوره می‌کرد. چندین بار مادرم تلاش کرد که حداقل من مکتب بخوانم ولی از ترس اینکه باز بچه‌های هم‌سن‌وسالم مرا پدر سوخته و مادر جنده خطاب کنند؛ از خیر مکتب رفتن گذشتم. از خانواده اصرار و از من انکار، شب‌ها کابوس می‌دیدم و صحنه‌ای ریختن کثافات بر سرم بار بار خوابم را مختل می‌نمود؛ در ضمن نه اینکه مرا به آسانی اجازه‌ای مکتب رفتن می‌دادند؛ یک عالم مشکلات دیگر هم بود که باید اسناد قانونی می‌داشتم و والدینم ثابت می‌کردند که سند پذیرش مکتب را پیشکش می‌نمایند. به هر صورت ترس در تاریک‌ترین قسمت‌های وجودم خانه کرده بود که روبرو شدن با بچه‌های دیگر عصبی‌ام می‌ساخت؛ بدنام داغ می‌آمد و دندان‌هایم جرقس می‌کرد. همه اعضای خانواده ترس داشتند که ناتوانی، مرا بیشتر عصبانی نسازد و کار دستم ندهم؛ یعنی اینکه جرمی را مرتکب نشوم.

بعد از شانزده سال ترس و ارباب با دو سه پسر افغانی مصمم شدیم که راه قاچاق را طی می‌کنیم و از ایران به‌طرف ترکیه می‌رویم. البته کمی چانس با ما یاری کرد که در همان روزها رفتن به اروپا آسان‌تر شده بود. به کمک پول اندکی که مادرم ذخیره کرده بود، با تحمل مظلوم قاچاق‌بران، راهی دیاران دیگر شدیم که قصه‌اش بازهم شبیه یک خواب و خیال است و تکرار

خواهد بود که بگویم در راه قاچاق چی‌ها دیدم و چی‌ها کشیدم. مهم این است که من باز هم ترس داشتم که بار دیگر آرمان به دل بمانم و در مسیر پرخطر قاچاق طعمه‌ای حوادث جست و گریز گردم. مدت‌ها با پای پیاده طی طریق کردیم و بار بار ترس در تمام وجود ما خانه کرد تا به ترکیه رسیدیم. بعدش با زحمات فراوان دیگر که هزار بار مردیم و زنده شدیم تا قدم به اروپا گذاشتیم که راست‌راستی سودای جان به جان شد و از رفقای هم‌سفرم صرف یکی‌شان را همراه دارم و از دیگران خبری ندارم؛ زیرا حالات قسمی پیش آمد که هر کس جان خودش را می‌کشد.

به اروپا رسیدم ولی ای کاش آنچه در خواب دیده بودم آن طرف دنیا بهشت می‌بود. در اروپا هم به پسرانی همچو من که نه سواد داشتم و نه کدام پیشه یا حرفه‌ای به‌دردبخور؛ کی می‌توانست اعتماد کند؟ ناچار در یک تیم سپورتنی خودم را گرفتم و با بچه‌های که از ممالک مختلف بودند یکجا شدیم و در همان پیشه مداومت به خرج دادیم تا اینکه کمی راه برای ما هموار شد. مدت‌ها در کمی پادویی کردیم تا اینکه اعتماد صاحب‌کار باعث شد در جرمنی قبول شویم و پایبند شرط‌بندی دیگر باشیم. «الی آموزش زبان حق کار کردن ندارید» باید زبان آن‌ها را به‌خوبی یاد می‌گرفتیم. در کورس‌های زبان‌آموزی شامل شدیم.

شاید همه چیز زندگی بگذرد ولی باور کنید هنوز هم ترس در تاریک‌ترین زوایای وجودم لرزه می‌اندازد و از فحش‌های مادر و خواهر خونم به جوش می‌آید. مدیون نصایح مادرم هستم که نجاتم می‌داد تا کاری به دست ندهم و خلاف نکنم. هنوز هم وقتی مقابل نانوی برای نان گرفتن می‌ایستم، تصور می‌کنم فردی که در صف ایستاده با بازویش تلنگارم می‌زند و صدای در گوش‌هایم می‌پیچید که «افغانی... حق ندارد از ما

پیش‌تر نان به دست بیاورد.» تصور نشود که ما افغان‌ها بی‌فرهنگ و ناسپاس هستیم، من خیلی مدیون دولت ایران هستم ولی اینکه فامیل‌ها به بچه‌هایشان ذهنیت داده بودند که غربت ما را به رخ ما بکشند، خیلی دلگیرم می‌سازد. البته بیشتر از کسانی گله دارم که وطن ما را، آرامش و آزادی ما را در خانه‌ای خود ما مختل کردند و ما را مجبور به ترک کشور خود ساختند.

حداقل من و هم‌نسلانم که کشتزار سوخته‌ای این بی‌دردی‌ها هستیم، آن‌ها را نمی‌بخشیم. خدا نیز آن‌ها را نبخشد که خوب‌ترین ایام زندگی ما را از ما گرفتند و بر حیات ما بازی کردند.





# Panneton & Panneton

## Moving & Storage

تخفیف ویژه برای  
هموطنان عزیز  
در نظر گرفته  
خواهد شد

- ✓ جابجایی آسان اسباب منزل
- ✓ جابجایی وسایل و تجهیزات شرکتها و دفاتر کاری
- ✓ جابجایی بین شهری وسایل و تجهیزات
- ✓ جمع آوری و بسته بندی وسایل، قبل از جابجایی
- ✓ ۲۰۰ انبار در سائزهای مختلف برای نگهداری کوتاه مدت و بلند مدت وسایل مختلف



8660 Jeanne Mance,  
Montreal (QC) H2P 2S6

514 939 0099

514 939 9939

info@pannetonpanneton.com

## جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با اعداد ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

		1	2	3	4	7		
	3		6		8			1
			4	9		5	3	
	9	3			5	4		
			5	6				
	7	5			6	2		
3	1		7	8				
5		6			1			3
	4	9	3		5	1		

◀ نرمال

3				2				8
					5	2		9
9						7	6	
			5	8	7	1		
2				6				7
		8	2	9	1			
	9	2						3
4		6	7					
8				3				5

◀ متوسط

3					7			8
5	4					1		3
		2			1			
			3	4				2
			5			6		
4					8	9		
			7			5		
7		1					6	9
	3			5				7

◀ سخت

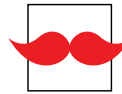
		5			3	6		
1			2					
	4		9			1		3
		3			8		5	
7								2
		2		6		4		
5		9			7			4
					5			6
		8	6			2		

◀ خیلی سخت

## مه‌سایاسپور



«درشته» یکی از غذاهای سنتی دزفول است. به این غذا یریشه یا گمنه هم گفته می‌شود. در سال‌های دور که برنج در جنوب ایران کشت نمی‌شد، مردم «درشته» را در سفره‌های خود داشتند. در واقع چون برنج طبع سردی داشت و با ذائقه مردم جنوب سازگار نبود، آنها از گندم به عنوان جایگزین پلو استفاده می‌کردند.



## آشپزی هفته

COOKING WEEK

## درشته (گمنه)

## طرز تهیه

ابتدا پیاز را نگینی خرد کرده و در قابلمه تفت دهید تا سبک شود. آرد را اضافه کرده و با پیاز تفت دهید تا خامی آن گرفته شود. نمک، زردچوبه و فلفل را اضافه کرده و تفت دهید تا پیاز سرخ شود. سیب‌زمینی را نگینی خرد کرده و به پیاز اضافه کنید تا کمی تفت بخورد. گردو خردشده را نیز در این مرحله اضافه کنید. دو لیوان داخل قابلمه بریزید و اجازه دهید تا به جوش آید. برای آماده کردن نعنای خشک، در تابه کمی روغن ریخته و بعد از داغ شدن نعنای را به آن اضافه کنید. توجه داشته باشید که نعنای را نباید زیاد در روغن تفت دهید، چون نعنای تلخ شده و کله جوش را خراب می‌کند. بعد از اینکه آب به جوش آمد نعنای آماده شده را به غذا اضافه کنید. کشک ساییده شده را در ظرفی ریخته و با یک لیوان آب آن را رقیق کنید و در قابلمه بریزید تا قل بزند. درب قابلمه را گذاشته و با شعله ملایم اجازه دهید تا کله جوش به غلظت مناسب برسد. نوش جان

## مواد لازم

۱. کشک ۲۰۰ گرم
۲. پیاز بزرگ ۱ عدد
۳. مغز گردو خردشده ۲ قاشق غذاخوری
۴. نعنای خشک شده ۲ قاشق غذاخوری
۵. آرد سفید ۱ قاشق غذاخوری سرپر
۶. سیب‌زمینی متوسط ۱ عدد
۷. نمک، زردچوبه و فلفل سیاه به میزان لازم

## نکته مثبت هفته

کم‌هزینه‌ترین لذت‌های دنیا: بیشتر شکر کن و کمتر گله کن، گاهی به تماشای غروب آفتاب بنشین و گاهی هدیه‌هایی که گرفته‌ای را بیرون بیاور و تماشا کن.



## شعر هفته

## «من چهره‌ای در آینه‌ها دیدم از خودم»

من چهره‌ای در آینه‌ها دیدم از خودم  
این بار هفتم است که ترسیدم از خودم  
شش بار پیش هم که در آینه زُل زدم  
از خاطر منورته که گرخیدم از خودم  
در پنجمین نگاه که کردم به آینه  
جز سایه هیچ چیز نمی‌دیدم از خودم  
گفتم چکی برای خودم، پُر بدک نبود  
از خنده پیش آینه، ترکیدم از خودم  
وقتی که چشم‌های من از خنده شد پرآب  
خود را در این مکاشفه، باریدم از خودم  
آن شخص ناشناس که آمد درون من  
جا تنگ شد برایم و کوچیدم از خودم  
با اینکه من مفسر شعر معاصر  
یک بیت تا به حال نفهمیدم از خودم  
حتی همین غزل که برای چه گفته‌ام!  
هرچند بیست مرتبه پرسیدم از خودم  
آری از آسمان به زمین می‌توان رسید  
من هم به این رسیدم و شعریدم از خودم!

منبع: (فیض‌بوک، ناصر فیض، تهران؛  
شرکت انتشار سوره مهر، ۱۳۹۲)

## «اول حرف بز، بعد فکر کن!»

## حکایت هفته

گفته‌اند که رفتگان از دار دنیا را به نیکی یاد کنید. خداوند رحمتشان کند؛ گذشتگان چقدر باحوصله بودند و چه صبری داشتند که می‌گفتند هر چیزی مقدماتی دارد و عجله کار شیطان است. می‌گفتند: «اول اندیشه وانگهی گفتار»

وقتی فکر می‌کنم که آن خدایابامرزاها برای گفتن همین دو سه تا جمله ساده چقدر اندیشه به کار بسته‌اند دلم به حالشان می‌سوزد. کاش بودند و می‌دیدند که در این روزگار صنعت و سرعت، آدمیزاد چقدر پیشرفت کرده است؛ به نحوی که اول حرف می‌زند و بلکه نطق می‌کند و بعدها اگر فرصت کرد، به حرف‌هایش می‌اندیشد! اگر هم فرصت نکرد که باز هم می‌رود پشت تریبون بعدی و حرف می‌زند و سخنرانی می‌کند؛ یعنی وقتش را برای فکر کردن تلف نمی‌کند.

یا مثلاً علما و دانشمندان قدیم خیال می‌کردند که آدم باید اول درس بخواند، بعد امتحان بدهد، بعد ادیب و حکیم و متخصص بشود؛ در حالی که بشر امروز آن‌قدر با سرعت پیشرفت می‌کند که گاهی فرصت درس خواندن ندارد و بی اتلاف وقت در مدرسه و دانشگاه و بدون سیاه کردن دفتر و تحمل رنج مطالعه و تحقیق، مدرک می‌گیرد و ادیب و متخصص می‌شود به چه خوبی! بعد هم در همان دوران جوانی و بلکه نوجوانی صاحب‌منصب می‌شود و کمر به خدمت مردم می‌بندد.

یک نوع پیشرفته‌تر هم هست که از نظر زمانی صرفه‌جویی بیشتری دارد و آن به این شکل است که اول آدم شایستگی و تجربه و تخصص احراز مناصب مهم را به نحوی کسب می‌کند و در مدیریت‌های کلان مشغول خدمت می‌شود، بعد در حین خدمت به مردم و وقف تمامی اوقات به ادای تکلیف، برای راست و ریست کردن مدرک و تخصص و بستن دهان یاهوگویان دست به کار می‌شود.

تا همین چند سال پیش تصور می‌کردیم که طرح‌های عمرانی مقدماتی دارد مانند مطالعه و تأمین اعتبار و انتخاب پیمانکار و اجرای طرح و درنهایت افتتاح آن، اما سرعت امور کار را به‌جایی رسانده که می‌توانیم اول طرح را افتتاح کنیم و آمار و عکس و تبلیغاتش را منتشر کنیم بعد سر فرصت درباره‌اش مطالعه کنیم و اگر شد اجرائش کنیم. اگر هم نشد مهم این است که افتتاح شده است.

یک‌جور جابه‌جایی در مقدمات و نتایج امور هست که البته طرح نیست ولی در برخی ممالک آن‌طرف اقیانوس‌ها، دور از جان شما، رواج دارد؛ مانند اینکه از قدیم رسم بر این بوده که ازدواج مقدمه لازم و منطقی بچه‌دار شدن باشد.

منبع: (لب خط قرمز، اسماعیل امینی، تهران؛ شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵)

## لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

FUN  
HAFTEH

## نکته هفته

شاید خوشبختی واقعی زمانی است که ما با خودمان خوشیم!

## نقل قول هفته

مولوی: آدمی مخفی ست در زیر زبان / این زبان پرده‌ست بر درگاه جان.

## ضرب‌المثل هفته

پارسی: زلیخا گفتن و یوسف شنیدن؛ شنیدن کی بود مانند دیدن.  
اسپانیولی: اگر به من اردیبهشت و خرداد را بدهی به تو تمام دنیا را می‌بخشم.

- \* سیم مودم و کولر رو جوری تنظیم کردم که وقتی کولر رو روشن می‌کنی مودم خودش خاموش میشه ... اینو از گروه باباها دزدیدم، داشتن چیز یاد هم می‌دادن.
- \* رفتم واسه پلیس مخفی شدن استخدام بشم ... افسر گفت: چیزی از این کار میدونی؟! ... گفتم: من خوراکم مخفی شده تا ده بشماره یه جا قایم میشم نیم ساعت طول بکشه پیدام کنی ... گفت تا ده می‌شمارم گمشو خونتون!
- \* امتحان می‌دادیم، خانم مراقب بالای سرم وایساده بود تکون نمی‌خورد ... بهش گفتم: دوست دارم، گذاشت رفت! ... ولی متأسفانه با حراست برگشت!
- \* تو فرهنگ ایران عمه مسئول باز یافته تو فامیل ... هرچی به درد نخوره تو چشات زل می‌رنن می‌گن به درد عمت می‌خوره.
- \* امروز روز جهانی سیب خوردنه ... من این روز رو به خدای بخشنده و مهربان تبریک میگم که به خاطر یه سیب بابای هممون رو درآورد!
- \* در تمام طول تاریخ ... این اولین دفعه است که والدین به بچه‌ها میگن لازم نکرده بری مدرسه!
- \* جدیدترین پیشنهاد دولت برای مدارس اجرای طرح زوج و فرد است ... روزهای زوج معلم‌ها بیان ... روزهای فرد دانش‌آموزان!
- \* اگر قرار باشه با توجه به پول جیبم جای برم ... فقط می‌تونم برم تو فکر!



**صرافی افرا**  
 با مدیریت افرا مصطفایی کارتخوان ایران  
 انجام خدمات ارزی به ایران و برعکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)  
 تضمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا  
 جنب مترو اتواتر 514-576-3830  
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

**فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران**  
 هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،  
 انواع برنج، چای، عرقی ها، سبزی خشک و ....  
**(514) 369-3474** Marché de poisson et viande 5780 Sherbrooke West, Montreal QC, H4A 1X1

**مهری صدوقی** مشاور مجرب شما با ۲۰ سال سابقه  
**T.A.M Travel**  
 Mary Sadoughi  
 T: 514-940-1642/940-1643  
 maryagency@gmail.com  
 1134 St-Catherine O # 900  
 Montreal, Qc, H3B 1H4  
**C: 514-834-2166** ACTA ATAA IATA

**صرافی آشنا**  
 خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی  
 امکان خرید با دستگاه کارتخوان عضو شبکه شتاب  
**ASHINA EXCHANGE**  
 Office: 514 - 560 - 7085  
 Cell: 514 - 462 - 5185  
 4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

**مرکز آموزش زبان انگلیسی رکسانا**  
 حضوری (مونترال)، آنلاین (سرانسر کانادا و آمریکا)  
 دوره های فشرده آیلتس، تافل و مکالمه  
**WWW.ROXANA-OLC.COM**  
**مرتضی طاهری**  
**+1 (514) 585-0189**

**SHARIF EXCHANGE**  
**صرافی شریف**  
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم  
**www.sharifexchange.ca**  
**Tel: (514)223-6408** 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

**خاطره تعویلداری یکتا**  
 مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران  
**Commissioner for Oaths**  
 در محدوده کبک و خارج از کبک  
 کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها  
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت  
**حتی در روزهای تعطیل**  
 (438) 390-0694 (514) 675-0694  
 khaterehyekta@yahoo.ca

**هر روز هر روز**  
**مونترال <> تورنتو <> مونترال**  
 مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی  
**Montreal: 514-887-0432**  
**Toronto: 647-822-2529**

**صرافی پرسپولیس**  
**سریع آسان قابل اطمینان**  
**514-225-3455 & 438-357-7000**  
**@PersepolisSarafi | 5774 rue Sherbrooke Ouest, Montreal H4A 1X1**

**کلیه خدمات عکاسی و فیلمبرداری حرفه ای در استودیو**  
 فقط با وقت قبلی  
**STUDIO PHOTOBOOK**  
**(514) 984-8944**  
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3



**VANTAGE**  
LE GROUPE PROFESSIONNEL LE MONTREAL  
514 995 3041

**آتوسا تنگستانی فر**

**همراه با شما در خرید آگاهانه همگام با شما در فروش موفقیت آمیز**

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

هدیه من به شما پرداخت اولین قسط دوهفته گانه وام بانکی شما

2850 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5  
atosa.tfar@gmail.com

**SOROOR SADR** **سرور صدر**

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه‌های مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES  
WITH APPOINTMENT  
Gestion Financière Loyale  
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

**514.777.3604** loyale.accounting@gmail.com

**NCB CONSTRUCTION**

**HOME INSPECTION**

کارشناس و بازرس فنی ساختمان  
سهیل گلپور

Inter NACHI Certified Professional Inspector (CPI)  
Certified Residential Building Inspection  
Member of InterNACHI Quebec #17070512  
Civil engineering RBQ#5678-7625-01  
**TEL: (438) 402 - 1401**  
Golpour.s@gmail.com Website:ncbconstruction.ca

خرید یک ملک می تواند مهمترین و بزرگترین سرمایه گذاری در زندگی شما باشد. بگذارید تلاش کنیم تا آن را از نقص های عمده بررسی کنیم.

+ IPTV Service **Internet + phone**

**اینترنت**

- با سرعت بالا، قیمت مناسب و ثابت
- کیفیت عالی
- تلفن ثابت منزل با تماس نامحدود به ایران
- اینترنت و تلفن رایگان با کیفیت عالی

برای اطلاعات بیشتر لطفا با شاهین فاسمی تماس بگیرید: **514-561-2071**

**ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.**

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری**

**با توجه به انتخاب شما**

**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص  
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri (514-562-3493) CPA Candidate  
Iraj Mohammadi (514-625-6292) CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9  
http://elanaccounting.ca  
info@elanaccounting.ca

**Artistic Men Haircut by Sirous**

متخصص  
مدلهای هنری  
برای آقایان

**514-240 1493**

**IC ACCOUNTING**

خدمات حسابداری و دفترداری  
ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES

آموزش نرم افزارهای حسابداری  
ACCOUNTING SOFTWARE TRAINING

تنظیم اظهارنامه‌های مالیاتی  
INDIVIDUAL AND CORPORATION TAX RETURN

3333 Boul Cavendish suite 315, Montréal, QC H4B 2M5  
acc.mtl.acc@gmail.com (514) 458-7599

اردشیر معین افشاری  
Ardehsir Moiafshari

## سخن ستارگان (برای تفنن)

فال شما برای ۱ تا ۷ اکتبر / ۱۰ تا ۱۶ مهر



## متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

حاکم شما مریخ پرشور از آخر ماه ژوئن در موقعیت شما بوده و تا اوایل ژانویه ۲۰۲۱ همان‌جا باقی خواهد ماند. این حالت باعث می‌شود پرنرزی، خشن و بسیار فعال باشید! در عین حال از این هفته تا ۱۳ نوامبر با عقب‌نشینی مریخ، انرژی و خشونت شما کاهش می‌یابد. احساس می‌کنید تمایل چندانی به شروع کارها یا در حقیقت شوق چندانی برای انجام آن‌ها ندارید. آرام بوده و همه‌چیز را آسان بگیرید.



## متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

شرایط کمی پیچیده است. از طرفی می‌خواهید جشن گرفته و از تعطیلات و ورزش و بازی با بچه‌ها لذت ببرید. می‌خواهید زندگی را تغییر داده و جذاب‌تر کنید. از طرف دیگر پنهان شدن مریخ در موقعیت شما، هیجانانگیزانه را در شما تحریک کرده و شما را بدترین دشمن خود می‌کند. با عقب‌نشینی مریخ در چند ماه آینده احساس ناامیدی می‌کنید. می‌خواهید بدانید چه باید کرد، اما نمی‌توانید. اگر نمی‌توان شرایط را عوض کرد، باید آن را پذیرفت.



## متولدین خرداد (۲۱ مه - ۲۱ ژوئن)

خانه، خانواده و زندگی شخصی، مهم‌ترین نقطه‌نظر شماست. خوشبختانه حضور ونوس در خانه ارتباطات شما را در نظر دیگران جذاب و باسیاست می‌نماید! عطارد با ورود به موقعیت شما باعث می‌شود از بازی‌های فکری، جورچین و شوخی لذت ببرید. در عین حال عقب‌نشینی مریخ در این هفته باعث تردید در روابط با یک دوست می‌شود. البته شاید هم ارتباط خود را با یک گروه مورد سؤال قرار دهید.



## متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

همچنان پرمشغله هستید. سفرهای کوتاه، مأموریت، مکالمات با دیگران و خواندن و نوشتن بسیار برنامه کاری شما را پر می‌کند. مذاکرات خانوادگی و تعمیرات خانه هم در لیست شما هستند. خوشبختانه پول جذب خود می‌کنید تا بتوانید برنامه‌ها را به‌خوبی پیش ببرید. اکنون کمی اعتمادبه‌نفس را از دست داده‌اید. می‌ترسید بیش از حد توان خود را درگیر کنید. همین باعث احتیاط می‌شود و احتیاط شرط عقل است.



## متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

انرژی کاملی که از مریخ پرشور در موقعیت متولدین فروردین دریافت می‌کنید بسیار خوب است! شور و شوق شما، خصوصاً برای سفر، مطالعه و ... شما را به تحرک وامی‌دارد! بسیاری از شما تلاش کرده‌اید جهان را بهتر بشناسید. با این وجود، اخیراً کمی انرژی‌تان را از دست داده و احساس تنبلی می‌کنید. خود را اذیت نکنید. هر کاری که انجام می‌دادید، کمتر ولی به‌صورت روتین انجام دهید. فقط سعی کنید حتماً آن را انجام دهید.



## متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

طبیعتاً به دلیل حضور خورشید در موقعیت شما، از انرژی بسیار برخوردارید. این فرصت خوبی است برای شارژ باتری‌هایتان تا آخر سال. اکنون با عقب‌نشینی عطارد ممکن است در بحث‌های مربوط به ارثیه و اموال مشترک و حتی روابط احساس شکست کنید و خود را زیر سؤال ببرید. ممکن است از خود بپرسید آیا نزاع برای این سهم واقعا ارزش دارد! این احساس کاملاً موقتی است! تا ماه ژانویه همه‌چیز متفاوت خواهد بود!

Impression • Reprographie • Enseigns • Accessoires et fournitures de bureau  
Printing • Reprographies • Signs • Office supplies

## اولین تعاونی چاپ در کانادا

کارکنان و کارمندان شاغل در چاپخانه صاحبان آن می‌باشند!

# printing.coop

Printing cooperative

### همه کارهای چاپی طراحی و ساخت تابلو در زیر یک سقف

با ۲۵ سال تجربه چاپ و تبلیغات  
ومدیریت مهندس مهدی افضلی

قیمت مخصوص برای موسسات و سازمانهای اجتماعی

با سه شعبه در خدمت شما

9166 Rue Lajeunesse Montréal, QC H2M 1S2 514-544-8043 1-877-384-8043	Printing.coop Papineau 4506 Avenue Papineau Montreal QC H2H 1V1 514-439-9255	Printing.coop Parc 5137 Avenue du Parc Montreal QC H2V 4G3 514-903-8043
---	---	--

## imprimeur.coop

Impression Coopération

## Pushap Restaurant

غذای خوشمزه گیاهی  
شیرینی های هندی

قسمت‌های مانی رقیب هستند

514-737-4527

5195 Pare St,  
Montreal, QC H4P 2B1

## آموزش خوشبختی

بمراه با برگزاری آزمونهای تجزیه خوشنویسان ایران کبک مرکز هنرهای

نستعلیق ۱۲ جلسه بزرگسالان ۲۰۰ دلار  
دانش آموزان ۱۷۰ دلار

تحریری ۱۲ جلسه بزرگسالان ۱۵۰ دلار  
دانش آموزان ۱۲۰ دلار

مری نصاری ۵۱۴-۵۵۴-۴۸۹۲



**متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)**

علیرغم چالش‌هایی که با آن‌ها مواجه می‌شوید، بسیاری از جوانب زندگی شما آرام پیش می‌روند. از توانایی بالایی برای صحبت با والدین و رؤسا برخوردارید. همسر، دولت و دیگر منابع برای هرگونه کمک، چه مالی و چه دیگر کمک‌ها، حامی خوبی هستند. علیرغم آن، زندگی داخلی شما پر چالش است! از بحث و گفتار تند با خانواده بپرهیزید. باید صبور بود و یکدیگر را درک کرد. شما به خانواده اهمیت می‌دهید. فراموش نکنید صبر بهترین دارو برای خشم است.

**متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)**

با حضور ونوس در مقابل موقعیت شما در این هفته، از روابط گرم با همسر و دوستان نزدیک لذت می‌برید. ممکن است برنامه‌های آتی برای سفر داشته و بیشتر به مطالعه بپردازید. همچنین ممکن است مقالات، کتاب‌ها یا آثار خود را تکمیل کنید. می‌خواهید جهان را به جای بهتری برای زندگی تبدیل کنید. در این زمان نامعلوم، با دیگران بحث می‌کنید زیرا طرز فکر متفاوتی دارند. با فریاد زدن نمی‌توان آن‌ها را متقاعد کرد به شما گوش دهند، بلکه باید آرام باشید.

**متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)**

با چالش‌هایی مواجه و از آن‌ها خسته هستید. خوشبختانه روابط با همکاران خوب است. ممکن است ترفیع گرفته و یا به خاطر تلاش‌هایتان از شما قدردانی شود. در عین حال، عقب‌نشینی عطارد بر خانه درآمد شما تأثیر می‌گذارد. ممکن است نحوه کسب درآمد خود را زیر سؤال ببرید. ممکن است خود را در مورد همه دارایی‌هایتان زیر سؤال ببرید. نگران نباشید تا ماه ژانویه همه‌چیز برایتان شفاف می‌شود.

**متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)**

در حال حاضر عقب‌نشینی مریخ مستقیماً در مقابل موقعیت شما انجام می‌شود. این بدان معناست که این سیاره در خانه شراکت و دوستی‌های نزدیک شما عقب‌نشینی کرده و شما فشارهایی را احساس می‌کنید. ممکن است نسبت به این ارتباط شک کنید و یا حتی احساس کنید اشتباه است. شاید احساس کنید باید مدتی از هم دور باشید. شما مسئول رفتار و گفتارتان هستید؛ بنابراین به نحوه رفتار خود توجه کنید.

**متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)**

از گپ و گفت با دوستان و شرکت در فعالیت‌های گروهی لذت می‌برید. روابط با والدین و رؤسا خوب بوده است. همچنین از انرژی کافی برای تحقیق و تکمیل کار برخوردار بوده‌اید. تا چند هفته گذشته توانایی کار به‌جای خود و دیگران را داشته‌اید. ولی این انرژی اکنون رو به کاهش است! به خود سخت نگیرید. برنامه کاریتان را پرکنید اما این اجازه را به خود بدهید که آرام‌آرام کار کنید. راز موفقیت آن است که توقف نکنید.

**متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)**

حضور خورشید در بالای موقعیت شما نوری بر وجودتان می‌افکند که باعث می‌شود دیگران شما را بهترین بدانند. سفر برای تفریح و فرصت لذت از روابط گرم و صمیمی را بسیار دوست دارید. در عین حال عقب‌نشینی مریخ استرسی را برای والدین در رفتار با فرزندان و نیز در روابط همسران ایجاد می‌کند. ممکن است برای زندگی کردن با این فرد خود را زیر سؤال ببرید. تا ماه ژانویه همه‌چیز شفاف می‌شود. رفتاری نکنید که بعد پشیمان شوید.






## آرش شکر

### مشاور رسمی املاک مسکونی

**مشاوره تخصصی املاک درآمدزا**

**جهت سرمایه‌گذاری**

**خانه های ویلایی و کاندو و تان‌هاوس**

**514 730 3909**

**دسترسی به پیش فروش VIP**

**دریافت وام تضمینی**

برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید



GROUP MEMBER  
**LONDONO**  
REALTY GROUP INC

**HIGH ROLLER**  
2018, 2019, 2020

A Donation partner of  
**DANS LARUE**

Broker of the  
year 2019

### ترجمه رسمی دعوت نامه

ترجمه رسمی و دعوت نامه شهریار بخشی  
bakhsibakhshi@gmail.com ۵۱۴۶۲۴۵۶۰۹

### مشاوره: درمانی، تحصیلی، مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی  
www.psynaquebec.com ۵۱۴۸۴۶۸۸۷۲

### حسابداری

برای امور حسابداری خود با ما تماس بگیرید.  
۵۱۴۵۴۹۱۳۴۴ حجت رستمی

### آموزش زبان فارسی

آموزگار با ۳ دهه سابقه تدریس و ۲۰ سال سابقه تدریس در پایه اول  
mehrkids.com مهرنوش معانی ۵۱۴۹۸۴۱۳۶۱

### تدریس زبان فرانسه

شهره شاکری  
کلینیک زبان و ادبیات فرانسه / هنرگاه تهران

- تدریس زبان فرانسه / کلیه سطوح
- آمادگی برای آزمون های TFI, TEFaQ, OQLF
- مکالمه زبان فرانسه از طریق اسکایپ
- آمادگی برای مصاحبه های کاری و تهیه رزومه
- ترجمه همزمان و ترجمه کلیه متون و مدارک

Tel: 514 895 7997  
Email: shakeri.sharareh@gmail.com



### استاد شیدا قره چه داغی اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد  
جهت آماده شدن برای امتحان های  
دانشکده ها یا مدارس عالی  
موسیقی و کنسرت



514 484 8748  
sheida.g@hotmail.com

### صابر جلیل زاده

### آموزش سنتور

ابتدایی  
مقدماتی  
ردیف



saberjalilzadeh@yahoo.ca 514-549-4697

پیش شماره‌های  
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

# نیازمندی‌ها فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

۹۰۳-۸۵۶۰	مونا صالحی	۹۳۳-۶۸۰۰	فریدون هرنیدیان	۶۵۳-۳۰۵۰	دکتر رضا یاوریان	اتومبیل (فروش)
مد و لباس		رسانه های گروهی		بیمه عمر و سرمایه گذاری		Auto Highlander
۸۴۲-۵۶۰۸	HPadar	بازار	۸۴۸-۹۵۹۹	نیره امداد	۴۷۳۵۳۹۵	۹۹۰-۲۵۰۰
مراکز مذهبی		پوشه	۵۷۵-۸۴۵۱	علی پاکنژاد	۲۹۶-۹۰۷۱	www.autohighlander.com
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی	هفته	۷۸۷-۸۸۴۸	عبدالله صفوی	۴۶۷-۸۴۹۱	1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7
۳۴۱-۲۲۳۵	موسسه خویی	پرنیان	۹۰۳-۴۷۲۶	متین تیره دست	۶۹۰-۶۱۸۱	اتو کاسپین
۲۶۱-۶۸۸۶	کلیسای ایرانی	پیوند	۹۹۶-۹۶۹۲	بیمه (خودرو و خانه و سفر)		www.autocaspien.com
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی- کشیش	رستوران- پیتزا - کیتزینگ				
مشاور املاک		فارس		مشاور فارسی زبان بیمه Allstate		اتومبیل (تعمیرگاه)
۵۸۸۰۶۰۹	مهدی انصاری	رسنوران غذاهای دریایی		مهرداد ملکچمشیدی	۶۵۲۷۶۷۷	اطلس
۹۹۵-۳۰۴۱	آنوسا تنگستانی فر	362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437		پزشکی جایگزین		۴۸۴-۴۴۸۱
۹۶۷-۵۷۴۳	مینو اسلامی			ترجمه و دعوتنامه رسمی		6000 saint jaque H4A 2E9
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	پوشاپ (هندی)	۷۳۷-۴۵۲۷	رضا داودی	۶۹۱-۴۳۸۳	شمیران
۲۹۰۲۲۱۰	شهره شهریان	آریا	۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹	شهریار بخشی	۶۲۴-۵۶۰۹	آرایشگاه - زیبایی - اسپا
۶۲۵۲۵۲۵	سحر صمدایی	کباب سرا		خاطره تحویل داری یکتا	۴۳۸-۳۹۰۰-۶۹۴	آمنه
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان	820 Ave. Atwater / 514-933-0933		نوشادجمال	۵۷۵-۷۰۸۰	3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1
۵۶۱-۳۵۶۱	آرزو گتمیری	ساخت و ساز Builders		چاپ و کپی		www.Amybeautysalon.com
۹۷۱۷۴۰۷	کاظم پرتو نهرانی	علی خاقانی	۵۷۴-۵۷۴۳	فتوکی ان دی جی	۴۸۸-۵۳۳۳	سوزان
۷۳۰۳۹۰۹	آرش شکور	سی.دی - ویدئو		حسابداری	۴۵۸۷۵۹۹	رویا
مشاور خانواده		تپش دیجیتال	۲۲۳-۳۳۳۶	اردشیر معین افشاری	۲۴۲-۶۰۳۴	فریبا
		فرش و موکت		حسین خریدین	۵۴۹-۱۳۴۴	آزادانا
مشاور تحصیلی		قالی شویی و رفو	۷۳۹-۴۸۸۸	حجت رستمی	۷۷۷-۳۶۰۴	پرسپولیس
		عکاسی و فیلمبرداری		سرور صدر	۸۸۶۷۴۷۱	پنج ستاره
مشاور مهاجرت		استودیو فتوبوک	۹۸۴-۸۹۴۴	مهدیه سلیمی		صرافی الیت
		فتو شاپ	۸۴۶-۰۲۲۱	حمل و نقل		شریف
معصومه علی محمدی	۲۸۹-۹۰۴۴	فروشگاه ها		المپیک	۹۳۵-۳۳۰۰	پاسیفیک
علی مختاری	۹۰۳-۴۷۲۶	سن لوران	۳۶۹-۳۴۷۴	قربان	۸۸۷-۰۴۳۲	ExpertFX
سهیل ملاحمدی	۷۴۸-۰۹۴۹	بازار	۸۴۶۱۶۱۷	Loadex Transport	۲۳۴-۳۳۹۹	آراز الکتریک - برق کار
گنجی	www.GanjiCo.com	EXO Fruits	۷۳۸-۱۳۸۴	خدمات ویزای توریستی		آزانیس های مسافرتی
نان و شیرینی		متروپولیس (تعاونی رز)	۸۴۹-۴۲۴۲	خیاطی		سلطان تراول
کافه قنادی شیراز	۴۳۸-۴۰۱-۸۵۴۶	کامپیوتر و خدمات		Tailleur Bijan	419-1039	فرناز معتمدی
گندم	۸۳۶-۵۵۵۳	بیژن جلالی	۲۵۸-۸۱۸۶	2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1		مهری صدوقی
نان سنگک آذر	۶۳۴-۶۳۶۳	EvoWeb	۵۱۴۶۴۹۹۳۶۶	خدمات در ایران		سعید هاشمی
نوسازی و تعمیرات ساختمان		کتاب فروشی / کتابخانه		دارالترجمه فرهنگ	۶۹۱-۴۳۸۳	آموزش
تی.ام.ان	۸۳۵-۶۲۴۳	کتابخانه نیما	۴۸۵-۳۶۵۲	دارو خانه		پروین عبائی - فارسی
لوله کشی پارس	۲۹۰-۲۹۵۹	نوروززمین	۷۸۷-۸۸۴۰	لونیژ داداش زاده	۲۸۸-۴۸۶۴	مدرسه فردوسی
بهنام	۴۴۱-۴۲۹۵	طراحی و گرافیک		فارماپری لاوال	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰	مدرسه وست آیلند
وام مسکن		لباس: فروش / تعمیرات		فارماپری لاوال	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷	مدرسه دهخدا
بهروز باباخانی	۶۰۶-۵۶۲۶	محضر رسمی		دندان پزشک		آموزشگاه (راندگی)
آنوسا تنگستانی فر	۹۹۵-۳۰۴۱			راضیه رضوی	۶۳۴-۷۲۸۱	آموزش (موسیقی)
شیرین تیموری	۹۷۹۹۸۰۹			شریف نائینی	۷۳۱-۱۴۴۳	پیانو / فزاریان
مهرداد مرادخانی	۸۳۴۸۰۵۳			علی شفیع	۶۸۵-۶۲۲۲	استاد بیانست فرجه دانی
مهد کودک						آموزش (زبان)
سیمیا (دولتی)	۶۹۹-۸۳۷۳					
وکیل/مهاجرت						
دیوید برگر	۹۶۱-۸۷۴۶					



## 30: Histoire de couverture

**Journée de la chemise orange, Phyllis Webstad, sa douleur et ses espoirs**

**Une introduction à l'histoire des pensionnats canadiens**

■ Par: Sara Anderson, F. Sadatsharifi, Maryam Irani, Sajad Sahebzand, Abbas Mehrabian



Cover NO.603

**38 Rapport:** Navideh Ahmadi  
**Ne jamais avoir l'impression d'appartenir; Immigrants afghans en Iran**



**22 Immigration:** Masoumeh Alimohammadi  
**Une rapidité sans précédent dans l'examen des demandes de parrainage de conjoint par Immigration Canada**



**12 Économie:** Behrad Ranjbari  
**Le marché boursier canadien gravement touché par Covid 19**

**20 Communauté :** Khosro Shemiranie  
**Le Premier ministre canadien a demandé la libération de Nasrin Sotoudeh**



**40 Santé:** Negin Parvarandeh  
**Des psychologues et des sexologues pour vous vacciner**

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal  
A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal  
01 october 2020, numéro 603  
01 October 2020, issue Nr. 603

1650 Maisonneuve West  
Suite #201  
Montreal QC, H3H 2P3  
(514)787-8848  
• www.hafteh.ca  
• info@hafteh.ca  
• news@hafteh.ca  
• ad@hafteh.ca  
• ISSN 1918-4379 Hafteh

Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc  
Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie  
Conception graphique: Hafteh  
Afghan: Habib Osman  
Nargis Karimi Hashimi  
Immigration: Masoumeh Alimohammadi  
Actualité Communauté: Mahdiah Mostafaei  
Philosophie: Reza Davoudi  
Science: Mariam Irani  
Économie: Behrad Ranjbari  
Price : \$2.50  
Annual subscription: \$120

Hafteh will not be published on the following dates during 2020:

January 2nd  
March 26th  
July 9th  
October 15th



This project is funded in part by the Government of Canada.  
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.



Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

# پادکست چکاوک هفته

## زنان مهاجر

۱ مصاحبه با پرفسور **اله نوش سرویان**، استاد دانشگاه مک‌گیل درباره داستان مهاجرت

او، چالش‌ها و موفقیت‌هایش

۲ گفت‌وگو با دکتر **شکیب نهرالله**، روان‌شناس از دانشگاه مک‌گیل درباره پژوهش

هایش درباره زنان مهاجر ایرانی

۳ روایت **محمدا محبی** درباره رقابت‌های «کانادا می‌خوانده ۲۰۲۰»؛ معرفی کتاب برنده «ما

همیشه اینجا بوده‌ایم» و نویسنده آن خانم **سمر اصیب**

۴ مصاحبه با خانم **آتنا بارفروشی**، مهاجر ایرانی موفق در مونترال که از تجربه مسیر پریج و خم

خود و رسیدن به شغل موردعلاقه‌اش، آشپزی سخن می‌گوید

۵ روایت **معم ایرانی** از مردمان متیس کانادا، گروه کم و بیش ناشناس اما بزرگ از بومیان

کانادا



مجله صوتی فارسی زبانان کانادا

پادکست هفته را می‌توانید از پلتفرم‌های زیر بشنوید



SCAN ME



Hafteh.ca | T.me/haftehmontreal





تیم مدیریتی با بیش از ۳۰ سال سابقه اجرا در ۱۵۰۳۴

## سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی  
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز  
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca  
5473 Ave Royalmount #214 Montreal, QC, H4P 1J3  
RBQ # 5639-5874-01

+ IPTV Service

Internet + phone



# اینترنت

- با سرعت بالا، قیمت مناسب و ثابت و کیفیت عالی
- تلفن ثابت منزل با تماس نامحدود به ایران
- اینترنت و تلفن رایگان با کیفیت عالی

514-561-2071

برای اطلاعات بیشتر لطفا با شاهین قاسمی تماس بگیرید:





**SAMI FRUITS**

# میوه تره بار سامی

کیفیت: خوب قیمت ها: غیر قابل رقابت

با شش شعبه بزرگ در خدمت شما

**D.D.O. (514) 421-6333**  
 3000 Rue du Marche, H9B 2Y3  
 چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰  
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲:۰۰  
 جمعه: ۸:۰۰ تا ۲:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۰۰  
 (دوشنبه و سهشنبه تعطیل)  
**Head Office**  
 1505 rue Legendre Ouest  
 Montreal, QC H4N 1H6  
 (514) 858-6363

**Nord-est (514) 593-1333**  
 8200 19E Avenue, H1Z 4J8  
 دو و چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰  
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲:۰۰ - جمعه: ۸:۰۰ تا ۲:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰ - سهشنبه: تعطیل  
**St. Laurent (514) 856-1333**  
 1320 boul. Jules-poltras, H4N  
 چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ - پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲:۰۰  
 جمعه: ۸:۳۰ تا ۲:۰۰ - شنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰  
 یکشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۰۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

**Laval (450) 978-1333**  
 1550 Blvd Daniel.Johnson  
 دوشنبه و چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰  
 پنجشنبه: شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰  
 جمعه: ۸:۳۰ تا ۲:۰۰ - سهشنبه: تعطیل  
**Lasalle (514) 368-1333**  
 400 ave Lafleu, H8R 3H6  
 چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰  
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲:۰۰ - جمعه: ۸:۰۰ تا ۲:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

سامی، جایی که می توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید، اما کیف پولتان را خالی نکنید.





**INSTITUT TECHNIQUE**  
**AVIRON**  
**TECHNICAL INSTITUTE**  
**DE MONTRÉAL**

80 années écoulées pour le bon service

امکان دریافت وام و بورس  
مشاوره برای کاریابی ارائه می‌شود

**Service de Placement Disponible**

## روایهای خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

### دوره های آنلاین اویرون آغاز شد

**Programmes D.E.P 1800 heures:**

- \* Soudage-montage
- \* جوشکاری و مونتاژ
- \* Mécanique automobile
- \* مکانیک اتومبیل
- \* Dessin industriel
- \* طراحی صنعتی
- \* Électricité
- \* برق کاری

• تئوری: به صورت آنلاین  
• عملی: در موسسه و حضوری  
• امتحانات: حضوری یا در مکتب و مراکز آموزشی






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane
www.avirontech.com
514-739-3010



**Fengye College**  
www.cfycollege.com Since 2003  
Canada Québec

امکان دریافت وام و بورس (در پروسه تقاضا به شما کمک می‌کنیم) هفت روز هفته در خدمت شما هستیم

## Adult Vocational Paid Training

آموزش حرفه ای بزرگسالان با بورس ماهانه

### "Starting a business"

# آموزش آنلاین



**اعلام شروع کلاسهای ماه اکتبر (آنلاین) - ۹ صبح تا ۴ عصر**

<p><b>Sales Representation</b> نمایندگی فروش (انگلیسی) شنبه از ۱۰ اکتبر ساعت ۳ عصر تا ۹ شب چهارشنبه از ۱۴ اکتبر</p> <p><b>Professional Sales</b> فروش حرفه ای شنبه و یکشنبه از ۱۰ اکتبر</p> <p><b>Travel Sales</b> از شنبه ۱۰ اکتبر (سه روز در هفته)</p>	<p><b>Starting a Business</b> استارتینگ بیزینس ۱ (انگلیسی) شنبه از ۱۰ اکتبر یکشنبه از ۱۱ اکتبر</p> <p><b>استارتینگ بیزینس ۲</b> (انگلیسی) شنبه از ۱۰ اکتبر یکشنبه از ۱۱ اکتبر چهارشنبه از ۱۴ اکتبر (فرانسوی) یکشنبه از ۱۱ اکتبر</p> <p><b>Accounting</b> حسابداری از دوشنبه ۱۲ اکتبر (چهار روز در هفته)</p>
--	---

(514) 907-5073 | (514) 996-7628 | (514) 561-5788 | fycenter2014@gmail.com